

مقدمه

با لطف خداوند متعال، تا کنون يك دوره اصول عقاید از توحید تا معاد و يك دور تفسیر قرآن کریم به نام تفسیر نور، و از فروع دین، کتاب‌های متعددی درباره نماز، حج و امر به معروف و نهی از منکر نوشته‌ام. آنچه پیش رو دارید یادداشت‌هایی درباره خمس و زکات است که تنظیم و ارائه می‌گردد. تقریباً آنچه را نوشته‌ام ابتدا در صدا و سیما گفته و سپس اقدام به چاپ آن کرده‌ام.

با لطف خداوند، برای نماز و زکات و تفسیر و امر به معروف، ستادهایی تشکیل و اقداماتی انجام گرفت. آنچه انجام گرفته و آنچه نوشته شده، توفیق الهی بوده و آنچه مورد دغدغه است، آن است که به آنچه گفته و نوشته‌ایم، چقدر عمل کرده‌ایم و آنچه عمل کرده‌ایم، چقدر مورد قبول خداوند واقع شده است؛ زیرا مقدس‌ترین کارها که به دست مقدس‌ترین مردان خدا انجام گرفته است اگر قبول نشود، هیچ ارزشی ندارد. قرآن می‌فرماید: حضرت ابراهیم‌علیه السلام پایه‌های کعبه را بالا می‌برد و اسماعیل هم او را کمک می‌کرد، اما آنچه برای او مهم بود قبول شدن این عمل به درگاه الهی بود و لذا فرمود: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا» (سوره بقره، آیه ۱۲۷).

، با اینکه شخصی بالاتر از ابراهیم‌علیه السلام و یآوری بهتر از اسماعیل و کاری بالاتر از ساختن کعبه نیست، اما اگر قبول نشود چه سود!

هدف ما در این کتاب، نه تحقیق عمیق است که بضاعت و فراغت آن را ندارم و نه نقل تمام اقوال، بلکه چون دیدم آنچه درباره زکات و خمس در دسترس مردم قرار دارد، یا فتاوی مراجع و احکام است که به صورت مسأله بیان شده است و یا کتب فنی و فقهی و استدلالی است، و در این بین جای کتابی که دورنمایی از خمس یا زکات را برای عموم مردم ترسیم کند کمیاب است، لذا دست به این نوشتار زدم.

در این نوشته، محور مطالعه، قرآن و نهج‌البلاغه و روایات بوده است. از کتاب جامع الاحادیث آیه‌الله العظمی بروجردی و کتاب شریف بحارالانوار و نکاتی که در تفاسیر، ذیل آیه خمس (آیه ۴۱ سوره انفال) و آیه زکات (آیه ۶۰ سوره توبه) و سایر آیات مربوطه آمده، بهره برده‌ام. از سه کتابی که در این زمینه نگاشته شده، کتاب الخمس آیه‌الله نوری، کتاب خمس آیه‌الله حاج حسن امامی اصفهانی و کتاب خمس حجة الاسلام و المسلمین سیدمحمد ضیاءآبادی نیز بهره گرفتیم.

با این حال همان‌گونه که خودم کمبودهایی دارم، نوشته‌هایم نیز کمبودهایی دارد. از خداوند متعال می‌خواهم کمبودها را جبران و سیئات را تبدیل به حسنة فرماید و از خوانندگان عزیز تقاضای تکمیل، تذکر و دعا دارم.

یاوران

از دو فاضل ارجمند حجة الاسلام آیتی و حجة الاسلام جعفری، از دوستان مرکز تخصصی مهدویت قم، که این یادداشت‌ها را تنظیم و تکمیل نمودند، تشکر می‌کنم. از حجة الاسلام متوسل که در بازنگری و اصلاح نوشته‌ها و آقای متوسلی که در به ثمر رساندن کتاب‌های بنده رنج‌ها کشیده‌اند، متشکرم. از حجة الاسلام واعظی‌نژاد نیز که یادداشت‌های اینجانب در موضوع انفاق را، با تتبع و تکمیل خودشان، به صورت کتابی مستقل به نام «آینده‌ای بهتر در پرتو انفاق» به علاقه‌مندان عرضه کردند، نیز تشکر می‌کنم. محسن قرائتی تابستان ۸۲

جایگاه خمس در اسلام

دورنمایی از فلسفه خمس و زکات

گرچه اسلام درآمدهایی را که از طرق نامشروع، همچون اختلاس، احتکار، کم‌فروشی، ربا، سرقت، رشوه و امثال آن بدست می‌آید، به شدت حرام کرده و حکومت اسلامی را مسئول بازگشت این اموال به صاحبان اصلی آنها دانسته است، چنانکه امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام فرمود: تمام اموالی را که در زمان خلیفه سوم میان نورچشمی‌ها به ناحق تقسیم شده است، برخوادم گرداند، گرچه آن اموال در مهر زنان هزینه شده باشد. (والله لو وجدته قد تزوج به النساء وملك به الاماء لرددته). نهج البلاغه، خطبه ۱۵. اما با این حال به دلایل تفاوت‌های حکیمانه‌ای که خداوند میان انسان‌ها قرار داده است و به خاطر تلاش و تخصص و ابتکار، برخی افراد درآمد بیشتری دارند که از طریق مشروع نیز کسب کرده‌اند، و برخی افراد با درآمد کم، توان اداره زندگی خود را ندارند. تمام نظام‌های بشری برای کم‌درآمدها به فکر چاره بوده‌اند، زیرا اگر این خلاء به نحوی پر نشود، کینه و حسادت کم‌درآمدها نسبت به پردرآمدها شعله‌ور می‌شود و شعله‌اش ممکن است همه چیز را بسوزاند. اگر گرسنگان سیر نشوند، خطر بالارفتن آمار جنایات جدی می‌شود و هر نظامی که به فکر گرسنگان نباشد، ماندنی نیست.

گرسنگی جمعی از مردم و پرخوری جمع دیگر را هیچ عقل و وجدان سالمی نمی‌پذیرد. به همین دلیل، برای حلّ این مسأله افراد و حکومت‌ها، طرح‌های زیادی ارائه داده‌اند که رایج‌ترین آنها گرفتن مالیات و برقراری تأمین اجتماعی و ایجاد مؤسسات خیریه و صندوق‌های قرض الحسنه و امثال آن است.

اسلام نیز که مکتبی جامع و اجتماعی است، برای فقرزدایی و حل مشکل محرومان جامعه، طرح‌هایی را ارائه داده که یکی از آنها، مسئله خمس است. رسیدگی به فقرا به قدری مهم است که حضرت علی‌علیه السلام در حال نماز انگشتر خود را به فقیری که در مسجد از مردم تقاضای کمک می‌کرد و کسی به او پاسخ مثبتی نداد، عطا کرد و اشاره نکرد که صبر کند و بعد از نماز به او کمک کند بلکه در حال رکوع انگشتر خود را به او بخشید و آیه نازل شد: «انّما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون» (سوره مائده، آیه ۵۵).

البته در بحث خمس، تفاوت‌های خمس و زکات با مالیات مرسوم دولتی بیان شده است که ان شاءالله مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. خمس، نوعی تعدیل ثروت است که انسان با اراده خود و با قصد قربت، براساس ایمانی که دارد و اعتمادی که به او می‌شود، درآمدهای خود را بررسی و هزینه متعارف زندگی خود را از آن کاسته و بیست درصد از سودی که مازاد بر هزینه زندگی سالانه او است، به عالم‌ترین، متقی‌ترین و بی‌هوس‌ترین افراد می‌پردازد تا او همچون وکیلی مورد اعتماد، در آنچه به صلاح جامعه می‌بیند، هزینه کند. این تعدیل ثروت از طریق خمس و زکات، امری واجب است، ولی اسلام برای تعدیل ثروت راه‌های غیر الزامی دیگری نیز از قبیل وقف، هبه، صدقه، انفاق، وصیت، کفّاره، نذر، عهد، ایثار و قرض‌الحسنه، قرار داده است. تعدیل ثروت در بعضی از مکاتب اقتصادی همچون کمونیسم، از طریق نفی مالکیت خصوصی و به انحصار دولت درآوردن همه چیز، آن هم به صورت اجبار صورت می‌گیرد که در این نوع تعدیل هیچ‌گونه آزادی و انتخاب و رشد وجود ندارد.

جامعیت اسلام

آری، از امتیازات اسلام آن است که اقتصاد آن با اخلاق و عاطفه آمیخته است، همان‌گونه که سیاست و دیانت آن به هم آمیخته است. نماز جمعه با این که يك عمل عبادی است، يك مانور

سیاسی هم هست. اسلام حتی در جهاد، به مسائل عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نیز توجه دقیق دارد.

این علی بن ابیطالب علیه السلام است که در بحبوحه جنگ به خورشید نگاه می‌کند تا مبادا نماز اول وقتش از دست برود! و فرزندش امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا در برابر سیل تیر دشمن، نه تنها نماز واجب می‌خواند، بلکه به مستحبات نماز نیز از قبیل اذان، اقامه، جماعت، اول وقت و... توجه کامل دارد. و باز می‌بینیم همین علی بن ابیطالب علیهما السلام در وسط جنگ، وقتی یارانش آب را در ظرفی ترك دار برای او می‌آورند، می‌فرماید: آشامیدن آب از ظرف ترك دار مکروه است. (چه بسا ذرات آلوده‌ای که لابه‌لای آن ترك باشد و آب را غیربهداشتی کند.)

باز می‌بینیم در وسط جنگ بعضی از حضرتش می‌پرسند: نظر شما درباره فلانی و فلانی چیست؟ حضرت می‌بیند پاسخ این سؤال سبب فتنه و تفرقه می‌شود، سؤال‌کننده را تویخ می‌کند و اجازه نمی‌دهد امّتی که به وحدت کلمه نیاز دارند دستخوش تفرقه شوند، و باز می‌بینیم به هنگام جنگ، شخصی از علی علیه السلام معنای توحید را می‌پرسد و رزمندگان از سؤال او ناراحت می‌شوند، حضرت می‌فرماید: جنگ ما برای توحید است و سپس توحید را برای او معنا می‌کند.

به رزمندگان دستور می‌دهد آب آشامیدنی دشمن را مسموم نکنید، درختانشان را قطع و به فراریان تیراندازی نکنید، به زنان و کودکان و سالمندان کاری نداشته باشید. در کجای دنیا سراغ دارید که جنگ، سیاست، عبادت و اقتصاد اینگونه با مسائل اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و عاطفی آمیخته باشد.

در نظام اسلامی رابطه میان مردم و رهبر الهی رابطه صلوات و درود است. به مردم فرمان می‌دهد که به پیامبرشان درود فرستند: «یا ایّها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً» (سوره احزاب، آیه ۵۶).

و به پیامبر نیز دستور می‌دهد به پرداخت‌کنندگان زکات صلوات و درود فرستد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً و صلّ علیهم» (سوره توبه، آیه ۱۰۳).

در اسلام، روزهایی عید نامیده شده است که ضمن شادی و تبریک، رسیدگی به محرومان از طریق تقسیم گوشت قربانی در عید قربان و سیر کردن شکم گرسنگان در عید فطر از طریق زکات فطره مورد توجه است. جامعیت اسلام تا آنجاست که حتی خوردن و آشامیدن، هدفمند طراحی شده است؛ در کنار جمله «کلوا» که فرمان خوردن است، یکجا می‌فرماید: «کلوا... و لاتسرفوا» (سوره اعراف، آیه ۳۱).

در خوردن زیاده‌روی نکنید.

یکجا می‌فرماید: «کلوا... و اشکروا» (سوره بقره، آیه ۱۷۲).

به خاطر خوردن از خداوند تشکر کنید.

یکجا می‌فرماید: «کلوا... و اعملوا صالحاً» (سوره مؤمنون، آیه ۵۱).

با قدرتی که از غذا خوردن بدست می‌آورد کار نیک انجام دهید.

یکجا می‌گوید: «کلوا... و لاتطغوا فیه» (سوره طه، آیه ۸۱).

از قدرتی که به وسیله غذا بدست آورده‌اید طغیان نکنید.

یکجا می‌فرماید: «کلوا... و اتوا حقه» (سوره انعام، آیه ۱۴۱).

بخورید و حق آن را اداء کنید.

و یکجا می‌فرماید: «فکلوا... اطعموا» (سوره حج، آیه ۲۸).

بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید.

حتی آنجا که به زنبور عسل الهام می‌کند شیره گل را بمک، دستور می‌دهد که عسل بساز،

بنابراین اسلام، دین خوردن و خوابیدن نیست، بلکه خوردن و خوردن و کار نیک انجام دادن و طغیان

و زیاده‌روی نکردن است، همه با هم در نظر گرفته شده است. در کدام مکتب به این جامعیت توجه

شده است.

به هر حال دنیا مالیات می‌گیرد و اسلام نیز خمس و زکات می‌گیرد، اما شما در این کتاب به نکات و

لطائفی برخورد خواهید کرد که نشان می‌دهد حساب مالیات‌های اسلامی از حساب انواع

مالیات‌هایی که در دنیا گرفته می‌شود و قوانین آن بافته و ساخته فکر بشری است جداست. در

قوانین اسلامی به تمام ابعاد توجه شده است؛

از چه چیزی خمس و زکات گرفته شود؟

چه مقدار از سرمایه مشمول خمس و زکات شود؟

چگونه گرفته و چگونه پرداخت و چگونه مصرف شود؟

محاسبه اموال با چه کسی باشد، گیرنده یا پرداخت‌کننده؟

پرداخت کننده با چه انگیزه و هدفی بپردازد و گیرنده چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

چگونه مردم را به پرداخت خمس و زکات علاقمند کنیم؟

مسئولین جمع‌آوری چه افرادی باشند و چگونه به سراغ مردم بروند. در کجا گردآوری شود و شرایط

خزانه‌دار بیت المال چه باشد، با افرادی که سوءاستفاده می‌کنند، چگونه برخورد شود و ده‌ها مورد

دیگر که اگر میان مالیات‌هایی که در دنیا گرفته می‌شود با خمس و زکات مقایسه شود، معجزه

بودن مقررات اسلامی روشن می‌شود، همان گونه که اگر مقایسه‌ای میان اذان و ناقوس کلیسا

شود، مشخص می‌گردد که جملات اذان موزون، پرمحتوی، هدفمند و انگیزه‌آور، ولی در صدای

ناقوس، چیزی مفهوم نیست. اگر مقایسه‌ای میان نماز اسلام با عبادات سایر ادیان شود، اگر

مقایسه‌ای میان جهاد اسلامی و جنگ‌های دنیا شود، اگر مقایسه‌ای میان کنگره بین‌المللی حج با

سایر اجتماعات شود و اگر مقایسه‌ای میان نظام خانواده در اسلام با نظام خانواده در دنیا شود، جلوه اسلام بیشتر روشن خواهد شد.

خمس در قرآن

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...» (سوره انفال، آیه ۴۱).

«اگر به خدا ایمان دارید، بدانید هر چه را به عنوان غنیمت بدست می‌آورید، بی تردید يك پنجم آن برای خدا و رسول و خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان است.»
تاریخ نزول آیه

بعضی زمان نزول آیه را جنگ بنی قینقاع (۱۵ شوال سال دوم هجری) می‌دانند، (تفسیر طبری، ج ۲، ص ۱۷۳).

برخی زمان نزول را جنگ أحد (۷ شوال سال سوم هجری) (تفسیر مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۱۸) و بعضی جنگ بدر (رمضان سال دوم هجری) می‌دانند. (کتاب خمس آیه الله حسن فقیه امامی، ص ۳۶).

که خداوند از مجاهدان اسلام می‌خواهد خمس آنچه را در جنگ به غنیمت برده‌اند، پرداخت نمایند.

نگاهی دقیق‌تر به آیه خمس

نگاهی به آیه خمس اهمیت آن را نشان می‌دهد زیرا:

- ۱- در کمتر آیه‌ای مربوط به احکام، این همه تأکید پی در پی آمده است. کلمات «واعلموا، انما، من شیء، فان، لله خُمُسَه (بجای «خمس لله») و ان کنتم آمنتم» نشان تأکید است.
- ۲- برای تهییج مردم می‌فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید. بنابراین پرداخت آن از لوازم ایمان شناخته شده است.

۳- جمله «فان لله خُمسه» (که به اصطلاح جمله اسمیه است) بیانگر این است که این حکم دائمی است، نه موقت و موسمی. به علاوه چیزی که نشانه ایمان است نمی‌تواند موقت باشد.

۴- کلمه «واعلموا» در اول آیه به معنای آن است که باید خمس دادن باورتان بیاید و مسئله را جدی بگیرید. راستی عجیب است که شرکت در جبهه، کنار پیامبر بودن، اهل نماز و روزه بودن، عقاید سالم داشتن، از مهاجرین، انصار و سابقین بودن، مجروح شدن و بالاخره بر سپاه کفر پیروز شدن به تنهایی کافی نیست، زیرا با آن همه کمالات باز هم قرآن می‌فرماید: ای رزمندگان پیروز! اگر ایمان دارید خمس غنائم را بپردازید. اگر به بعضی از دستورات مثل جهاد و نماز عمل کردید، ولی به دستور خمس عمل نکردید، ایمان واقعی ندارید.

يك نكنه مهم

رسول خداصلی الله علیه وآله در شب جنگ بدر خوابید و دائماً دعا می‌کرد و می‌فرمود: خدایا! این گروه اندك از مسلمین روی زمین مشابهی ندارند، اگر اینها شكست بخورند روی زمین بنده مؤمنی نخواهی داشت. (اللهم انك ان تهلك هذه العصابة لا تعبد بعد اليوم). بحار، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

اما قرآن خطاب به همین رزمندگان می‌فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید. یعنی چه بسا تعداد مؤمنان در جهان بسیار کم باشد، ولی حتی همین تعداد کم که مشمول دعای پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله نیز هستند، اگر به تکلیف الهی و پرداخت خمس عمل نکنند، ایمان ندارند.

اهمیت خمس

نه تنها در آیه ۴۱ سوره انفال، پرداخت خمس شرط و لازمه ایمان شمرده شده، بلکه چهارمین آیه این سوره نیز نشانه مؤمنان واقعی را كمك به محرومان می‌داند و می‌فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که هرگاه خداوند یاد شود دل‌هایشان می‌طپد و... از آنچه به آنها روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند. اینان همان مؤمنان حقیقی هستند.» آری، پرداخت خمس از جهات متعددی دارای اهمیت است که ما به بعضی از آن جهات فهرست‌وار اشاره می‌کنیم.

از نظر اعتقادی

همان گونه که در آیه خمس خواندیم: پرداخت خمس نشانه ایمان و اعتقاد واقعی است. «إن كنتم آمنتم...»

از نظر عبادی

خمس از عبادات است و باید با قصد قربت پرداخت گردد و هرگونه ریاکاری و ناخالصی در انجام این فریضه اختلال به وجود می‌آورد.

از نظر سیاسی

پرداخت خمس به حاکم و فقیه جامع الشرائط سبب ارتباط مردم با جانشینان پیامبر می‌شود که این ارتباط در طول تاریخ لرزه بر اندام طاغوت‌ها انداخته است. پرداخت خمس کمک کردن به خط اهل بیت و تقویت بنیه مالی فقها و حوزه‌های علمی‌ای است که روشننگر مردم در طول تاریخ بوده‌اند. پرداخت خمس سبب تبلیغ و نشر تفکر علوی به وسیله علما و فضلا و طلاب و مرزبانان از حدود و ثغور دینی و مبارزه با انواع انحرافات فکری و اخلاقی و سمپاشی‌ها و ایجاد تردیدها و وسوسه‌های بدخواهان مغرض و یا طرفداران ساده دل است.

به علاوه این پرداخت، رابطه عاطفی میان فقها و مردم را برقرار می‌کند و فقها را از وضعیّت اقتصادی جامعه آگاه می‌کند.

از نظر اقتصادی

پرداخت خمس راهی برای تعدیل ثروت، مبارزه با تکاثر و رسیدگی به محرومان و تهی‌دستان جامعه است.

از نظر اجتماعی

پرداخت خمس راهی برای ایجاد الفت و محبت میان طبقات مختلف و جلوگیری از ایجاد شکاف‌های عمیق اجتماعی است.

از نظر روانی

پرداخت خمس سبب می‌شود که انسان در خود احساس کند حامی اهل بیت و مراجع تقلید و حوزه‌های علمیّه و تبلیغات صحیح دینی است و این احساس همواره او را هوادار جبهه حق و مخالف جبهه‌های باطل و وسوسه‌های آنان قرار می‌دهد.

از نظر تربیتی

پرداخت خمس انسان را حسابگر، دقیق، وظیفه‌شناس، نسبت به محرومان جامعه مسئول و نسبت به حمایت از خط خدا و رسول و اهل‌بیت‌علیهم‌السلام، متعهد تربیت می‌کند.

پرداخت خمس روح سخاوت و نوع دوستی را در انسان شکوفا می‌کند.

پرداخت خمس روحیه بی‌تفاوتی و دنیاپرستی را از انسان برطرف می‌کند.

کوتاه سخن آنکه پرداخت خمس؛

رابطه انسان را با خدا از طریق قصد قربت در پرداخت،

رابطه انسان را با محرومان از طریق کمک به ایتم،

رابطه انسان را با حاکم معصوم یا عادل از طریق کمک به فقهای عادل،
رابطه انسان را با جامعه از طریق تقویت حوزه‌های علمیه و اعزام اسلام شناسان به اطراف،
رابطه انسان را با خودش از طریق مهار کردن خوی حرص و بخل و بی‌تفاوتی،
رابطه انسان را با نسل آینده از طریق حلال کردن لقمه‌ها و مهریه‌ها،
و رابطه انسان را با پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش‌علیهم‌السلام از طریق رسیدگی به سادات
محروم تنظیم و تصحیح و تقویت می‌کند.

آثار خمس

اگر به تعبیراتی که در آیات و روایات آمده است توجه کنیم، به آثار پرداخت خمس بیشتر پی
خواهیم برد. بعضی جملات و کلماتی را که برای فلسفه خمس آمده فهرست‌وار مطرح می‌کنیم.

۱- نسل پاک

در روایات می‌خوانیم: «لتطیب ولادتهم» (وسائل، ج ۹، ص ۵۴۷ .
پرداخت خمس، مال را پاک و مال پاک مقدمه نسل پاک است.

۲- تقویت دین

امام رضا علیه السلام فرمودند: «الخمس عوننا علی دیننا» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .
خمس، حق ما اهل بیت و پشتوانه مکتب و راه ما است.

۳- نشانه وفا

در تعبیر دیگر می‌خوانیم: «المسلم من یفی الله بما عهد الیه و لیس المسلم من اجاب باللسان و
خالف بالقلب»، مسلمان واقعی کسی است که به پیمان الهی وفادار باشد و کسی که با زبان
جواب مثبت ولی در دل جواب منفی می‌دهد، در حقیقت مسلمان نیست. (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۴- کمک به یاران

امام رضا علیه السلام فرمود: خمس وسیله‌ای برای کمک ما بر بستگان و یاوران ماست. «ان
الخمس عوننا علی عیالاتنا» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .
«عوننا علی موالینا» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۵ - پاکی مال

امام صادق علیه السلام فرمود: من از گرفتن درهم شما هدفی جز پاك کردن شما ندارم، زیرا وضع مالی من امروز خوب است. «ما اريد بذلك الا ان تطهروا» (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴).

۶- گوارا بودن درآمد

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هر کس خمس ما را بدهد باقی درآمدش برای او گواراست. «یودی خمسنا و یطیب له» (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۸).

۷- حفظ آبرو در برابر مخالفان

امام رضا علیه السلام فرمود: به وسیله خمس، ما آبروی خود و طرفدارانمان را در برابر تهدیدات مخالفان حفظ می‌کنیم. «و ما نبذله و نشتری من اعراضنا ممن نخاف سطوته» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸).

۸ - فقر زدائی از خاندان رسالت

امام کاظم علیه السلام فرمود: خداوند نیمی از خمس را برای فقر زدائی از بستگان پیامبر که از زکات و صدقات محرومند قرار داد. «و جعل للفقراء قرابة الرسول نصف الخمس فاغناهم به عن صدقات الناس...» (وسائل، ج ۹، ص ۵۱۴).

۹- کفاره گناهان و ذخیره قیامت

امام رضا علیه السلام فرمود: خارج کردن خمس مال، وسیله آمرزش گناهان و ذخیره قیامت و روز نیاز شماست. «فان اخراجه... تمحیص ذنوبکم و ما تمهدون لانفسکم لیوم فاقتکم» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸).

۱۰- ضمانت بهشت

شخصی نزد امام باقر علیه السلام آمد و خمس مال خود را پرداخت، امام فرمود: بر من و پدرم لازم است که بهشت را برای شما ضمانت کنیم. «ضمنت لك علی و علی ابی الجنّة» (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۸).

۱۱- شمول دعای امام

امام رضا علیه السلام فرمود: خمس، کمک ما بر حفظ مکتب است، سپس فرمود: تا می‌توانید خودتان را از دعای ما محروم نکنید. «ولا تحرموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸).

۱۲- کلید رزق

امام رضا علیه السلام فرمود: پرداخت خمس کلید رزق شماست. «فان اخراجه مفتاح رزقکم» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸).

۱۳- نظم و حساب در سرمایه

کسی که حساب سال دارد و خمس می‌دهد، در واقع شخصی حسابگر، منظم و دقیق است و میزان درآمد و مصرفش مشخص است. امام باقر علیه السلام فرمود: «الکمال کلّ الکمال: التّفقه فی الدّین والصبر علی النّائبة و تقدیر المّعیشه» (تحف العقول، ص ۳۰۱). بالاترین کمال در سه چیز است: شناخت عمیق دین، پایداری در برابر ناملايمات و نظم و برنامه در زندگی.

۱۴- عنایات ویژه

کسانی که اهل خمس هستند، یعنی در هر درآمد خود، سهم خدا، رسول، اهل بیت و سهم دیگران را در نظر دارند، قهراً خدا و اولیای او نیز به او عنایات ویژه دارند. مگر در قرآن نمی‌خوانیم: «فاذکرونی اذکرکم» (سوره بقره، آیه ۱۵۲). مرا یاد کنید، شما را یاد می‌کنم. مگر در قرآن نمی‌خوانیم: «ان احسنتم احسنتم لانفسکم» (سوره بقره، آیه ۱۵۲). اگر خوبی کنید به خودتان خوبی کرده‌اید. مگر در قرآن نمی‌خوانیم: «اذا حیّتم بتحیّة فحیوا باحسن منها» (سوره نساء، آیه ۸۶). اگر شخصی نسبت به شما کریمانه برخورد کرد، شما بهتر از او برخورد کنید. مگر قرآن وعده نداده که «ان تنصروا الله ینصرکم» (سوره محمد، آیه ۸). اگر شما خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می‌کند. مگر قرآن خبر از دوست داشتن نیکوکاران نداده است: «انّ الله یحبّ المحسنین» (سوره بقره، آیه ۱۹۵).

آری، کسی که با پرداخت خمس، حق خدا و رسول و امام را می‌دهد، در حقیقت مشمول تمام آیاتی است که گفته شد. زیرا او هم خدا را یاد کرده، هم احسان کرده، هم اولیای خدا و محرومان را گرامی داشته و هم مکتب الهی را یاری نموده است و دریافت این همه عنایات در برابر ۲۰٪ مازاد درآمد سال، سود بزرگی است.

يك نمونه از عنایات ویژه

زنی به نام شطیبه يك درهم پول و يك كلاف نخ را از نیشابور برای امام کاظم علیه السلام فرستاد و از کمی مال خود عذرخواهی کرد و گفت: «انّ الله لا يستحیی من الحق» امام درهم و كلاف را پذیرفت و فرمود: سلام مرا به این خانم برسانید و این چهل درهم و این پارچه‌ای که جزو کفن خودم هست به او بدهید، او چند روزی بیشتر زنده نیست ولی همین که از دنیا رفت من برای نماز بر جنازه او به نیشابور خواهیم آمد. (بخار، ج ۸، ص ۷۴). در این ماجرا امام چند درهم را از يك مسلمان مخلص می‌پذیرد و این همه او را مورد تفقد قرار می‌دهد ولی مبالغ سنگینی را از افراد نااهل نمی‌پذیرد.

خمس در روایات

امام کاظم علیه السلام فرمود: «لقد یسر الله علی المؤمنین ارزاقهم بخمسة دراهم جعلوا لربهم واحداً واكلوا اربعة حلالات ثم قال هذا من حدیثنا صعب مستصعب لایعمل به ولا یصبر علیها الا ممتحن قلبه للایمان» (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴).

خمس مالتان را بدهید تا رزق شما حلال شود، سپس فرمود: این کلام سختی است که جز افراد با ایمان امتحان شده، تحمل آن را ندارند.

نپرداختن خمس، در کنار شرك و قتل نفس، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اکبر الكبائر سبع: الشرك والقتل واكل اموال الیتامی و عقوق الوالدین و قذف المحصنات و الفرار من الزحف وانکار ما انزل الله»، سپس فرمود: اما خوردن مال یتیمان همان حق ما است که از ما ربوده و خوردند. (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۶).

امام زمان علیه السلام فرمود: «لعنة الله والملائكة والناس اجمعین علی من استحلّ من مالنا درهماً» (وسائل، ج ۹، ص ۵۴۱).

، لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر کسی که يك درهم مال ما را حلال بشمارد و در روایت دیگر فرمود: ما دشمن این گونه افراد هستیم. «و نحن خصمائهم» (وسائل، ج ۹، ص ۵۴۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هَلِكُ النَّاسِ فِي بَطُونِهِمْ وَفُرُوجِهِمْ لِأَنَّهُمْ لَمْ يُؤَدُّوا إِلَيْنَا حَقَّنَا» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷).

، مردم بخاطر اینکه حق ما را نمی‌دهند غذا و آمیزش آنان ناپاک شده و سبب هلاکت آنان می‌شود.

در بعضی احادیث می‌خوانیم: «من استحل منها شيئاً فامسكه فانما ياكل النيران» (وسائل، ج ۹، ص ۵۵۰).

، کسی که بخشی از خمس را حلال پندارد و آن را نپردازد، گویا آتش می‌خورد. یاران واقعی اهل بیت علیهم السلام آنگونه ایمان داشتند که نپرداختن خمس را مساوی با حرام خوردن و قبول نشدن نماز و روزه می‌دانستند و در سؤال کتبی خود از آن بزرگواران می‌پرسیدند که خمس را چگونه بپردازیم تا جزو حرام خواران و کسانی که نماز و روزه‌شان قبول نیست نباشیم. (وسائل، ج ۹، ص ۵۰۳).

امام باقر علیه السلام فرمود: آسان‌ترین وسیله‌ای که انسان را به دوزخ می‌برد خوردن مال یتیم است، سپس حضرت فرمود: ما یتیم هستیم (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۳ و ص ۵۳۶).
(و نپرداختن خمس، به منزله خوردن مال یتیم است).
در حدیث دیگر می‌خوانیم: از سخت‌ترین شرائطی که مردم در قیامت دارند وضعیّت تارکان خمس است. (وسائل، ج ۹، ص ۵۴۵).

در حدیثی می‌خوانیم: «الدنيا و ما فيها لله و رسوله و لنا فمن غلب على شييء منها فليتيق الله و ليؤد حق الله و ليتبر اخوانه فان لم يفعل ذلك فالله و رسوله و نحن براء منه» (وافی، ج ۱۰، ص ۲۸۹).

، هر کس بر مال دنیا دست یافت باید تقوی پیشه کند و حق خدا را بپردازد و به برادران ایمانی خود احسان کند و اگر این چنین نکرد خدا و رسول و ما اهل بیت از او بیزاریم.
امام رضا علیه السلام فرمود: «ان الخمس عوننا... فلا تزوه عنا ولا تحرموا انفسكم دعاءنا ما قدرتم عليه» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴).

خمس کمک به ماست آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید.
امام زمان علیه السلام فرمودند: «فلا يحلّ لاحد ان يتصرف في مال غيره بغير اذنه فكيف يحل ذلك في مالنا من فعل شيئاً من ذلك لغير امرنا فقد استحل منا ما حرم عليه و من اكل من مالنا شيئاً فانما يأكل في بطنه نارا و سيصلى سعيراً» (وسائل، ج ۹، ص ۵۴۱).

، با اینکه هیچ کس حق ندارد در مال غیر تصرف کند، پس چگونه مردم در مال ما تصرف می‌کنند؟ هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند مرتکب گناه شده و هر کس ذره‌ای از مال ما را بخورد پس گویا آتش در شکم اوست.

در روایات می‌خوانیم: «لا یعذر عبد اشتری من الخمس شیئاً ان یقول ربّ اشتریته بمالی حتّی یأذن له اهل الخمس» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۳۴ با اندکی تفاوت. ، عذر کسی که از خمس چیزی خریداری کند پذیرفته نیست، مگر آنکه صاحبان خمس اجازه دهند. امام باقر علیه السلام فرمود: برای هیچ کس حلال نیست مال خمس نداده‌ای را خریداری کند مگر آنکه حق ما را به ما برساند. (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

اگر وارثان کسی که از دنیا رفته بدانند او خمس مال خود را نداده، باید مثل سایر بدهی‌ها خمس او را بدهند. (عروة الوثقی، کتاب الخمس، مسئله ۵۰ .

امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید: هر کس درهمی از خمس را نپردازد جزء ستمگران بر اهل بیت و کسانی که حق آن بزرگواران را غصب کرده‌اند می‌شود. (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۳۴.

در کتب فقهی و رساله‌های مراجع بزرگوار مسائلی است که بر همه مقلدین دانستن آنها لازم است و ما چند جمله از کتاب شریف عروة الوثقی بیان می‌کنیم: اگر انسان قبل از پرداخت خمس کنیزی بخرد حق تصرف ندارد. (عروة الوثقی، مسئله ۸۰ .

تا مقدار خمس را با فقیه جامع الشرائط مصالحه نکرده، تصرف در مال خمس نداده جایز نیست، حتّی اگر در نیت خود قصد پرداخت مبلغ را داشته باشد. (عروة الوثقی، مسئله ۷۸.

استفاده از لباس و مکانی که خمس آن داده نشده نماز را با مشکل مواجه می‌کند، چنانکه در حج، طواف با لباس احرامی که خمس آن داده نشده، باطل است.

خمس در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله

۱- در آیات و روایات نام زکات بیشتر از خمس آمده است، شاید دلیل این که جز افراد نادر در مکه و بعضی از قبایل که بازرگانی می‌کردند بیشتر مردم کشاورز و دامدار بودند، ولی با این حال پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله افرادی را برای گرفتن خمس به مناطق می‌فرستاد، چنانکه در تاریخ آمده است: مثلاً علی بن ابیطالب علیهما السلام و عمرو بن حزم و معاذ بن جبل را به یمن و مُحَمَّیّه را در

بنی زبید برای گرفتن خمس فرستاد. «بعثه رسول الله لاخذ الاخماس». (کتاب خمس آية الله نوری همدانی، ص ۱۱۰.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای هیأت‌هایی که به حضورش می‌رسیدند بعد از امر به ایمان در کنار نماز و زکات، خمس را نیز مطرح می‌فرمودند: «أمرکم بالایمان... و اقام الصلوة و ایتاء الزکاة و تعطوا الخمس من المغنم» (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲، ۳۳ و ۱۲۱.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در نامه‌هایی که برای قبایل می‌فرستادند به موضوع خمس اشاره می‌کردند. (طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۳۷۴.

۴- مسلمانان همان گونه که زکات را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرستادند، خمس را نیز خدمت حضرت می‌فرستادند. (کتاب خمس آية الله نوری همدانی، ص ۸۸، ۱۱۰ و ۷۴۵.

خمس پس از پیامبر

گرچه مسیری که پیامبر معین فرموده بود دچار انحراف گردید و خلفا غنیمت را منحصر در غنائم جنگی نمودند و اهل بیت پیامبر تا زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام از خمس منع گردیدند، لیکن هنگامی که فضای تبلیغ برای این دو امام عزیز باز شد، به مسئله خمس پرداختند. (کتاب خمس آية الله نوری همدانی، ص ۷۴۶.

بعد از امام صادق علیه السلام تا زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام امامان معصوم در مناطق مختلف مثل بلخ، بخارا، ری، قم، نیشابور، شیراز، همدان، خراسان، قزوین، اهواز، عراق، یمن، موصل و بغداد برای گرفتن خمس نماینده داشتند. دلیل پیدا شدن فرقه واقفیه این بود که خمس مردم نزد یکی از نمایندگان امام کاظم علیه السلام جمع شده بود و هنگامی که امام به شهادت رسید آن نماینده اعلام کرد بعد از امام هفتم امامی نداریم تا بتواند اموالی را که از خمس نزد او مانده تصرف کند. (کتاب خمس آية الله نوری همدانی، ص ۶۰۷.

آری، نماینده امام معصوم نیز در معرض خطر انحراف است. در نهج البلاغه نمونه‌هایی از عزل شدگان حضرت علی علیه السلام به چشم می‌خورد که بعضی از آنها کینه حضرت را به دل گرفتند و

برای خود دار و دسته‌ای تشکیل دادند و همین که فهمیدند حسین بن علی علیهما السلام به کربلا رسیده نیروهای خود را برای قتل امام به کربلا اعزام کردند و با صراحت به امام می‌گفتند: ما با شما مسئله‌ای نداریم ولی کینه و بغض پدرت را در دل داریم که ما را عزل کرد. (علامه میرزا خلیل کمره‌ای در يك تحقيق عميق علمي، نام نمایندگان برکنار شده‌ای که علیه امام حسین علیه السلام نیرو به کربلا اعزام کردند (با تعداد آن نیروها) آورده است.

وسوسه‌های شیطانی

وسوسه از راه وعده فقر

هنگامی که فردی تصمیم بر دادن حقّ الله می‌گیرد، شیطان به او وعده فقر می‌دهد (سوره بقره، آیه ۲۶۸).

که اگر خمس بدهی مال تو کم می‌شود و فردا فقیر و محتاج می‌شوی، هنوز فرزندان به سر و سامان نرسیده‌اند. ولی قرآن نیز در برابر وعده فقر شیطان وعده‌هایی دارد از جمله: آنچه در راه خدا بدهید، خداوند جایگزین می‌کند: «فهو یخلفه» (سوره سبأ، آیه ۳۹). (انفاق مثل مکیدن شیر مادر است که هرچه فرزند می‌خورد، خداوند دوباره سینه مادر را پر می‌کند. هر چه بدهید گم نمی‌شود و آن را نزد خداوند می‌یابید. «تجدوه عندالله» (سوره بقره، آیه ۱۱۰).

کارهای خیر شما باقی می‌ماند و پاداش بهتر دارد. «والباقیات الصالحات خیر عند ربك ثواباً» (سوره کهف، آیه ۴۶).

هر چه نزد شماست فانی می‌شود، ولی اگر رنگ الهی پیدا کند و در راه او مصرف شود ابدی می‌گردد. «ما عندکم ینفد و ما عندالله باق» (سوره نحل، آیه ۹۶).

در راه خدا از خرج کردن نترسید که او به شما وسعت می‌دهد. «و الله واسع علیم» (سوره بقره، آیه ۲۶۱).

مثال آنچه در راه خدا می‌دهید مثال دانه گندمی است که در خاک پنهان می‌شود، ولی چیزی نمی‌گذرد که از آن دانه، هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه ظاهر می‌شود. (سوره بقره، آیه ۲۶۱).

نوع دیگری از وسوسه

اگر شیطان در مرحله اول حریف انسان نشد کمی تخفیف داده و می‌گوید: خمس واجب است ولی حالا صبر کن. عجله درست نیست هنوز آخر کار نشده و معلوم نیست سود و زیان چقدر است، ممکن است بعضی از سرمایه‌های تو نقد نشود، ممکن است بعضی از جنس‌های فروخته شده برگردد، امسال سود بردی، شاید سال آینده زیان کنی و... .

قرآن در برابر این تأخیر، سفارشاتى دارد و تذکراتى می‌دهد از جمله:

۱- در قرآن بارها کلمه «بغته» بکار رفته است، یعنی ممکن است مرگ ناگهانی فرا رسد و توفیق عمل خیر نداشته باشی.

۲- تاریخ افراد و اقوام و گروه‌هایی در قرآن مطرح شده که ناگهان گرفتار قهر الهی شدند.

۳- قرآن صحنه‌هایی از آرزوی برگشتن به دنیا و انجام کار خیر را نقل می‌کند که البته هرگز به این آرزو پاسخ مثبتی داده نمی‌شود.

۴- قرآن در آیه ۱۴ سوره حدید گفتگوی دوزخیان را با بهشتیان در قیامت اینگونه بیان می‌فرماید:

منافقان التماس می‌کنند که نگاهی به ما کنید تا از نور شما استفاده کنیم. وقتی جواب رد

می‌شنوند می‌گویند: آیا ما در دنیا با شما نبودیم؟ بهشتیان می‌گویند: چرا ولی شما خودتان را

فریب دادید و در کار خیر، امروز و فردا کردید.

وسوسه دیگر

گاهی شیطان انسان را وسوسه می‌کند که چرا نتیجه دسترنج و علم و ابتکار و خلاقیت تو نصیب

دیگران شود. همان گونه که قارون می‌گفت: سرمایه من بخاطر علم و تخصص و مدیریت است که

دارم، «انما اوتيته على علم عندى» (سوره قصص، آیه ۷۸).

خداوند در پاسخ می‌فرماید: آیا قارون نمی‌داند که ما قوی‌تر از او را نابود کردیم. چه بسیار افرادی

از صاحبان سرمایه که با سواد، زرنگ، قوی و زحمت‌کش بودند، ولی به جایی نرسیدند. آری، هرگز

داده‌های الهی را به حساب تخصص و علم و تلاش و مدیریت و هنر خود نگذاریم.

وسوسه دیگر

گاهی شیطان وسوسه می‌کند که خدا خواسته گروهی فقیر و گروهی در رفاه باشند، اگر خدا

بخواهد به فقرا نیز ثروت می‌دهد. «انطعم من لو يشاء الله اطعمه» (سوره یس، آیه ۴۷).

گویا این افراد غافلند که دادن‌ها و گرفتن‌های الهی برای آزمایش مردم است تا کسی که ثروت دارد از خود سخاوت و کسی که ندارد از خود صبر و قناعت نشان دهد. اگر همه مردم یکسان باشند روحیه ایثار، سخاوت، صبر و قناعت، در انسان محو می‌شود.

وسوسه دیگر

گاهی انسان بر اثر وسوسه شیطان می‌گوید: من کارهای خیر زیادی کرده‌ام به فقراء كمك می‌کنم، به بستگان سر می‌زنم اموالی را وقف یا وصیت می‌کنم، بنابراین خمس دادن لازم نیست. در حالی که اگر انسان هزار مستحب انجام دهد جبران يك واجب نمی‌شود. ما بنده خدا هستیم و باید هرچه را او گفت و هر گونه که او خواست عمل کنیم، نه آنچه را سلیقه خودمان تشخیص می‌دهد و بدتر آنکه سلیقه خودمان را به جای حکم خدا حساب کنیم.

وسوسه دیگر

افرادی می‌گویند: برخی از کسانی که خمس را به آنها می‌پردازیم، خود در رفاه هستند چرا ما به آنان خمس بدهیم؟ در پاسخ باید گفت: اسلام می‌فرماید: خمس را به فقیه عادل‌ی پردازید که اهل دنیا نباشد، اگر شما گیرنده خمس را اهل دنیا دیدید می‌توانید گیرنده را عوض کنید نه آنکه از پرداخت خمس سرباز زنید. شرط مرجعیت در اسلام دوری از هوای نفس است و در روایات سفارش شده است که اگر عالمی را دیدید که دنیا گراست از او دوری نمائید و به سراغ عالم زاهد و پارسا بروید.

علاوه بر آنکه ممکن است رفاه گیرنده خمس، بخاطر ارث و یا درآمدهای شخصی باشد و زندگی او از خمس نباشد.

وسوسه دیگر

بعضی می‌گویند: خمس ما مبلغ قابل‌ی نیست، خودمان به فقرا می‌دهیم. پاسخ آن است که ما باید به وظیفه عمل کنیم و کاری به کم و زیاد آن نداشته باشیم. همان گونه که گاهی يك برگ زرد در حوض آب، کشتی چندین مورچه می‌شود، ممکن است مبلغ ناچیز شما چند گره را از کار مسلمانان باز کند. خداوند به مبلغ نظر ندارد، بلکه او به اخلاص می‌نگرد چنانچه سوره «هل ائی...» به خاطر چند قطعه نان که در راه خدا خالصانه انفاق شد نازل گردید.

وسوسه دیگر

گاهی می‌گویند ما هنوز مشکل مسکن و همسر و مرکب و اشتغال خود یا فرزندانمان را حل نکرده‌ایم که خمس پردازیم.

پاسخ: اسلام، خمس را پس از تأمین هزینه‌های متعارف و متعادل زندگی قرار داده است. تأمین نیازهایی مانند ازدواج خود یا فرزندان، تهیه مسکن و مرکب و سفرهای تفریحی و زیارتی و هدایا و مهمانی‌ها و انواع هزینه‌هایی که در آن ریخت و پاش نیست و در نظر عموم مردم بجاست، مقدم بر

خمس است ولی متأسفانه بعضی از مردم اسراف‌کاری و بلند پروازی و تجمل‌گرایی و چشم هم چشمی را بهانه نپرداختن خمس قرار می‌دهند.

به هر حال خمس پس از تأمین زندگی عادی است. مثلاً اگر پنج میلیون تومان درآمد سال شما و چهار میلیون تومان خرج زندگی سالانه شما باشد، تنها خمس يك میلیون تومان یعنی دویست هزار تومان بر شما واجب است و از پنج میلیون تومان سود، نپرداختن دویست هزار تومان، بی‌انصافی است. راستی اگر باغ انگوری را به انسان ببخشند و بگویند در هر سال چند کیلو از انگور این باغ را به صاحبش بدهید، بی‌اعتنایی به این خواسته خلاف هر وجدان بیدار نیست؟

وسوسه دیگر

بعضی می‌گویند: ما خمس را خودمان به فقرا می‌دهیم و نیازی نیست که به فقیه جامع الشرایط بپردازیم، این افراد نمی‌دانند که خمس عبادت است و در عبادت تعبّد و مراعات دستور ضروری است. قرآن با صراحت، گیرنده خمس را «ذی القربی» یعنی امام معصوم دانسته و امام معصوم فقیه عادل را جانشین خود قرار داده که باید مجاری امور به دست او باشد و در حوادث واقعه به او مراجعه کرد و او حرف آخر را بزند.

وسوسه دیگر

گاهی می‌گویند: بسیاری از مردم خمس نمی‌دهند، ما نیز مثل همه.

پاسخ آن است که در قیامت هر کس باید پاسخگوی رفتار خود باشد و حساب افراد، جداگانه بررسی می‌شود. قرآن صحنه‌های تلخی از گفتگوی مجرمان در قیامت را بیان می‌فرماید که یکی از آنها این است که بعضی به دیگران می‌گویند: اگر شما نبودید ما ایمان می‌آوردیم. (شما ما را منحرف کردید) آنان می‌گویند: هرگز چنین نیست بلکه شما خود ایمان‌آور نبودید. «لولا انتم لکنا مؤمنین قالوا بل لم تکونوا...» (سوره سبأ، آیه ۲۱).

بنابراین ملاک عمل باید عقل و دستور خداوند باشد نه جامعه. جمله معروف: «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» بسیار نابجاست. اگر يك کشتی در حال غرق شدن بود و اکثر مسافران بخاطر ندانستن شنا غرق شدند، آیا صحیح است که چند نفری که شنا می‌دانند خودشان را غرق کنند و بگویند: خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!!

حضرت علی علیه السلام می‌فرمود: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰۱.) (از رفتن در راه حق بخاطر کمی افراد نترسید. مگر حضرت ابراهیم يك موحّد در برابر انبوه مشرکان نبود. مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در آغاز بعثت تنها نبود. به هر حال غفلت اکثریت از خمس و زکات، دلیل سرباز زدن دیگران نمی‌شود.

به علاوه در برابر افرادی که اهل خمس و زکات نیستند، افرادی جان و مال و آبروی خود را در راه اسلام دادند که قرآن از آنان تجلیل می‌نماید و می‌فرماید: «و يطعمون الطعام على حبه...» (سوره انسان، آیه ۸).

و «و يؤثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصة» (سوره حشر، آیه ۹).

تفاوت خمس و زکات با مالیات

گاهی می‌گویند: ما که به دولت اسلامی مالیات می‌دهیم، دیگر خمس و زکات برای چه؟ در پاسخ به این سؤال، به تفاوت‌هایی که میان خمس و زکات با مالیات است اشاره می‌کنیم: تفاوت اول

مالیات، هزینه‌ای است که شما می‌پردازید تا دولت، رفاه شما را بیرون منزل تأمین کند. مثلاً بیرون منزل شما بوستانی احداث کند همان گونه که خود نیز در منزل باغچه احداث می‌کند. هر کسی حیاط منزل خود را موزائیک یا سنگ می‌کند، به دولت نیز مالیات می‌دهد تا بیرون منزلش را اسفالت کند.

درب منزل خود را قفل می‌زند، به دولت نیز مالیات می‌دهد بیرون منزل پلیس بگمارد. در منزل لامپ روشن می‌کند، به دولت نیز مالیات می‌دهد تا بیرون منزل، کوچه و خیابان را روشن کند.

در منزل کپسول آتش‌نشانی دارد، به دولت نیز مالیات می‌دهد تا بیرون منزل ماشین آتش‌نشانی را آماده داشته باشد.

بنابراین مالیات، خرج خود شما می‌شود و نظیر پولی است که شما در منزل برای زندگی شخصی هزینه می‌کنید. با این تفاوت که آنچه در منزل خرج می‌کنید مستقیم است و آنچه در بیرون خرج می‌شود به واسطه مالیاتی است که به دولت می‌دهید.

تفاوت دوم

پرداخت خمس و زکات، به عنوان يك عبادت است و در آن قصد قربت لازم است که اگر نباشد عمل قبول نمی‌شود. بر خلاف مالیات که قصد قربت نمی‌خواهد و نوعاً با اکراه پرداخت می‌گردد.

تفاوت سوم

خمس، زیر نظر عالم‌ترین، محبوب‌ترین، با تقوی‌ترین فردی که با تحقیق انتخاب شده، یعنی فقیه عادل مصرف می‌شود، بر خلاف مالیات که چنین شرطی در آن نیست و لذا گاهی غیر عادلانه هزینه می‌شود. به علاوه اتصال طبقه محروم با عالم ربانی زمینه‌ساز پذیرش و اطاعت از خدا و رسول است و فقرا و سایر گیرندگان، چون خمس را از دست جانشین امام زمان علیه السلام می‌گیرند احساس حقارت نمی‌کنند.

تفاوت چهارم

در خمس و زکات به پرداخت کننده اعتماد می‌شود، یعنی اولاً خودش حساب مال خود را می‌کند نه بازرس و مأمور دولت. ثانیاً کسی را که می‌خواهد مال خود را به او بدهد انتخاب می‌کند که کدام مرجع و عالم متقی‌تر باشد. ثالثاً از مصرف آن زیر نظر مجتهد عادل آگاه است و می‌داند در کجا هزینه می‌شود.

تفاوت پنجم

در خمس و زکات هدف گیرنده، رشد و پاک کردن مردم و هدف پرداخت کننده قرب به خداست. تفاوت پنجم خمس را از مازاد مخارج سالانه می‌گیرند، ولی مالیات از اصل درآمد مردم گرفته می‌شود.

راه مقاومت در برابر وسوسه‌ها

ما باید در برابر وسوسه‌ها و القائاتی که می‌شود، جمله امام رضا علیه السلام را فراموش نکنیم که فرمود: خمس وسیله حفظ و تبلیغ مکتب ما و کمک برای بستگان و دوستداران ماست. (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۸).

و فرمود: «فعلى كل من غنم... فعليه الخمس فان اخرجته فقد ادى حق الله ما عليه و تعرض للمزيد و حل له باقى ماله و طاب و كان الله اقدر على انجاز ما وعده العباد من المزيد و التطهير من البخل على ان يغنى نفسه مما فى يديه من الحرام الذى بخل فيه بل قد خسر الدنيا والاخرة... فاتقوا الله و اخرجوا حق الله مما فى ايديكم ببارك الله لكم فى باقيه و يزكو فان الله عزوجل الغنى و نحن الفقراء و قال الله: «لن ينال الله لحومها ولا دماؤها و لكن يناله التقوى منكم» (سوره حج، آیه ۳۷). فلا تدعوا التقرب الى الله بالقليل والكثير على حسب الامكان و بادروا بذلك الحوادث واحذروا عواقب التسويف فيها فانما هلك من هلك من الامم السابقة بذلك» (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۷۹). اگر خمس بدهید حق خدا را داده و باقى مال برای شما حلال می‌شود و در معرض اضافه شدن قرار می‌گیرید و خداوند بر انجام وعده‌ی لطفی که به پرداخت کننده داده از هر کس توانا تر است، ایمان و توکل بر وعده‌های الهی از تکیه بر مال حرامی که در دست دارد و بخل می‌کند بهتر است

زیرا او با نپرداختن خمس، خسارت دنیا و آخرت را برای خود کسب کرده است. پس، از خداوند پروا کنید و از آنچه در دست دارید، حق خدا را بپردازید تا خداوند در باقی مال شما برکت دهد و شما تزکیه شوید. (و بدانید که) خداوند بی نیاز و ما فقیر هستیم. قرآن (به کسانی که قربانی می‌کنند،) می‌فرماید: خداوند از گوشت و خون حیوانات قربانی سهمی نمی‌برد، ولی شما با این عمل روحیه تقوی و قرب خودتان را به او نشان می‌دهید پس خود را از قرب به خدا محروم نکنید خواه کم باشد یا زیاد و بدینوسیله حوادث تلخ را از خود دور کنید و از عواقب سوء تأخیر بترسید (و بدانید) دلیل هلاکت امت‌های سابق همین تأخیرها بوده است.

موارد و مصارف خمس

خمس برای کیست؟

در آیه ۴۱ سوره انفال موارد خمس چنین بیان شده است: «واعلموا أنّما غنمتم من شیء فانّ لله خُمُسَه و للرسول و لذی القربی» بدانید هر چه را که بدست آوردید پس قطعاً یک پنجم آن برای خدا و رسول و ذی‌القربی است.

از امام رضا علیه السلام درباره این آیه سؤال شد که سهم خدا را به چه کسی بدهیم؟ فرمود: سهم خدا، به رسول خدا می‌رسد و هر چه برای رسول خداست برای امام است. (وسائل، ج ۹، ص ۵۱۲).

ناگفته پیداست که سهم خدا و رسول و امام، امروزه باید در راه معرفی مکتب و احکام آن و عزت و نجات پیروان آن صرف شود.

سهم پیامبر و امام برای شخصیت حقوقی آنان

اموالی که به عنوان خمس در اختیار پیامبر اکرم و اهل بیت معصومش‌علیهم السلام قرار می‌گیرد، جزو اموال شخصی آنان نیست که بعد از شهادت یا رحلت به وارثانشان منتقل شود، بلکه در اختیار مقام رسالت و امامت و جایگاه حقوقی آنان است، البته این منافاتی ندارد که آنان برای اداره زندگی خودشان به مقدار متعارف از آن استفاده کنند. دلیل ما مواردی است از جمله:

۱- از امام هادی علیه السلام پرسیدند: گاهی چیزی می‌آورند و می‌گویند: این برای امام جواد علیه السلام است که نزد ما مانده، آن را چه کنیم؟ حضرت فرمود: «ما کان لابی بسبب الامامة فهو لی و ما کان غیر ذلك فهو میراث علی کتاب الله و سنّة نبیّه» (وسائل، ج ۹، ص ۵۳۷).

، هر چه را که به عنوان امامت برای پدرم آورده‌اند باید به امام بعدی (یعنی من) تحویل دهید ولی اگر به عنوان امامت نباشد، طبق قانون قرآن و سنت پیامبر میان وارثان (همسر و سایر فرزندان) تقسیم کنید.

۲- رسول خدا صلی الله علیه وآله که الگوی سادگی و زهد بود، چگونه ممکن است يك پنجم تمام سودها صرف زندگی شخصی او شود. آری، سهم رسول برای صرف کردن در راه و اهداف رسالت است.

۳- چگونه پیامبری که می‌فرماید: من اجر و مزدی از شما نمی‌خواهم، بخش قابل توجهی از درآمد مردم را برای خودش اختصاص می‌دهد؟

۴- همان گونه که سهم خداوند برای آن است که در راه حاکمیت قانون الهی هزینه شود، سهم رسول خدا و امام نیز باید صرف پاسداری از مکتب رسالت و امامت شود.

۵- با اینکه در روایات اسلامی به ما سفارش کرده‌اند از عالمی که تمایلات مادی بر او چیره شده دوری کنید، پس چگونه سهم عظیمی از درآمدها برای زندگی شخصی رسول و امام در نظر گرفته شده باشد.

۶- پیش شرط مقاماتی که خداوند به اولیای خود می‌دهد، زهد در دنیاست و گرنه خداوند آن مقامات را به آنان عطا نمی‌کند. در دعای ندبه می‌خوانیم: «و شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیة و زخرفها و زبرجها فشرطوا لك ذلك و علمت منهم الوفاء به فقبلتهم و قربتهم و قدّمت لهم الذکر العلیّ و الثناء الجلیّ»، خدایا! تو با اولیای خود شرط کردی که در دنیا زاهد باشند و آنان آن شرط را پذیرفتند و تو به وفاداری آنان علم داشتی و به همین دلیل به آنان توجه و عنایت مخصوص نمودی.

ذی القربی کیست؟

بر اساس آیه خمس، بخشی از خمس برای خدا و رسول و بخشی برای ذی القربی است، که مراد از آن، امام معصوم است، زیرا:

۱- در روایات بسیاری از شیعه و بعضی از اهل سنت می‌خوانیم که مراد از ذی القربی در آیه خمس، امام معصوم از اهل بیت پیامبر است که مقام رهبری جامعه را دارد و خمس برای مقام رهبری اوست. (تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۲۷).

۲- کسی که نامش در کنار نام خدا و رسول آمده است باید مقام و فکر و راه و هدفش در کنار خدا و رسول باشد. «فانّ لله خمسّه و للرسول ولذی القربی» چنانکه در آیه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (سوره نساء، آیه ۵۹) نیز ما این عقیده را داریم که آنکه نامش در

کنار خدا و رسول مطرح و اطاعت بی‌قید و شرطش در کنار اطاعت خدا و رسول واجب شده جز معصوم نمی‌تواند باشد.

۳- کلمه «ذی القربی» مفرد است و در هر زمان تنها به يك نفر از خاندان رسالت این سهم می‌رسد. آری، اگر به جای ذی القربی، ذوی القربی بود معنای جمعی داشت که باید خمس به همه بستگان پیامبر اکرم برسد.

۴- کلمه «قربی» صیغه مبالغه و در موردی بکار می‌رود که نزدیک‌ترین نزدیکی را داشته باشد و نزدیک‌ترین فرد به پیامبر از نظر وراثت و نسبت و تربیت، حضرت فاطمه و علی و فرزندان معصومشان علیهم السلام است. اما خلفای بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خمس را از بنی هاشم منع و آن را به بیت‌المال اضافه کردند و زکات هم که برای بنی هاشم حرام بود، در نتیجه برای خاندان رسالت نه خمس ماند و نه زکات و امروزه در کتب فقهای اهل سنت عنوانی به نام خمس مطرح نیست. (کتاب خمس آیه الله نوری همدانی، ص ۴.

کوتاه سخن آنکه در آیه ۴۱ سوره انفال برای خمس شش مصرف نام برده شده که برای سه مصرف اول، حرف لام ملکیت آمده است، «لله خمس وللرسول ولذی القربی» اما برای سه مصرف دوم، یعنی یتیمان، مساکین و در راه ماندگان، حرف لام نیامده است، «والبیتامی والمساکین وابن السبیل» و شاید این رمز آن باشد که این سه گروه از شاخه‌ها و فروعات همان ذی القربی (اهل بیت) باشند نه آنکه مستقل و دسته‌ای جدا باشند. (کتاب خمس آیه الله فقیه امامی، از زیادةالمقال.

و در روایاتی این معنا تأیید می‌شود، چنانکه امام سجاد علیه السلام فرمود: مراد، یتیمان و مساکین وابن السبیل از خاندان ماست. (وسائل، ج ۹، ص ۵۱۸ .

سؤال:

آیا پرداخت نیمی از خمس به یتیمان و مساکین و در راه ماندگان سادات، تبعیض خویشاوندی و امتیاز نژادی نیست؟

پاسخ:

۱- اولاً خمس برای سادات فقیر است و هر کدام بالفعل یا بالقوه توان کار کردن دارند باید کار کنند و حق گرفتن خمس را ندارند.

ثانیاً: تنها به مقدار رفع نیاز، داده می‌شود، آن هم نیاز یکسال نه بیشتر. «ما یستغنون به فی سنتهم» (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰ .

ثالثاً: استفاده از صندوق خمس به خاطر آن است که سادات فقیر از صندوق زکات محرومند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «لما حرم علينا الصدقة انزل لنا الخمس» (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۳).

بنابراین تمام خمس برای سادات نیست، بلکه نیمی از خمس، آنه هم برای سادات فقیر است، آن هم به اندازه يك سال، و مازاد خمس در اختیار حاکم اسلامی است. البته اگر نصف خمس، سادات فقیر را بی نیاز نکرد حاکم اسلامی می‌تواند از سایر اموال و اختیاراتی که دارد آنان را سیر کند. (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰).

همان گونه که اگر مقدار زکات بیش از نیاز فقرا بود، در اختیار والی قرار می‌گیرد و به خزانه بر می‌گردد، اما اگر زکات کم آمد والی باید از منابع دیگری که در اختیار دارد فقراء را سیر کند. (وسائل، ج ۹، ص ۲۲۶).

آنچه مهم است این است که در حکومت اسلامی گرسنه نباید وجود داشته باشد، لکن گرسنگان خاندان رسالت از صندوق خمس و سایر گرسنگان از صندوق زکات تأمین می‌شوند و هر صندوقی زیاد آورد باید به خزانه بر گردد و هر صندوقی کم آورد از سایر منابع جبران شود.

۲- زکات از اموال عمومی و خمس از بودجه‌های حکومتی است و این خود يك سیاست بسیار عالی است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله خواسته تا دست بستگانش را از اموال عمومی (زکات) دور نگه دارد تا نگویند پیامبر اسلام خویشان خود را بر اموال عمومی حاکم کرد و اگر فقیری از بستگان حضرت بود حاکم معصوم یا عادل به قدر رفع نیاز، مشکل او را حل کند.

۳- نتیجه جدا شدن صندوق زکات از صندوق خمس، جدا شدن سادات و بستگان پیامبر از دیگران است تا نسب پیامبر در جامعه محو نشود.

۴- شناخته شدن سادات رمز احترام بیشتر مردم به آنان و این سبب قرب مردم به رسول الله صلی الله علیه وآله است زیرا که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «المکرم لذریته من بعدی والقاضی لهم حوائجهم والساعی لهم فی امورهم والمحب لهم بقلبه و لسانه» (بحار، ج ۸، ص ۴۹).

، من کسانی را که بعد از من ذریه مرا تکریم کنند یا حوائج آنان را بر آورند یا در رفع مشکلات آنان تلاش نمایند یا آنان را با قلب و زبان دوست دارند، شفاعت می‌کنم.

۵ - راستی اگر ما به ذریه فقیر پیامبری که ما را از شرك به توحید و از توحش به تمدن فرا خواند، از صندوقی خصوصی، غیر از صندوق فقرا عادی کمکی کنیم تبعیض است؟ تبعیض آن است که ما میان دو فرد یا دو گروه یکسان، دو گونه عمل کنیم. اما آیا احترام استاد با غیر استاد یکسان است، این تفاوت است و هر تفاوتی بی عدالتی نیست.

انگشتان دست با هم تفاوت دارند ولی این تفاوت حکیمانه است. در حدیث می‌خوانیم: دلیل آنکه فقرای خاندان رسالت از صندوق خمس استفاده می‌کنند برای وابستگی آنان به پیامبر است و تکریم نسل او تکریم او به حساب می‌آید. (وسائل، ج ۹، ص ۵۱۳).

گروهی از امام رضا علیه السلام حلال کردن خمس را درخواست کردند، امام فرمود: «ما محل هذا تمحضونا المودّة بالسنتکم و تزوون عنا حقنا جعله الله لنا و جعلنا له و هو الخمس» (کافی، ج ۱، ص ۵۴۸).

، چه مردمی که با زبان اظهار علاقه می‌کنند، ولی خمس که حق ماست نمی‌پردازند. بنابراین اگر شنیده‌اید که امامی در زمانی خمس را بخشیده دلیل خاصی داشته است. زیرا کنیزانی که از جنگ‌ها نصیب مسلمانان می‌شد، جزو غنائم بود و اگر خمس آنان پرداخت نمی‌شد آمیزش با آنان نامشروع و نسل مؤمن، ناهل می‌شد، یا رساندن خمس به اهل بیت پیامبر علیهم السلام سبب گرفتار شدن شیعه به دست حکام بنی‌عباس می‌شد، لذا برخی امامان می‌فرمودند: ما خمس را بخشیدیم تا جان شما سالم و نسل شما پاک بماند. اما این امر در يك دوره کوتاه بود و به طور طبیعی امامان معصوم و کلائی در مناطق مختلف داشتند که یکی از وظائف آنان گرفتن خمس از مردم و فرستادن برای آن بزرگواران بود.

خمس مربوط به چه چیزهایی است؟

در آیه ۴۱ سوره انفال خواندیم: «واعلموا انما غنمتم من شیء...»، هرگونه غنیمتی که بدست آورید خمس آن را بپردازید.

در اینکه مراد از غنیمت چیست، دو نظریه مطرح است: یکی نظر فقهای شیعه که می‌گویند غنیمت شامل هرگونه کسب و درآمد می‌شود و خمس بر هرگونه درآمدی است و دیگری نظر مفسرین و فقهای اهل سنت که می‌گویند: خمس تنها در غنائم جنگی است و به همین دلیل مسئله خمس را در کتاب جهاد مطرح کرده‌اند.

دلیل اهل سنت چند مطلب است:

۱- آیه در جنگ بدر نازل شده و مراد از غنیمت، غنائم جنگی است.

پاسخ: اگر منظور از «غنمتم» تنها غنائم جنگی بود، می‌بایست بگوید: «غنمتم من الحرب» نه آنکه بگوید: «غنمتم من شیء»

به علاوه اگر بخواهیم به مورد نزول آیه که جنگ است توجه کنیم و بگوییم مراد از غنیمت، غنائم جنگی است، پس باید خمس، تنها در غنائم جنگ بدر باشد، نه دیگر جنگ‌ها، در حالی که هیچ کس حکم خمس را مخصوص جنگ بدر ندانسته است.

در قرآن نمونه‌های زیادی داریم که به مناسبت خاصی قانونی صادر شده، اما آن قانون در همه جا جاری می‌گردد. مثلاً قرآن در مورد شیر دادن دایه می‌فرماید: «لا تكلّف نفس الا وسعها» (سوره بقره، آیه ۲۳۳).

یعنی جز به مقدار توان به کسی تکلیف نمی‌شود. لکن این موضوع به صورت يك اصل و قانون کلی در همه جا ملاك و معیار قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که شرط هر تکلیفی قدرت بر انجام آن است. راستی اگر بنا باشد آیات قرآن تنها در موارد نزولش مصداق داشته باشد هرگز کتابی جاودان و جهانی برای همه نسل‌ها و عصرها نخواهد بود، بلکه کتاب تاریخی خواهد شد که زمان مصرفش گذشته است.

سنت پیامبر در کنار کتاب خدا

بر فرض که این آیه مربوط به خمس غنائم جنگی باشد، ما از روایات، خمس سایر موارد را به دست می‌آوریم. زیرا قرآن می‌فرماید: «ما اتاكم الرسول فخذوه» (سوره حشر، آیه ۷). هر چه را پیامبر برای شما آورد بپذیرید و عمل کنید. بنابراین سند ما تنها قرآن نیست، بلکه سنت رسول خدا نیز هست. مثلاً در قرآن آمده که طواف واجب است، اما تعداد طواف در قرآن نیامده و آن را از حدیث فرا می‌گیریم. در قرآن فرمان به اقامه نماز صادر شده، اما تعداد رکعات در قرآن نیامده که ما آن را از سخنان پیامبر به دست آورده‌ایم. هیچ مانعی ندارد که خمس غنائم جنگی در قرآن و خمس سایر درآمدها در روایات مطرح شده باشد. همان گونه که اهل سنت بخاطر روایات، در سود گنج و معدن، خمس را واجب می‌دانند. در حدیث می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام در ذیل آیه خمس فرمودند: «هی واللّه الافادة يوماً بیوم» (تهذیب، ج ۱، ص ۳۹۰).

سوگند به خدا که مراد آیه، خمس درآمدهای روزمره مردم است.

۲- گاهی می‌گویند: غنیمت در لغت، تنها غنائم جنگی است.

در حالی که در لغت غنیمت در برابر غرامت است و همان گونه که غرامت به هر نوع ضرر گفته می‌شود، غنیمت نیز به هر نوع درآمد گفته می‌شود. چنانکه در بعضی آیات قرآن، مراد از غنائم هر نوع درآمدی است. (نظیر آیات ۱۵، ۱۸ و ۱۹ سوره فتح).

به علاوه ما در تفسیر قرآن باید به همتای قرآن که اهل بیت پیامبرند مراجعه کنیم که می‌فرمایند هر نوع درآمدی غنیمت است. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: «الهمّ نصف الهرم والسلام نصف الغنیمة» (بحار، ج ۷۸، ص ۹۳). (غم و اندوه نیمی از پیری و سلامتی نیمی از درآمد است).

۳- گاهی می‌گویند: اگر خمس بر هر درآمدی واجب است پس چرا خلفا و سلاطین آن را

نمی‌گرفتند؟

در پاسخ باید گفت: حجت ما کلام خدا و سنت رسول اوست و ما هیچ دلیلی نداریم که رفتار دیگران برای ما ملاک باشد.

اگر در تاریخ خلفا نشانی از گرفتن خمس نیست، اما در تاریخ رسول خدا و ائمه اهل بیت نشانه‌های فراوانی از خمس هست. در نامه‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به قبائل و سران می‌نوشتند سخن از خمس است در حالی که در آن مناطق جنگی نبود که بگوئیم مراد خمس غنائم جنگی است. (کتاب خمس آية الله نوری همدانی، ص ۱۰۰ و ۱۰۵ .

۴- گاهی می‌گویند: اگر هر درآمدی خمس دارد، چرا کلمه «غنمتم» بکار رفت که افکار به سوی درآمدهای جنگی معطوف شود؟
پاسخ آن است که چون جایگاه نزول آیه جنگ بود باید تعبیری بکار رود که مورد نزول را به طور شفاف روشن کند.

دیدگاه شیعه

اما از دیدگاه شیعه، به جز فعالیت کشاورزی و دامداری که مشمول زکات می‌باشد، هرگونه فعالیت درآمدزا، چه روی زمین، همچون استخراج معدن و کشف گنج و چه در دریا، همچون صید و غواصی و چه فعالیت‌های تجاری، خدماتی، صنعتی، آموزشی، درمانی، در سطوح کلان یا خرد، مشمول خمس می‌باشد و روایات بسیاری در این موارد وارد شده که فقهای بزرگوار بر اساس آنها، مسائل مربوطه را به تفصیل در رساله‌های عملیه بیان کرده‌اند.

به نمونه‌ای از روایات در این باره توجه کنید:

از امام رضا علیه السلام درباره خمس سؤال شد، حضرت فرمودند: «فی کلّ ما افاد الناس من قليل او كثير» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۰۹ .

، در هر چیزی که مردم سود ببرند کم باشد یا زیاد، خمس واجب است.

امام جواد نیز می‌فرمایند: «الخمس بعد المؤنة» (وسائل، ج ۹، ص ۵۰۰ .

، هزینه يك سال را به حساب آورید و اگر زیاد آمد، خمس همان مقدار زائد را بپردازید.

در خاتمه این بحث، حدیثی را نقل می‌کنیم که شخصی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت:

من اموالی دارم که حلال و حرام آن به هم مخلوط شده است، امام فرمود: اگر صاحب اموال را

می‌شناسی به خود آنان رد کن وگرنه يك پنجم آن را بپرداز تا باقی برای تو حلال می‌شود. (

وسائل، ج ۹، ص ۵۰۶ .

گیرنده خمس در زمان غیبت کیست؟

آیه ۴۱ سوره انفال برای مصرف خمس شش مورد تعیین کرده است که سه مورد آن خدا و رسول و اهل بیت پیامبرند. ما در بحث‌های گذشته گفتیم حق خداوند به رسول داده می‌شود، آن هم نه برای زندگی شخصی، بلکه برای مقام رسالت و امامت و برای تبلیغ دین و عزت اسلام. ناگفته پیداست که اهداف الهی و نبوی برای زمان خاصی نیست و چون اهداف ابدی است نیاز به بودجه ابدی دارد. در این زمان که دست ما به پیامبر و امام نمی‌رسد سهم آنان را باید به کسانی بدهیم که نزدیک‌ترین افراد به پیامبر و امام باشند، علم و فکر، اعتقاد، زهد، شجاعت، بصیرت و تقوای آنان شبیه پیامبر و امام باشد، از علوم آنان بهره‌افر داشته و اگر معصوم نیستند از حد اعلای عدالت برخوردار باشند.

در روایات برای فقهای متقی تعبیراتی به چشم می‌خورد از جمله:

دژهای اسلام، امانای اسلام، وارثان انبیا، امانای پیامبران، کفیلان ایتم اهل بیت‌علیهم السلام (کتاب خمس آیه الله نوری همدانی، ص ۷۴۰ به نقل از عوائد نراقی، وسائل و مستدرک الوسائل، ابواب صفات قاضی.

و کسانی که مجاری امور و احکام را در دست دارند و امین بر حلال و حرام هستند این تعبیرات ما را راهنمایی می‌کند که در این زمان حق خدا و رسول و امام را به این افراد که جانشینان پیامبرند بدهیم و آنان در راه تقویت عقائد و توسعه فرهنگ دینی و تبلیغ و ارشاد و عزت اسلام و مسلمین و مصالح آنان صرف نمایند.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «لولا من یبقی بعد غیبة قائمنا علیه السلام من العلماء الداعین الیه و الدالین علیه و الذابین عن دینه بحجج الله و المنقذین لضعفاء عباد الله من شبک ابلیس و مردته و من فحاخ النواصب لما بقی احد الا ارتد عن دین الله و لکنهم الذین یمسکون ازمة قلوب ضعفاء الشیعة کما یمسک صاحب السفینة سگانها اولئک هم الافضلون عندالله عزوجل» (بحار، ج ۲، ص ۶۰.

اگر فقهای با تقوی، مرزبان افکار و عقاید دینی مردم نبودند، شبکه‌های ابلیسی مردم را از دین خدا دور می‌کردند. این علما در عصر غیبت قائم ماعلیه السلام همچون ناخدای کشتی محافظ مسلمانان آسیب پذیرند. در پایان امام هادی علیه السلام فرمود: این افراد نزد خدا با فضیلت‌ترینند.

۱- خمس، حقّ حاکم شرع است، قهراً باید به حاکم اسلامی، فقیه عادل داد شود که امور دین و دنیا بدست اوست.

۲- فقیه در دین، به حکم خدا و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصومش در مورد مصرف خمس آگاه‌تر است.

۳- از آنجا که عدالت و دوری از هوس شرط مرجع تقلید است، از ولخرجی و اسراف مصونیت دارد. ۴- فقیه، ضرورت‌ها و نیازهای دینی جامعه را بهتر می‌داند.

۵- تمرکز وجوهات نزد فقیه جامع الشرائط قدرت و عزّت و نفوذ کلام و استقلال او را در برابر طاغوت‌ها بیشتر می‌کند.

۶- وحدت رویه و امکان برنامه‌ریزی و جلوگیری از تشتت، از دیگر برکات جمع شدن خمس در یک جاست. آری مدیریت واحد، برنامه‌ریزی واحد و تصمیم واحد، مانع کارهای تکراری و سوء استفاده افراد نااهل می‌شود.

۷- در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم، کشورهای که اختلاف نژادی، زبانی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، صنعتی و جمعیتی دارند، هم پیمان می‌شوند تا در منافع و خطرات حامی یکدیگر باشند و امروزه از دهکده جهانی سخن می‌گویند.

آیا در این شرایط هر برنامه و سیاستی که مسلمین و توان رزمی و اقتصادی آنان را متحد کند بهتر نیست؟ مگر امام رضا علیه السلام نفرمود: «عوننا علی دیننا» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴).

۸- خمس پشتوانه مکتب ماست. آیا لازمه چنین امری تمرکز بودجه نزد فقیه جامع الشرائط نیست؟ در اسلام حل مسئله فقر به عهده حاکم اسلامی است. در روایات می‌خوانیم: حاکم باید فقرا را بی‌نیاز کند به گونه‌ای که اگر زکات کافی نبود، والی باید از بودجه‌های دیگری که در اختیار دارد مسئله فقر را حل کند. «و ان نقص او عجز عن استغنائهم کان علی الوالی ان ینفق من عنده بقدر ما یتعفون» (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰).

بنابراین باید حقّ الله (خمس و زکات و...) بدست او باشد تا بتواند به وظیفه خود عمل کند. ۹- در سیره پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش، خمس به صورت متمرکز جمع‌آوری شده است. در موارد متعددی می‌بینیم که آنان افرادی را در مناطق منصوب و مسئول جمع‌آوری خمس و متمرکز کردن آن نزد خود می‌کردند تا طبق کتاب خدا و سنّت نبوی در جای خود مصرف نمایند. مثلاً در فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به عمر بن حزم می‌خوانیم که او مأمور گرفتن خمس مردم بود. «امرہ ان یأخذ من الغنائم خمس الله» (کتاب خمس آیه الله نوری همدانی، ص ۱۰۷).

از توصیه‌هایی که به سلمان و ابوذر و مقداد شد این بود که خمس مردم باید نزد حاکم اسلامی فرستاده شود. «و اخراج الخمس من کل ما یملکه احد من الناس حتّی یرفعه الی ولی المؤمنین و امیرهم» (وسائل، ج ۹، ص ۵۵۳ .

در ماجرای فدک نیز به مسئله گرفتن خمس اشاره شده است. «واخذ منهم اخماسهم» (بحار، ج ۲۹، ص ۱۱۷.

در تاریخ می‌خوانیم که رسول خدا گاهی افرادی را که برای گرفتن خمس منصوب کرده بود احضار می‌فرمود. (کتاب خمس آیه‌الله نوری همدانی، ص ۱۱۰.

در مسند احمد بن حنبل آمده که حضرت علی علیه السلام به عنوان مأمور گرفتن خمس از غنائم جنگی فرستاده شد. (ما این بخش را از کتاب خمس آیه‌الله نوری همدانی، ص ۸۸ تا ۱۱۰ و آیه‌الله حسن فقیه ایمانی ص ۸۲ تا ۹۰ استفاده کرده‌ایم.

۱۰- از برکات دیگر تمرکز آن است که اگر اشخاص ابتکار و طرحی دارند که برای تبلیغ و ارشاد و یا هر امری که برای عزت اسلام و مسلمین مفید است به همان مرکز رجوع می‌کنند، چون می‌دانند قدرت مالی در کجاست، با نشاط و امید طرح خود را مطرح می‌کنند و اگر برنامه‌ریزی و مدیریت صحیحی در کار باشد طرح را بررسی و اجرا می‌کند، ولی اگر حق‌الله در میان صدها و هزاران نفر پخش شد طرح‌ها در ذهن‌ها کور و مبتکران متحیر و ناامید می‌شوند.

۱۱- از برکات دیگر تمرکز آن است که گیرندگان حق‌الله می‌دانند به کجا مراجعه کنند و نزد هر کس گردن خم نمی‌کنند و آبروی خود را نمی‌ریزند.

۱۲- از برکات دیگر تمرکز آن است که اگر حق‌الله نزد مجتهد جامع الشرائط و حاکم عادل اسلامی جمع شد، تمام محرومانی که از آن بهره‌مند می‌شوند به آن مرجع وابسته و در راه اهداف والای آن مجتهد عادل جان فشانی می‌کنند و ناگفته پیداست که او بخاطر عدالت مردم را فدای هوسهای خود نمی‌کند زیرا که اگر مجتهد و حاکم عادل به سراغ گناه و هوسهای نامشروع خود رود بدون آنکه کسی او را عزل کند خود به خود عزل می‌شود.

البته تمرکز خمس به معنای محروم کردن و خالی گذاشتن دست دیگران نیست، بلکه افراد زیادی که مورد اعتماد و متقی هستند، می‌توانند به نمایندگی از مقام مرجعیت و ولایت، حق گرفتن و هزینه کردن خمس را در مواردی که قرآن فرموده داشته باشند. همان گونه که در سیره ائمه

اهل بیت علیهم السلام مشاهده می‌کنیم نمایندگانی که در بلاد اسلامی منصوب می‌شدند چنین می‌کردند.

چگونگی تقسیم خمس

از امام رضا علیه السلام درباره نحوه‌ی تقسیم خمس سؤال شد که اگر عدد یکی از اصناف شش گانه، بیشتر بود، چه باید کرد؟ حضرت فرمود: تقسیم آن مربوط به نظر امام است، همان گونه که رسول الله صلی الله علیه وآله آن گونه که صلاح می‌دانست خمس را عطا می‌فرمود. (وسائل، ج ۹، ص ۵۱۹).

در حدیث دیگری می‌خوانیم که اگر مشاهده کردید امام معصوم تمام بیت المال را به يك نفر داد، نباید در قلب شما چیزی خطور کند، زیرا کار معصوم به امر پروردگار است، (نه سلیقه شخصی.) (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰).

نکته: هر دستوری سه حالت می‌تواند داشته باشد:

۱- ضد عقل.

۲- طبق عقل.

۳- فوق عقل.

در اسلام هرگز دستوری ضد عقل نیست (البته عقل سلیم، نه آنچه زاییده خیالها، پندارها، اطلاعات محدود، عادات و رسوم و حدسیات است). اما لازم هم نیست تمام دستورات دین طبق عقل ما باشد، بلکه ممکن است بعضی از فرمانها فوق عقل باشد. اکنون که این مطلب را می‌نویسم، در هواپیما نشسته‌ام. این هواپیما گاهی برفراز ابرها و گاهی لابه‌لای ابرها حرکت می‌کند. اگر يك قرن قبل می‌گفتند: انسان می‌تواند بر ورق‌های آهن سوار

شده و در آسمانها پرواز کند، برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود و آن را ضد عقل می‌پنداشتند، ولی آیا این دستور ضد عقل است؟

علمای قدیم وقتی به این آیه می‌رسیدند: «و کائین من آية فی السموات و الارض یمرون علیها و هم عنها معرضون» (سوره یوسف، آیه ۱۰۵).

چه بسیار نشانه‌های الهی در آسمان‌ها که مردم بر آن مرور می‌کنند در حالی که از آن غافل و اعراض کننده هستند؛ چون هواپیما و امثال آن نبود، در فهم (مرور بر آسمان‌ها) «یمرون علیها» می‌ماندند و می‌گفتند: مراد از مرور، نگاه کردن به آیات آسمانی است، همان گونه که وقتی می‌گوئیم کتاب را مرور کردم یعنی نگاه کردم، ولی امروزه ما به راحتی شاهد مرور بر آیات آسمانی هستیم.

بنابراین ما نباید هر چه را که نمی‌فهمیم ضد عقل بدانیم، بلکه بسیاری از مسایل که در دید ساده ما ناشدنی است، از نظر عقل، مانعی برای شدنش نیست.

قرآن در ماجرای حضرت موسی و خضر چند صحنه نقل می‌کند که تمام آنها در دید حضرت موسی غیر منطقی بود ولی خضر برای کار خود دلیل و استدلال داشت. اولیای خدا به خصوص آنان که معصومند، کاری را بدون اذن الهی انجام نمی‌دهند، گرچه ما برای کار آنها توجیهی نداشته باشیم. مقدار پرداخت

در روایات می‌خوانیم: نیمی از خمس که برای یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است، طبق کتاب خدا و سنت پیامبر تقسیم می‌شود و مقدار آن باید در حدی باشد که تا یکسال این افراد بی نیاز باشند. «ما یستغنون به فی سنتهم»

در روایت دیگری می‌خوانیم: تقسیم خمس می‌تواند در حدی باشد که گیرندگان را علاوه بر کفاف، توسعه هم بدهد. (وسائل، ج ۹، ص ۵۲۱).

آداب پرداخت

آداب پرداخت خمس شبیه آداب پرداخت زکات است، ولی چون خمس حق رسول خدا و امام است، و به تعبیر روایات پولی است که برای کمک به راه خدا، دین خدا و عزت اولیای خدا قرار داده شده، باید در پرداخت آن کرامت بیشتری از خود نشان داد و به نکات ذیل توجه نمود:

۱- بدانیم که مال از خداوند است، «مال الله» (سوره نور، آیه ۳۳).

، و به ما روزی کرده است، «رزقکم الله» (سوره یس، آیه ۴۷).

، پس بخشی از آن را به راحتی برای خدا بدهیم. آری، اگر کسی مال و ثروت را نتیجه تدبیر و قدرت و تخصص خود بداند، تفکر قارونی دارد. او بود که می‌گفت: سرمایه من محصول علم و تخصص من است. «انما اوتیته علی علم عندی» (سوره قصص، آیه ۷۸).

۲- گمان نکنیم که خدا و رسول محتاج ما هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: من از گرفتن خمس شما هدفی جز پاك کردن شما و مالتان ندارم. «ما اريد بذلك الا ان تطهروا» (وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴).

و در حدیثی دیگر فرمود: «مَنْ زَعَمَ ان الامام يحتاج الى ما فى ايدى الناس فهو كافر و انما الناس يحتاجون ان يقبل منهم الامام» (كافی، ج ۱، ص ۵۳۷). هر کس گمان کند که امام محتاج اوست، کافر است. این مردمند که به قبول کردن امام نیازمندند. هنگامی که این آیه نازل شد: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرض الله قرصاً حسناً» (سوره بقره، آیه ۲۴۵.) کیست به خدا قرض بدهد؛ بعضی از یهودیان گفتند، خدا فقیر است و ما اغنیاء و به همین دلیل او از ما قرض خواسته است. (سوره آل عمران، آیه ۱۸۱).

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: خدایی از شما قرض خواسته که خزائن آسمانها و زمین به دست اوست. بنابراین درخواست قرض الهی يك نوع دعوت به حمایت از مستضعفین و آزمایش مردم است.

۳- با اشتیاق و رغبت بپردازیم. قرآن از کسانی که مال خود را با اکراه می‌پردازند، به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: «و لا ینفقون الا و هم کارهون» (سوره توبه، آیه ۵۴).

۴- گرفتار غرور نشویم. قرآن از کسانی ستایش می‌کند که هم با میل و رغبت مال خود را می‌دهند و در عین حال نگران نپذیرفتن آن نیز هستند. «و الَّذین یؤتون ما آتوا و قلوبهم و جلة انهم الى ربهم راجعون» (سوره مؤمنون، آیه ۶۰).

۵ - بر گیرنده منت نگذاریم زیرا که منت، پاداش پرداخت را از بین می‌برد.

۶- در پرداخت عجله کنیم زیرا عجله در کار خیر يك ارزش است و چه خیری بهتر از حمایت مکتب اهل بیت و کمک به فقرا از ذریه پیامبر.

۷- کار خود را بزرگ نپنداریم، انسان اگر توجّهی به جهان هستی و عظمت قدرت الهی و ضعف‌های خود کند، هرگز دچار بزرگ بینی خود و کار خود نمی‌شود. امام سجاد علیه السلام در پاسخ کسانی که به کثرت عبادت او انتقاد داشتند، می‌فرمود: عبادت من کجا و عبادت جدّم علی بن ابیطالب علیهما السلام کجا؟ و پیامبر صلی الله علیه وآله می‌فرمود: «ما عبدناك حقّ عبادتك و ما عرفناك حقّ معرفتك» (بحار، ج ۶۸، ص ۲۳).

۸ - هنگام حساب سال، مال خود را با دقت حساب کنیم. در حدیثی از امام صادق چنین نقل شده است: وای بر کم فروشان که هنگام خمس دادن، از آل محمد کم می‌گذارند. (بحار، ج ۹۳، ص ۱۸۹).

«والحمد لله رب العالمین»

کتاب زکات

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم
«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين»
«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (سوره حج، آیه ۴۱).

«مؤمنان) کسانی (هستند) که اگر در زمین به آنان قدرت بخشیم، نماز را برپا دارند و زکات دهند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و پایان همه کارها از آن خداست.»
به دنبال سرنگونی حکومت شاهنشاهی، با اراده الهی و به رهبری امام خمینی و پیروی مردم ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی، حرکت‌های فرهنگی زیادی صورت گرفت. در بدنه نظام، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، مدرسه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، انتشارات، روزنامه‌ها و شبکه‌های صدا و سیما توسعه یافت و در کنار نظام، رشد حوزه‌های علمیه، نماز جمعه‌ها، نماز عیدها، توجه به قرآن و احکام و مسائل دینی و تشکیل تشکّل‌های مذهبی در مدارس و دانشگاه‌ها و وزارت‌خانه‌ها و کارخانه‌ها و پادگان‌ها مشهود شد.

اما با گذشت ده سال از انقلاب اسلامی، مشاهده شد هنوز کارهای واجب فرهنگی متعددی انجام نشده است که طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب فهرست آن کارها را نوشتم. ایشان مرقوم

فرمودند که بنده افراد دلسوزی را پیدا کرده و آن کارها را دنبال نمایم. (دست خط ایشان موجود است.)

یکی از این کارها توجه ویژه به نماز بود. گرچه مردم نماز را در مساجد برپا می‌داشتند، ولی اقامه نماز در مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز عمومی، جاده‌ها، ظهر تاسوعا و عاشورا، زمین‌های ورزشی، ادارات و... جلوه‌ای نداشت.

با لطف خداوند ستاد اقامه نماز تشکیل شد و هر سال اجلاس باشکوهی در یکی از استان‌ها با پیام رهبر عزیز انقلاب و حضور رئیس‌جمهور و برخی وزرا و نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی فرهنگی برگزار گردید و مسائل نماز دنبال شد. بیش از صد عنوان کتاب توسط ستاد اقامه نماز درباره نماز منتشر شد، بیش از صد مسجد در جاده‌ها ساخته شد، بیش از هزار قطعه شعر سروده شد و بیش از پنجاه هزار نماز جماعت در مدارس برگزار شد. هزاران جوان، آثار قلمی و هنری خود را درباره نماز ارائه دادند و بیش از ده هزار طلبه جوان در مدارس به اقامه نماز پرداختند. بعد از نماز به سراغ مسأله امر به معروف و نهی از منکر رفته و در این باره نیز افرادی را به همکاری دعوت کردم و کتاب‌هایی نوشته شد و کارهای مثبتی انجام گرفت.

پس از آن به سراغ مسأله زکات رفته و کارهایی انجام شد، از جمله: حدود سی سفر به استان‌ها رفتم و نامه‌ها و ناله‌هایی را به ائمه محترم جمعه نوشتم. متأسفانه تا آن موقع کتابی فارسی برای ترویج و تبیین موضوع زکات در جامعه نداشتیم. بعد از آنکه اولین گردهمایی زکات را در استان خوزستان برگزار کردیم، کم‌کم مسأله زکات مطرح شد و آیه الله محسنی گرکانی امام جمعه محترم اراک و دانشمند عزیز آقای دهقان دو کتاب درباره زکات (این واجب فراموش شده) نوشتند. برادر دانشمند دیگر، جناب آقای مجتبی کلباسی نیز مقالاتی را که در زمینه زکات نوشته شده بود بررسی و جمع‌آوری کردند و به نام «زکات در اندیشه‌ها» چاپ و منتشر شد.

اما با کمال تأسف بعد از بیست و دو سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، تنها سه یا چهار جلد کتاب زکات نوشته شده، و زکات از فراموشی بیرون نیامده است. اینجانب با لطف و توفیق الهی چند شب جمعه در برنامه تلویزیونی درس‌هایی از قرآن مسأله زکات را دنبال کردم و یادداشت‌هایی در این باره آماده شد. دو نفر از فضلا هم چند روزی از قم به تهران آمده، این یادداشت‌ها را تکمیل و بازنویسی کردند و این کتاب پیش روی شما قرار گرفت.

محور کتاب، آیات و روایات و پاسخ به بعضی شبهات درباره زکات است. امیدوارم که مفید واقع شود و ذخیره قبر و قیامت همه ما باشد.

در ده‌ها سفری که برای زکات داشتم، طرح این بود که ستادهای زکات با ترکیبی از: عالم منطقه، استاندار یا فرماندار یا بخشدار، کمیته امداد، جهاد کشاورزی، تعاونی روستا، شورای استان و افرادی که در میان مردم محبوبیت دارند تشکیل شود و شیوه کار این گونه باشد که مسأله زکات

طرح و تبلیغ شود و مردم زکات خود را نزد افراد مورد اطمینان جمع‌آوری کنند و زیر نظر عالم منطقه در همان منطقه و در راه‌هایی که قرآن فرموده، هزینه شود.

در بعضی مفرّرات جمهوری اسلامی نیز چنین آمده که اگر مردم منطقه‌ای، به خصوص روستاها، پولی جمع‌آوری کردند، دولت نیز به همان اندازه به آن بودجه اضافه کند و در نیازهای مشروع همان منطقه مصرف شود. این حمایت دولت خود می‌تواند تشویقی برای انجام کار باشد. گرچه مردم مسلمان خود می‌دانند که انجام تکلیف شرعی و بهره‌گیری از برکات دنیوی و اخروی زکات نباید مشروط بر حمایت‌های این و آن باشد. یعنی حتی اگر دولت کمک نکرد ما باید به وظیفه خود عمل کنیم.

به هر حال هنوز در آغاز کاریم و از کوتاهی‌هایی که شده است عذرخواهی می‌کنیم. از خداوند عذر می‌خواهم که چرا مسأله زکات را آن گونه که باید تبلیغ نکردم. اگر ما همان‌گونه که برای دفاع مقدس تبلیغ کردیم و بر اثر آن مردم جوانان خود را به جبهه‌ها فرستادند، مسأله زکات را جدی می‌گرفتیم، بسیاری از مسلمانان به راحتی زکات مال خود را می‌پرداختند. از فقرا و مساکین و همه گرفتارانی که می‌توانستند مشکلات خود را از طریق زکات حل کنند، عذرخواهی می‌کنم.

از قرآن که با آن همه عنایت مسأله زکات را تذکر داد و من بی‌اعتنا بودم، عذرخواهی می‌کنم. خداوند! من غافل شدم و فکرم را در بسیاری از مسائل غیرواجب صرف کردم، ولی واجبات که جزو ارکان اسلام بود، مورد غفلتم واقع شد.

خدایا! می‌توانستم با دعوت از هنرمندان، فیلم‌ها و سرودهایی درباره چگونگی حل مشکلات مناطق محروم از طریق زکات بسازم ولی غافل شدم. می‌توانستم به محضر علما بروم و با اصرار از آنان بخواهم که مسأله زکات را از نظر علمی و فقهی مورد بحث و دقت قرار دهند و مسأله زکات را در حوزه‌های علمی رونق ببخشم ولی غافل شدم.

خدایا! تو می‌دانی که اگر مردم به مسأله زکات و خمس عمل می‌کردند، ما از برکات آسمان و زمین محروم نمی‌شدیم. به هر حال رسماً استغفار و عذرخواهی می‌کنم و از خداوند آرزوی جبران غفلت‌های گذشته و از همه عاشقان برای انجام این امر مهم استمداد می‌کنم.

محسن قرائتی

زکات در ادیان پیشین آسمانی

زکات مخصوص اسلام نیست بلکه در ادیان پیشین نیز بوده است. زکات و نماز از مشترکات همه ادیان آسمانی است. حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به سخن آمد و گفت: «أوصانی بالصَّلوة و الزَّكَاة» (سوره مریم، آیه ۳۱). خداوند مرا به نماز و زکات سفارش نموده است. حضرت موسی علیه السلام خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «اقیموا الصَّلوة و اتوا الزَّكَاة» (سوره بقره، آیه ۴۳). نماز به پا دارید و زکات دهید. قرآن درباره حضرت اسماعیل علیه السلام می‌فرماید: «کان یأمر أهله بالصَّلوة و الزَّكَاة» (سوره مریم، آیه ۵۵). او خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد. درباره عموم پیامبران نیز آمده است: «و جعلناهم ائمةً یهدون بأمرنا و أوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصَّلوة و إیتاء الزَّكَاة» (سوره انبیاء، آیه ۷۳). آنان به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند و ما انجام کارهای نیک و به پا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم. بر اساس آیه «و ما أمروا الاّ لיעبدوا الله... و یقیموا الصَّلوة و یؤتوا الزَّكَاة و ذلك دین القیمة» (سوره بینه، آیه ۵).

نیز، در تمام ادیان آسمانی، قرین و همتای نماز، زکات بوده است. مرحوم علامه طباطبایی در مبحثی پیرامون زکات می‌فرماید: هر چند قوانین اجتماعی به صورت کاملی که اسلام آورده، سابقه نداشته، لکن اصل آن ابتکار اسلام نبوده است. زیرا فطرت بشر به طور اجمال آن را درمی‌یافت. لذا در آیین‌های آسمانی قبل از اسلام و قوانین روم قدیم، جسته و گریخته چیزهایی درباره اداره اجتماع دیده می‌شود و می‌توان گفت که هیچ قومی در هیچ عصری نبوده، مگر آن که در آن حقوقی مالی برای اداره جامعه رعایت می‌شده است. زیرا جامعه هر جور که بود در قیام و رشدش نیازمند هزینه مالی بوده است. (تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۴۰۸).

زکات در اسلام

واژه زکات سی و دو مرتبه در قرآن کریم آمده است؛ که بر اساس آن.

پرداخت زکات، نشانه ایمان به خدا و روز قیامت است. «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ...» (سوره توبه، آیه ۱۸).

راه پذیرش توبه و آمرزش گناهان، اقامه نماز و ادای زکات است. «فان تابوا و اقاموا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ فَآخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» (سوره توبه، آیه ۱۱).

برپایی نماز و زکات، نشانه حکومت صالحان است. «الَّذِينَ اِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ» (سوره حج، آیه ۴۱).

نشانه مردان الهی، تجارت و داد و ستد، همراه با انجام نماز و ادای زکات است. «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ» (سوره نور، آیه ۳۷).

انکار زکات، برابر با کفر است. «الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (سوره فصلت، آیه ۷).

در سوره‌های مکی فراوانی به مسأله زکات اشاره شده است، از جمله سوره‌های اعراف آیه ۱۵۶، نمل آیه ۳، لقمان آیه ۴، فصلت آیه ۷. برخی مفسران این آیات را مخصوص زکات مستحب می‌دانند (تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۹).

و برخی دیگر می‌گویند: حکم زکات در مکه نازل شد، اما به علت کمی مسلمانان، پول زکات جمع نمی‌شد و مردم خودشان زکات را می‌پرداختند. (تفسیر نور، ذیل آیه ۶۰ سوره توبه. اما پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسأله گرفتن زکات و واریز کردن آن به بیت‌المال و تمرکز آن توسط حاکم اسلامی با نزول آیه «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (تفسیر نور، ج ۵، ص ۸۷). مطرح شد.

این آیه در ماه رمضان سال دوم هجری در مدینه نازل شده و پیامبر دستور داد تا ندا دهند که خداوند زکات را همچون نماز واجب ساخت. پس از يك سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند. (تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۳۷).

در واقع پس از تشکیل حکومت اسلامی و تأسیس بیت‌المال، زکات تحت برنامه مشخصی قرار گرفت و نصابها و مقدارهای معینی برای آن قرار داده شد. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۷).

برخی بر این باورند که پس از مأموریت پیامبر صلی الله علیه وآله به اخذ زکات، مصارف زکات به طور دقیق در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردید و جای تعجب نیست که تشریح اصل زکات در آیه ۱۰۳ سوره توبه باشد و ذکر مصارف آن در آیه ۶۰، زیرا می‌دانیم آیات قرآن به فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله هر کدام در محل مناسبی قرار داده شده است. (تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۹).

تفاوت زکات در اسلام با ادیان دیگر

با بررسی آیات و روایات درمی‌یابیم که زکات در اسلام مانند زکات در دیگر ادیان الهی نیست که صرفاً يك وصیت و سفارش اخلاقی و موعظه باشد تا مردم به برّ و نیکی رغبت پیدا کنند و از بخل و امساک بپرهیزند، بلکه فریضه‌ای الهی است و بی‌اعتنایی به آن فسق است و منکر آن، کافر محسوب می‌شود.

در اسلام، موارد و شرایط زکات و کیفیت ادای آن به طور دقیق مشخص شده و مسئولیت اخذ آن بر عهده دولت اسلامی است و کسانی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، بازخواست می‌شوند و می‌توان با متمرّدین آن در صورتی که منجر به انکار ضروری دین گردد، مقابله کرد. (فقه الزکاة، دکتر یوسف القرضاوی، ج ۱، ص ۸۵ - ۸۶).

اهمیت زکات

علمای اسلام زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته‌اند.

روزی امام صادق علیه السلام آداب و نحوه گرفتن زکات را که در نامه ۲۵ نهج البلاغه نیز آمده است، از قول حضرت علی علیه السلام نقل فرمود. سپس گریه کرد و فرمود: به خدا سوگند حرمت‌ها را شکستند و به کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل نکردند. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۵۶).

زکات، درمان دردهای اقتصادی جامعه است و همان‌گونه که اگر برای عضوی از بدن کسی ناراحتی پیش بیاید او را از حرکت می‌اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات روبرو شوند، حرکت آن جامعه فلج می‌شود و زکات برای حلّ مشکلات جامعه است.

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند به من نعمت‌هایی داده است که دائماً نگران آن هستم تا حقوقی را که خداوند نسبت به آنها بر من واجب کرده است، پرداخت کنم. سؤال شد: شما نیز با آن مقام بزرگی که دارید به خاطر تأخیر زکات از خدا می‌ترسید؟ فرمود: بله. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۲).

رسول خدا صلی الله علیه وآله سوگند یاد کرد که جز مشرک کسی در مورد پرداخت زکات خیانت نمی‌کند. (بحار، ج ۹۶، ص ۲۹).

و نیز فرمود: یا علی! ده گروه از امت من کافر می‌شوند که یکی از گروه‌ها کسانی هستند که زکات نمی‌پردازند.

در آخرین خطبه خود نیز فرمود:

ای مردم! زکات اموال خود را بپردازید. پس هر کس زکات نپردازد، برای او نه نمازی است و نه حجی و نه جهادی. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۰۷).

در روایات متعددی زکات به عنوان یکی از پایه‌های دین اسلام شمرده شده است و فرموده‌اند: بنای اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، حج، زکات، روزه و ولایت. (کافی، ج ۲، ص ۱۸ و وسائل، ج ۱، ص ۱۳).

در روایات می‌خوانیم: زکات، نشانه بی‌نقص بودن و کمال اسلام و ایمان است. «تمام اسلامکم اداء الزکاة» (کنز العمال، ج ۶، ص ۹۶). «... سبعة من کنّ فيه فقد استكمل حقيقة الايمان... و ادّى الزکاة ماله» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۵).

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود: علامت و نشانه مؤمنان و شیعیان ما سه چیز است: نماز، روزه و زکات. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۵).

معنای زکات

زکات در لغت به معنای رشد و پاکیزگی است. آری دلسوزی برای محرومین و کمک به آنها سبب رشد معنوی انسان و پاک شدن روح از بخل و حرص و تکاثر است.

زکات در اصطلاح فقهی، به معنای پرداخت مقدار معینی از مال به محرومان و نیازمندان است. زکات در قرآن، هم به معنای لغوی آمده است، چنانکه خداوند می‌فرماید: ما به حضرت یحیی از ناحیه خود رحمت و پاکی بخشیدیم و او فردی پرهیزکار بود. «و حَانَاً مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا» (سوره مریم، آیه ۱۳).

و هم به معنای اصطلاحی آمده که البته معنای عامی دارد و به کمک‌های واجب و مستحب هر دو گفته می‌شود.

چه کنیم که مردم خمس و زکات مال خود را بپردازند؟

ابتدا باید به سراغ ریشه‌های اعتقادی و فکری و فرهنگی رفت:
اگر کسی باور کند مالی که در اختیار اوست، امانت و هدیه خدایی است،
اگر باور کند امتیازی بر دیگران ندارد و همه با هم برادرند،
اگر باور کند ارزش جذب دل محرومان، بیش از ارزش جمع مال است،
اگر باور کند دعای محرومان، مشکل‌های زندگی او را حل می‌کند،
اگر باور کند ممکن است فردا خودش یکی از محرومان جامعه باشد،
اگر باور کند که خدا جای آنچه را انفاق می‌شود، پر می‌کند،
اگر باور کند انفاق او همچون دانه‌ای است که تبدیل به خوشه‌های متعدد و صدها دانه می‌شود،
اگر باور کند فقیر، کمک مالی او را برای قیامتش حمل می‌کند،
اگر باور کند سیر شدن فقرا، يك لذت معنوی و آرامش درونی به همراه دارد،
اگر باور کند کمک امروز او به صورت چهره زیبایی در برزخ مونس او خواهد بود،
اگر باور کند حل مشکل مسلمین، حل مشکل رسول خدا صلی الله علیه وآله است،
اگر باور کند بی‌تفاوتی نسبت به محرومان جامعه ممکن است سبب انفجار و انقلاب و از دست دادن کل اموال او شود،
اگر به آثار و برکات و پاداش‌های کمک به دیگران ایمان داشته باشد،
و اگر خطرات بی‌تفاوتی، کنزاندوزی، بخل و حرص را بداند و با تاریخ ثروتمندان بی‌تفاوت آشنا شود،
خود را برای پرداخت خمس و زکات و انفاق و... آماده می‌کند.
اگر بدانیم خدایی از ما قرض خواسته و فرموده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (سوره بقره، آیه ۲۴۵).

که خزینه‌های آسمان‌ها و زمین به دست اوست، خواهیم فهمید که هدف از این قرض در حقیقت شکوفایی روحیه سخاوت و انسان‌دوستی در انسان است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).
اگر ما همچون حضرت سلیمان دارایی‌های خود را از فضل خداوند بدانیم و بگوییم: «هذا من فضل ربِّي» (سوره نحل، آیه ۴۰).

، هرگز در پرداخت خمس و زکات مال خود بخل نمی‌کنیم.
اگر ما نعمت‌های خداوند را وسیله رفاه و غفلت و سرمستی ندانیم، بلکه همان گونه که قرآن می‌فرماید: «لِيلْبَلُونِي أَشْكُرَ امِّ اكْفِرُ» (سوره نحل، آیه ۴۰).

، آنها را وسیله آزمایش خود بدانیم که آیا با بکارگیری صحیح آنها شکر عملی نعمت‌های خدادادی را به جا می‌آوریم و یا کفران نعمت می‌کنیم،

اگر همان‌گونه که امام رضا علیه السلام فرمود، بدانیم که خداوند مسئولیت افراد زمین‌گیر را به عهده متمکنین قرار داده است،

اگر بدانیم هستی ما و فکر و علم و قدرت و ابتکار و توفیقی که داریم، از خداوند است و حتی در کشاورزی نقش ما تنها بذرافشانی و آبیاری است، اما جذب آب توسط زمین و شکوفایی بذر در درون آن، جذب نور و هوا، شکفتگی زمین و خروج خوشه‌ها از خداست و به تعبیر قرآن: «ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون» (سوره واقعه، آیه ۶۴).

، هرگز بخل نخواهیم ورزید.

اگر بدانیم دریافت‌کنندگان کمک‌های ما در ظاهر فقرا هستند، ولی در واقع خداوند است که صدقات را تحویل می‌گیرد، «يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ» (سوره توبه، آیه ۱۰۴).

، به راحتی کمک می‌کنیم و همان‌گونه که در روایات آمده دست خود را نیز می‌بوسیم.

اگر بدانیم بی‌اعتنایی به فقرا ما را به سرنوشت قارون‌ها گرفتار می‌کند که خود و خانه و

سرمایه‌اش يك جا به زمین فرو رفتند، «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ» (سوره قصص، آیه ۸۱).

این همه بخل در کار نخواهد بود. قارون می‌گفت: اموال من از خدا نیست، بلکه به وسیله علم و تخصص و ابتکار و نبوغ خودم، آن را به دست آورده‌ام. «أَنْمَا أُوتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (سوره قصص، آیه ۷۸).

اگر به داستان باغی که سوخت توجّه کنیم، خواهیم دید که چگونه باغ کسانی که تصمیم گرفتند فقرا را از نعمت‌های الهی محروم کنند، يك جا سوخت. «فَاصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» (سوره قلم، آیه ۲۰).

اگر بدانیم بی‌توجهی به یتیمان ممکن است سبب یتیم شدن فرزندان خود ما شود.

اگر بدانیم کمک‌های امروز ما در مواردی دو برابر و در مواردی چند برابر و در مواردی ده برابر و در مواردی هفتصد برابر می‌شود و به ما برمی‌گردد، هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر به سخن امام صادق علیه السلام ایمان داشته باشیم که فرمود: خداوند مهم‌تر از زکات چیزی را بر مردم سخت نگرفته است و بسیاری از مردم به خاطر نپرداختن آن هلاک شده‌اند، «ما فرض الله على هذه الامّة شيئاً اشدّ عليهم من الزكاة و فيها تهلك عامتهم» (وافی، ج ۱۰، ص ۳۳). هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم آن که ما را از فقر آینده می‌ترساند، شیطان است: «الشيطان يعدكم الفقر» (سوره بقره، آیه ۲۶۸).

، هرگز از وسوسه‌های تهدیدآمیز شیطان نمی‌ترسیم.
اگر بدانیم ما جانشین خدا هستیم و حیف است تنها به مادیات راضی باشیم، هرگز به مادیات
دلخوش نمی‌شویم «أرضیتم بالحیة الدنیا» (سوره توبه، آیه ۳۸).

اگر بدانیم ریشه جمع مال، پندار باطل ابدی بودن آن است، «الذی جمع مالاً و عدده یحسب أن
ماله أخلده» (سوره همزه، آیات ۲ - ۳).

، هرگز از پرداخت خمس و زکات طفره نمی‌رویم.
اگر بدانیم هر چه بیشتر داشته باشیم، مسئولیت ما بیشتر است. خداوندی که به پیامبرش کوثر و
خیر کثیر می‌دهد، برای او ذبح گوسفند را کافی نمی‌داند، بلکه باید شتر نحر نماید. (سوره کوثر،
آیات ۱ - ۲).

آری کسی که بیشترین دریافت را دارد، باید کمک او نیز بیشتر باشد.
اگر بدانیم با پرداخت زکات، سلام و صلوات پیامبر را دریافت می‌کنیم، به راحتی زکات خواهیم داد.
خداوند به پیامبرش می‌فرماید: زکات مردم را بگیر و بر آنها درود بفرست. (سوره توبه، آیه ۱۰۳).

اگر بدانیم حضرت علی علیه السلام انگشتر خود را در نماز به فقیر داد و حتی صبر نکرد نماز تمام
شود و اگر بدانیم ارزش کمک به محرومان همچون بوسیدن کعبه و حجر الأسود است، هرگز آن را به
دیگری واگذار نمی‌کنیم و حتماً مسئولیت آن را خودمان به عهده می‌گیریم. گاهی یاران امامان از
آنان می‌خواستند که حمل غذا به خانه فقرا را به آنان واگذار نماید، ولی امامان معصوم ما
نمی‌پذیرفتند.

اگر بدانیم که دوزخیان در پاسخ بهشتیان می‌گویند: یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ بی‌تفاوتی
نسبت به فقرا بوده است، «و لم نک نطعم المسکین» (سوره مدثر، آیه ۴۴).
، نسبت به آنان احساس مسئولیت خواهیم کرد.

اگر باور کنیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: روزی برای شما فرا خواهد رسید که از هر
کس محتاج‌تر خواهید بود، هرگز بخل نخواهیم کرد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲).

اگر باور کنیم این سخن خدا را که فرمود: افراد بخیل گمان مبرند که اموالشان برای آنان خیر است،
بلکه برای آنها شر است، (سوره آل عمران، آیه ۱۸۰).

اگر باور کنیم که قرآن می‌فرماید: آنچه نزد شماست، نابود می‌شود و آنچه برای خدا و در راه او
داده می‌شود، باقی می‌ماند، «ما عندکم ینفد و ما عند الله باق» (سوره نحل، آیه ۹۶).

اگر باور کنیم که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند فقرا را در اموال اغنیا شریک قرار داده است و نباید حق فقرا در غیر آنان هزینه شود، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴۳.

اگر باور کنیم که خداوند از بنده‌اش می‌پرسد: آیا نسبت به فرمان من بخل می‌کنی؟! یا مرا متهم می‌کنی؟ یا گمان می‌کنی که من از جبران آنچه انفاق کرده‌ای عاجزم؟!، خود را برای کمک به محرومان آماده‌تر خواهیم کرد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲۵.

اگر بدانیم که پرداختن زکات از گناہانی است که سبب ندامت و حسرت می‌شود (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۸ .
و لحظه مرگ، انسان از خداوند می‌خواهد که به دنیا برگردد و حق فقرا را بدهد، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۸ .

اگر بدانیم که زکات ندادن، انسان را از مدار ایمان و اسلام خارج می‌کند، (من منع قیراطاً من الزکاة فلیس بمؤمن ولا مسلم». جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۸ .

اگر بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در سایه کعبه به ابوذر فرمود: کسانی زیانکارترند که زکات نمی‌دهند، (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۰۸ .

اگر بدانیم هر روز هزار فرشته، ثروتمندی را که زکات نمی‌دهد به آتش بشارت می‌دهند، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۳ .

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله کسانی را که پرداخت زکات را خسارت می‌پندارند به انواع قهرهای الهی (باد سخت، زلزله و دگرگونی چهره) وعده داده است، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۷ .

اگر بدانیم حضرت مهدی علیه السلام با کسانی که زکات مال خود را نمی‌پردازند مانند زناکاران همسردار برخورد کرده و گردنشان را می‌زند، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۴.

اگر بدانیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله سوگند یاد کردند که پرداختن زکات خیانت به خدا و شرک است، (بحار، ج ۹۶، ص ۲۹.

اگر بدانیم که خداوند نام کسانی را که زکات نمی‌دهند در میان نام مشرکان و کافران قرار داده است، (و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزکاة و هم بالآخرة هم کافرون». سوره فصلت، آیه ۷.

اگر بدانیم که زکات از ضروریات دین و انکار آن به منزله کفر است، (مبسوط شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۹۰.

اگر بدانیم که در زمان ابوبکر با گروهی که زکات نمی‌دادند (به نام اصحاب ردّه) برخورد نظامی شد، بر علیه آن افراد لشکرکشی شد و حضرت علی علیه السلام نیز در آن جبهه شرکت فرمودند، (تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۱.

اگر بدانیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس حتی اگر مقدار کمی از زکات خود را ندهد، یهودی یا نصرانی می‌میرد، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۳.

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌فرمود: مالی که زکات آن پرداخت نشده است، ملعون است، ملعون، (وافی، ج ۱۰، ص ۴۴.

اگر بدانیم امام صادق علیه السلام به کسی که زکات نمی‌داد لقب سارق دادند، (وافی، ج ۱۰، ص ۴۴.

اگر بدانیم دست کسانی که زکات نمی‌دهند در قیامت به گردنشان بسته می‌شود و با سخت‌ترین کلمات مورد توبیخ فرشتگان قرار می‌گیرند، (وافی، ج ۱۰، ص ۴۰.

اگر بدانیم و باور کنیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصومش علیهم السلام صحنه‌هایی از شکنجه تارکان زکات را در قیامت این‌گونه بیان کرده‌اند که مار بزرگی به گردن آنان آویخته می‌شود و این همان است که قرآن می‌فرماید: «سیطوق ما بخلوا» (سوره آل عمران ۷ آیه ۱۸۰.

همان مالی که بخل شد، در قیامت طوق گردن می‌شود، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۹.

اگر باور کنیم که قرآن می‌فرماید: روز قیامت اموال کنز شده را داغ می‌کنند و بر پیشانی و پهلو و کمر کسانی که زکات نداده‌اند می‌گذارند و به آنان گفته می‌شود: این همان چیزی است که در دنیا ذخیره کردید و حق محرومان را نپرداختید،

اگر باور کنیم که نپرداختن زکات از گناهان کبیره‌ای است که خداوند در مقابل آن وعده عذاب داده است،

آری اگر این باورها را داشته باشیم، لحظه‌ای در پرداخت حق الهی درنگ نخواهیم کرد. اگر بدانیم که زکات در برزخ در کنار نماز تجسم یافته و مونس انسان می‌شود، به راحتی آن را خواهیم پرداخت. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۶).

اگر بدانیم که با پرداخت زکات، پاداش‌های چندین برابری که تعداد و عمق آن را کسی جز خدا نمی‌داند، دریافت خواهیم کرد، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۳). هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که با پرداخت زکات درهای بهشت را به روی خود باز می‌کنیم، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۵).

هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که در قیامت از کسی که زکات مال خود را کامل می‌پردازد و در جای خود مصرف می‌کند، نمی‌پرسند که اموال خود را از کجا آورده‌ای، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳). انگیزه پرداخت زکات زیاد خواهد شد.

اگر بدانیم که پرداخت زکات در دنیا، کلید دریافت رحمت الهی در روزی است که از همه محتاج‌تریم و نپرداختن امروز، عامل بیشترین خسارت است، (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲). لحظه‌ای در پرداخت آن درنگ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم پاداش هر دانه گندم و جو و امثال آن که به قصد زکات داده می‌شود، قصرهایی از طلا، نقره، لؤلؤ، زبرجد، جواهر و نور است (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲). ، لحظه‌ای در پرداخت آن دریغ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که زکات عاشقانه کفّاره گناهان است (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳). ، در پرداخت آن شتاب خواهیم کرد.

اگر بدانیم زکات‌دهنده در هر يك از آسمان‌های هفت‌گانه به نام مقدسی خوانده می‌شود، در آسمان اوّل به نام «سخیّ»، در آسمان دوم «جواد»، در آسمان سوم «معطی»، و در آسمان‌های دیگر «مبارک»، «محفوظ»، «منصور» و «مغفور» نامیده می‌شود (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۴).

، هرگز این نام‌های نیک را به آسانی از دست نخواهیم داد.
اگر بدانیم سیر کردن فقرا، رمز سیر بودن در قیامت و سیراب کردن تشنگان، رمز سیراب شدن در قیامت و پوشاندن فقرا، رمز پوشیده بودن در رستاخیز است (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۸۴.
، تا آنجا که می‌توانیم با پرداخت خمس و زکات به گرسنگان و تشنگان و برهنگان خدمت خواهیم کرد.

آثار زکات

الف: آثار فردی زکات

درمان بخل

بخل عیبی است که عیوب دیگری را به دنبال می‌آورد. بی‌اعتنایی به مردم، سنگدلی، عذرتراشی، دروغ پنداشتن ادعای فقرا، از دست دادن دوستان خوب، سخت‌گیری نسبت به خود و بستگان، سوءظن به وعده‌های خداوند، تحقیر شخصیت خود در جامعه، به جای توکل بر خدا توکل بر مال خود، گوشه‌ای از آثار بخل است.
قرآن می‌فرماید: افرادی که به فکر رستگاری خود هستند، باید خود را از این عیب دور بدارند: «وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره حشر، آیه ۹ و تغابن، آیه ۱۶).

یکی از امامان معصوم را دیدند که از اول شب تا صبح در حالی که مشغول طواف کعبه بود، تنها يك دعا می‌کرد و آن این بود که خدایا! مرا از بخل دور بدار. (تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۴۶).

شاید مراد از آیه ۱۰۳ سوره توبه که به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله دستور می‌دهد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً... تَطَهِّرْهُمْ وَتُزَكِّهِمْ»، زکات مردم را بگیر و آنان را پاک کن، مراد پاک کردن مردم از بخل و حب دنیا باشد.
امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ... فَقَدْ وَقِيَ مِنَ الشَّحِّ» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۸).

هر کس زکات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است.
زکات، وسیله تقرب انسان به خداوند است. «الزَّكَاةُ جَعَلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قَرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ» (وسائل، ج ۶، ص ۶).

زکات، پل اسلام است. «الزّكاة قنطرة الاسلام» (امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۶).

زکات، بعد از شناخت دین و نماز، بالاترین ارزش‌هاست. «ما من شیء بعد المعرفة و الصلاة يعدل الزّكاة» (فروع کافی، ج ۴، ص ۶۲).

زکات، نشانه بندگی خداست. «للعابد ثلاث علامات: الصّلوّة و الصّوم و الزّكاة» (بحار، ج ۹۶، ص ۶۲).

زکات، موجب رستگاری است. «قد أفلح من تزکى» (سوره اعلی، آیه ۱۴).

برکت رزق

هر يك از کلمات «زکات» و «برکت» و واژه‌های مربوط به این دو، ۳۲ بار در قرآن آمده و این نشانه آن است که زکات، مساوی برکت است. آری بریدن شاخه‌های درخت انگور، در ظاهر کوتاه کردن درخت است، ولی در واقع سبب رشد آن می‌شود.

در قرآن می‌خوانیم: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَا وَيُرِي الصّدقات» (سوره بقره، آیه ۲۷۶).

. خداوند ربا را محو می‌کند، ولی صدقات را رشد می‌دهد.

در روایات زیادی می‌خوانیم: «الزّكاة تزيد فى الرّزق» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲ و ۶۹).

زکات روزی انسان را زیاد می‌کند.

بیمه مال

امام کاظم علیه السلام فرمود: «حصّنا أموالکم بالزّكاة» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۹).

اموال خود را از طریق زکات بیمه کنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر حق خدا را بپردازید، من صامن هستم که اموال شما در دریا و خشکی تلف نشود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۰).

محبوبیت نزد خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: محبوب‌ترین فرد نزد خداوند، سخاوتمندترین است و

سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مال خود را بدهد و از آنچه که خدا در مال او واجب

نموده است، در مورد مؤمنین بخل نکند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۵).

تقرّب به خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند زکات را همراه با نماز وسیله تقرب به خود قرار داد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳).

دریافت رحمت خاص خداوند

در قرآن می‌خوانیم: «و رحمتی وسعت کل شیء فساکتها للذین یتقون و یؤتون الزکاة...» (سوره اعراف، آیه ۱۵۶ و توبه، آیه ۷۱).

رحمت پروردگار بر هر چیزی گسترده است، ولی دریافت قطعی آن مخصوص کسانی است که اهل تقوی و زکات باشند.

خداوند می‌فرماید: «انّی معکم لئن اقمتم الصلوة و آتیتم الزکاة و آمنتم برسلی» (سوره مائده، آیه ۱۲).

اگر شما نماز را به پا دارید و زکات را پرداخت کنید و به پیامبران من ایمان آورید، قطعاً من با شما هستم.

باز شدن گره‌ها

قرآن می‌فرماید: «و اما من اعطی و اتقی و صدق بالحسنى فسئیسره للیسری» (سوره لیل، آیه ۷).

هر کس بخششی نماید و پرهیزگار باشد و حقیقت را تصدیق نماید، ما کارهای مشکل او را آسان می‌کنیم.

کفاره گناهان

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اللّه اللّه فی الزکاة، فانّها تطفیء غضب ربکم» (وسائل، ج ۶، ص ۱۰).

شما را به خدا، شما را به خدا درباره زکات (دقت کنید) که همانا زکات غضب پروردگار را فرو می‌نشانند.

خداوند می‌فرماید: اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید، من بدی‌های شما را می‌پوشانم. (سوره مائده، آیه ۱۲).

خدایی شدن انسان

همان‌گونه که خداوند رحمت خود را بر همه گسترانده است، زکات‌دهنده لطف خود را بر فقرا سرازیر می‌کند و بدین گونه اخلاق خدایی را در خود شکوفا می‌کند و مظهر رحمانیت پروردگار می‌شود.

رهایی از کیفر

کفّار، با توبه و نماز و زکات می‌توانند خود را از کیفر برهانند. قرآن می‌فرماید: «و ان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة فخلوا سبیلهم» (سوره توبه، آیه ۵).

گشایش برای مردگان

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: برادرم از دنیا رفته است و زکات زیادی به عهده‌اش بود، من آنها را پرداخت کردم، امام فرمود: با این عمل مشکل او برطرف می‌شود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۲۳).

استجاب دعا

در روایتی می‌خوانیم: هر کس می‌خواهد دعای او مستجاب شود، لقمه خود را حلال کند و یکی از راه‌های حلال کردن لقمه، پرداخت حق خدا از خمس و زکات است. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر حق آنچه را که خداوند رزق شما کرده است بپردازید، باقیمانده آن برای شما طیب و حلال است. «یطیب الله لکم بقیّته» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۳).

قبولی نماز

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: زکات اموال خود را بپردازید تا نمازتان قبول شود. «زکّوا اموالکم تقبل صلاتکم» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۹).

جاودانگی اموال

زکات در حقیقت ذخیره قیامت می‌شود، بنابراین مال فانی را جاودانه می‌کند. کامیابی‌های احتمالی و موقت و پردردسر دنیا را می‌توان از طریق پرداخت زکات به کامیابی‌های قطعی و دائمی و بی‌دردسر تبدیل نمود.

زندگی شیرین

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم حقوق خود را ادا کنند، قطعاً در زندگی شیرینی به سرخواهند برد: «لوانّ الناس ادّوا حقوقهم لکانوا عایشین بخیر» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۷۰).

خواب راحت

به امام معصوم گفتند: فلانی در خواب به مشکلات و ناگواری‌هایی برمی‌خورد، حضرت فرمود: این به خاطر آن است که زکات خود را در راه صحیح مصرف نمی‌کند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۳).

ب: آثار اجتماعی زکات

برادری

قرآن در يك جا می‌فرماید: مؤمنان با یکدیگر برادرند: «أئما المؤمنون اخوة» (سوره حجرات، آیه ۹). و در جایی دیگر می‌فرماید: هر گاه مخالفان شما توبه کنند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند، آنها هم برادر دینی شما می‌شوند: «فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة فاخوانکم فی الدین» (سوره توبه، آیه ۱۱).

بنابراین شرط برادری، در کنار توبه و نماز، پرداخت زکات است.

ایجاد یا تعمیق روابط

در آداب دوستی، صدها روایت به چشم می‌خورد که آنچه سبب ایجاد دوستی یا تعمیق و توسعه آن می‌شود، خوش‌نیتی، خوش‌رفتاری، انصاف، کرم، ایثار، سخاوت، احسان، محبت، زهد، صله رحم، هدیه و تفقد از یکدیگر می‌باشد که در پرداخت زکات همه آن آثار به روشنی نهفته است. کینه زدایی

با پرداخت زکات، کینه محرومان برطرف و به محبت و دوستی تبدیل می‌شود و این محبت و دوستی در تعاون و یاری یکدیگر و تولید بهتر و بیشتر و حفاظت از دستاوردهای جامعه اسلامی نقش مهمی دارد.

به صحنه کشاندن و اماندگان

فقر و گرسنگی، انسان را به انزوا و گوشه‌گیری و بدبینی و ناامیدی و حقارت‌پذیری می‌کشاند، اما زمانی که با پرداخت خمس و زکات و سایر انفاقات مشکلات اقتصادی مردم حل شود، تلاش، نشاط، دلسوزی و حضور مردم در صحنه‌های مختلف بیشتر می‌شود.

تقویت بنیه دینی مردم

امام رضا علیه السلام فرمود: فلسفه و دلیل پرداخت زکات، قوت فقرا و... و تقویت آنان و

کمک‌رسانی در امور دینی آنها است. (وافی، ج ۱۰، ص ۵۱)

از محل زکات می‌توان مدارس، کتابخانه‌ها، مساجد و سایر مراکز دینی و فرهنگی را ایجاد نمود و یا آنچه را که قبلاً احداث شده است، توسعه داد و با دعوت از کارشناسان دینی و علما و اساتید مناطق دیگر، پایگاه علمی و اعتقادی مردم را تقویت نمود.

ایجاد همدلی در جامعه

پرداخت زکات، دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند و جامعه را برای حل همه مشکلات آماده می‌سازد. اگر فقرا خود را در سود اغنیا شریک بدانند، در برابر نابسامانی‌ها و مشکلات و آفات با تمام توان به پا خواهند خاست و تا آنجا که بتوانند در حل مشکلات کوشش خواهند نمود. زکات‌دهنده علاوه بر کسب رضای خداوند و برکات معنوی و اخروی، دل‌های دیگران را نیز به سوی خود جذب می‌کند و به خاطر همین محبوبیتی که در جامعه پیدا می‌کند، دیر یا زود از حمایت‌های مردمی در امور مختلف برخوردار می‌شود.

آری بعضی از افراد سرمایه خود را با خرید جمادات (خانه، ماشین، مزرعه، فرش، لباس و...) هزینه می‌کنند تا شاید بتوانند دل‌های مردم را به خود جذب کنند، ولی از آنجا که دل‌های مردم در اختیار خداوند است، این دسته افراد معمولاً در جامعه منفور دیگرانند، اما کسانی که بخشی از سرمایه خود را (به جای جمادات) در راه نجات انسان‌ها، رشد استعدادها، فراموش شده، تأمین هزینه ازدواج و مسکن و کارآموزی به افرادی که صاحب حرفه نیستند، صرف می‌کنند، هم در تمام ارزش‌ها و پاداش‌هایی که بر اثر آن کمک‌های خالصانه به دست می‌آید خود را شریک می‌کنند و هم محبت و حمایت مردم را در اختیار خواهند داشت. در اینجا باید بینیم آیا گروه اول عاقلند که با صرف هزینه در خرید جمادات خود را منفور خلق و خالق می‌کنند، یا بندگان خالص خدا که با پرداخت حقوق الهی، خود را محبوب خالق و خدا می‌نمایند. آری، اغنیا می‌توانند عقل و لیاقت خود را با انتخاب یکی از این دو راه بیازمایند.

تربیت نسل پاک

در بسیاری از کتاب‌های تربیتی و روان‌شناسی، به هسته مرکزی تربیت که انتخاب همسر و لقمه حلال است، کمتر توجه شده است. اسلام برای تربیت نسل آینده، به مسأله انتخاب همسر و پس از آن به نقش لقمه حلال بسیار توجه و تأکید دارد.

پرداخت زکات، سبب پاک و حلال شدن رزق است و لقمه‌ها را از حق محرومان پاک می‌کند و نقش لقمه پاک در جامعه و نسل آینده از طریق گرایش به خوبی‌ها و کمالات و تنفر از بدی‌ها بر کسی پوشیده نیست.

دفع بلا از امت

در قرآن می‌خوانیم: «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض و لكن الله ذو فضل على العالمين» (سوره بقره، آیه ۲۵۱).

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمود: قطعاً خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می‌دهند، انواع بلاها و خطرات را از سایرین نیز دفع می‌کند و اگر زکات این گروه نبود، همه یکجا نابود می‌شدند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۶).

فقرزدایی

یکی از مسایل مهم جامعه، وجود فقر و گرسنگی و سایر کمبودها است که یکی از راه‌های مبارزه با آن، توجه جدی به مسأله پرداخت خمس و زکات و انفاقات است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فما جاع فقیراً الا بما منع غنی و اللّٰه سبحانه و تعالی سائلهم عن ذلك» (سفینه البحار، ج ۳، ص ۴۷۴).

هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به خاطر آن که توانمندی حق خدا را نمی‌پردازد و خداوند در روز قیامت توانمند را به همین دلیل بازخواست خواهد کرد. در روایات متعدد می‌خوانیم: اگر مردم زکات مال خود را بپردازند، فقیری باقی نمی‌ماند. (وافی، ج ۱۰، ص ۵۰ .

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ محتاج و گرسنه و برهنه‌ای در جامعه وجود نخواهند داشت، مگر به خاطر گناهان اغنیا. (وافی، ج ۱۰، ص ۵۰ .

ایجاد اشتغال

یکی از مسائل مهم جامعه، وجود بیکاری است که زمینه‌ساز انواع فسادهاست. اگر مردم خمس و زکات خود را بپردازند، چرخ‌های اقتصاد به گردش در می‌آید و بخش مهمی از افراد بیکار شاغل خواهند شد. همان‌گونه که از طریق مضاربه یا قرض الحسنه می‌توان ایجاد اشتغال کرد، از طریق پرداخت خمس و زکات و یا بخشش‌های بلاعوض و یا ایجاد زمینه‌های تحصیل برای بیسوادها و کم‌سوادها و آموزش فن و حرفه و تأسیس و توسعه مراکز فرهنگی و احداث جاده‌ها و پل‌ها و آبادانی‌های دیگر نیز می‌توان ایجاد اشتغال کرد. بنابراین در احیای خمس و زکات، حلّ مسأله اشتغال و توسعه اقتصادی و فرهنگی و پر کردن ایام فراغت و جلوگیری از مفاسدی که در اثر بیکاری به چشم می‌خورد، نهفته است. به علاوه کار و اشتغال سبب دلگرمی به مکتب، به امت، به نظام اسلامی و سبب شکوفایی استعدادها و نبوغ‌ها و مانع انواع افسردگی‌های فرد و جامعه است و در مقابل آن بیکاری باعث تبهکاری، افسردگی، سوءظن، رکود، ایجاد عقده و زمینه‌ساز انواع فتنه‌ها و آشوب‌ها است که اگر شعله آن برافروخته شود، همه را در خود می‌سوزاند. شاید به همین دلیل باشد که در قرآن جمله «لاتلقوا بأیدیکم الی التّهلکة» (سوره بقره، آیه ۱۹۵).

یعنی خودتان را با دست خود به هلاکت نیندازید، بعد از دستور انفاق مطرح شده است.

آری اگر در جامعه، مردم در قالب خمس و زکات و سایر کمک‌ها دست از انفاق بردارند و بر فقرا فشار وارد شود، این فشارها تبدیل به آشوب و فتنه‌ای می‌گردد که فقیر و غنی در آن می‌سوزند. وسیله اقتدار امت

اگر کمبودها از طریق مالیات‌های اسلامی و خمس و زکات تأمین شود و افراد جامعه به يك نوع رفاه نسبی دست یابند، دل‌ها نسبت به هم مهربان می‌شود، نیروها متمرکز می‌گردند و همه پشتیبان یکدیگر خواهند بود. چنین جامعه‌ای دارای صلابت و اقتدار خواهد بود و در مقابل هر وعده و وعید و یا هر تهدید و تطمعی بیمه می‌شود. بخصوص که در پرداخت خمس و زکات قصد قربت در کار است و هیچ‌گونه تحقیر و منتی روانیست.

آری، جبران کمبودها از طرف پرداخت‌کنندگان مخلص و اجرای این امر الهی از طریق مراجع دینی محبوب و متقی، سبب آرامش و دلگرمی و اتصال به علمای ربّانی خواهد شد که این امر خود وسیله اقتدار و عزّت ملی و اسلامی است.

البته ممکن است مؤسسات خیریه یا افراد نیکوکار از طریق صندوق‌ها و بانک‌ها کمک‌هایی به محرومان اختصاص دهند، اما مگر تنها هدف اسلام سیر کردن گرسنگان است؟ در طراحی و مهندسی اسلام، علاوه بر رسیدگی به فقرا آثار و اسرار زیادی نهفته است، از جمله اینکه: اولاً: کمک‌کنندگان نیت خالص داشته باشند و هیچ‌گونه ریا، خودنمائی، شهرت‌طلبی در کار آنها وجود نداشته باشد و انتظار مدح و ستایش و جبران از کسی نداشته باشند.

ثانیاً: مالی که می‌پردازند از جنس مرغوب، عالی، حلال و بی‌منت باشد.

ثالثاً: نحوه پرداخت آگاهانه، عاشقانه، آزادانه باشد.

این شرایط در تربیت افراد مؤثر است و اتصال آنان را به عالم ربّانی که مرزبان مکتب اسلام است، روشن می‌کند و سبب يك اقتدار معنوی می‌شود زیرا هم سر و کار پرداخت‌کنندگان و هم سر و کار گیرندگان با علمای ربّانی خواهد بود.

کم شدن مفسد اجتماعی

هم ازدیاد سرمایه زمینه‌ساز فساد است که با پرداخت خمس و زکات ثروت‌ها تعدیل و مفسد مهار می‌شود و هم فقر ممکن است زمینه وقوع سرقت، دریافت رشوه، خیانت و امثال آن شود که دریافت خمس و زکات و... این زمینه را می‌خشکاند و از بین می‌برد. بنابراین پرداخت خمس و زکات، در مهار مفسد اجتماعی نقش مهمی دارد.

حفظ آبروی فقرا

در بسیاری از موارد فقر آبروی انسان را در جامعه در معرض خطر قرار می‌دهد و خمس و زکات، فقر را از بین می‌برد و آبروی انسان‌ها را حفظ می‌کند. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی که در خط فکری ما نیست، از دنیا رفته و اطفال فقیری را به جا گذاشته است، آیا می‌توانیم از زکات به آنها بدهیم؟

فرمود: بله، آن اطفال گرسنگانی هستند که تقصیری ندارند و باید آبرو و موقعیت آنان در جامعه حفظ شود و زندگی آنها تا رسیدن به حدّ بلوغ و رشد لازم تأمین گردد. اما، اگر این اطفال بالغ شدند

و حق را فهمیدند ولی با لجاجت دست از آن کشیدند، از زکات به آنها ندهید. (سزاوار نیست زکات از افراد مؤمن گرفته و به منحرفین لجوج داده شود). (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۵).

تعدیل ثروت

خمس و زکات، گامی برای مهار ثروت‌ها است.

اسلام از يك سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه، اختلاس و... را ممنوع دانسته است و از سوی دیگر به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی‌دهد تا درآمد خود را هرگونه که خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت‌اندوزی نهی فرموده است و از طرف دیگر با واجب نمودن خمس و زکات و کفّارات و سفارش اکید به انواع کمک‌ها و صدقات، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

جذب دیگران

اسلام، مصرف زکات را برای هشت گروه قرار داده است که یکی از آنها، سرشناسانی هستند که اگر حمایت‌های مالی از آنان به عمل آید، ابتدا خودشان و سپس قوم آنان به اسلام جذب می‌شود. البته این جذب، مقدمه گرایش‌های فکری، فرهنگی و اعتقادی است، همچون جاذبه‌هایی که برای فرزندان در روزهای اول مدرسه ایجاد می‌شود و بدین وسیله ابتدا آنان را با مدرسه آشنا می‌کنند و سپس نماز علمی و فکری آنان در مدرسه و دانشگاه تأمین می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سهمی از زکات را به رؤسای قبایل می‌داد و در هر زمان ولی امر مسلمین می‌تواند این کار را انجام دهد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴).

از همین سهم که به نام «المؤلّفة قلوبهم» در قرآن مطرح شده است، می‌توان مقداری به مسلمانان ضعیف‌الایمانی پرداخت کرد که اگر به حال خود رها شوند، تبعات و وسوسه‌های دشمنان در آنان ایجاد شک می‌نماید. اسلام برای پایداری آنان در دین، مشکلات اقتصادی آنان را حل می‌کند و این کار مقدمه‌ای برای انس بیشتر با مکتب خواهد بود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴).

ج: آثار ترك زکات

تلف شدن اموال

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما ضاع مال فی البرّ و لالبحر الا بتضییع الزّکاة» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۰.) هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع نمی‌شود، مگر به خاطر آنکه زکات آن پرداخت نشده است. آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند: «حصّونا اموالکم بالزّکاة و انا ضامن لكل ما یتوی فی برّ او بحر بعد اداء حق اللّٰه فیہ» (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۵۰.) اموال خود را از طریق پرداخت زکات بیمه کنید و اگر بعد از پرداختن زکات مالی تلف شد، من ضامن آن هستم. خسارت دو برابر

در روایات می‌خوانیم: «من مَنَعَ حَقًّا لِلّٰه اَنْفَقَ فِی باطل مثلیه» (وافی، ج ۱۰، ص ۴۲. کسی که حق خدا را نپردازد و در راه حق مال خود را صرف نکند، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد.

هزینه در راه اشرار
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من مَنَعَ ماله من الاخیار اختیاراً صرّف اللّٰه ماله فی الأضرار اضطراراً» (بحار، ج ۹۶، ص ۱۳۰. کسی که مال خود را از مصرف در راه خوبان با اختیار خود باز دارد، خداوند مال او را در راه اشرار با اجبار صرف خواهد نمود.

هزینه در راه گناه
امام صادق علیه السلام فرمود: «و اعلم انه من لم ینفق فی طاعة اللّٰه ابتلی بان ینفق فی معصية اللّٰه و من لم یمش فی حاجة ولیّ اللّٰه ابتلی بان یمشی فی حاجة عدوّ اللّٰه» (وسائل، ج ۶، ص ۲۵.

آگاه باشید، کسی که مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خداوند گرفتار می‌شود و هر کس در حل مشکلات ولیّ خدا گامی برندارد، خداوند او را بر تلاش و حرکت در راه حلّ مشکلات دشمن خدا گرفتار می‌کند. کمبود و قحطی

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «لاتزال امتی بخیر ما تحابّوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزّکاة فاذا لم یفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۸. امت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می‌برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می‌شوند.

محروم شدن از تولیت و تعمیر مراکز دینی
قرآن می‌فرماید: مشرکان حقّ تعمیر مساجد را ندارند، بلکه تعمیر و آباد کردن آن تنها سزاوار کسانی است که اهل نماز و زکات و شجاعت باشند. (سوره توبه، آیه ۱۸.

رفع برکت از زمین

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «اِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲).

هر گاه زکات پرداخت نشود، زمین برکات خود را از مردم باز می‌دارد و در حدیث دیگری می‌خوانیم: اگر توانگران زکات مال خود را نپردازند، خداوند باران رحمت خود را از مردم باز می‌دارد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲).

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: اگر زکات پرداخت نشود، برکت از کشاورزی و میوه‌ها و معادن برداشته می‌شود. (کافی، ج ۲، ص ۳۷۴).

مرگ چهارپایان

امام رضا علیه السلام فرمود: «اِذَا حُبِسَتْ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۳). هر گاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می‌میرند. محروم شدن از رحمت

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۷).

اخراج از مسجد

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وارد مسجد شدند و با جمله «قَمِ يَا فُلَانُ، قَمِ يَا فُلَانُ، قَمِ يَا فُلَانُ» پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی‌دهید از مسجد بیرون بروید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۱).

آری نمازگزار واقعی بخیل نیست. «اِذَا مَسَّهَ الْخَيْرُ مِنْوَعًا إِلَّا الْمَصْلِيْنَ» (سوره معارج، آیه ۲۱ - ۲۲).

علامت نفاق

در آیه ۶۷ سوره توبه که سیمای منافقان را بیان می‌کند، می‌فرماید: «الْمَنَافِقُونَ وَالْمَنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ... يَقْبِضُونَ اَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (سوره توبه، آیه ۶۷). (آنان دست خود را از کمک به دیگران می‌بندند و (این گونه) خدا را فراموش می‌کنند، خدا نیز با آنان رفتار فراموش‌شدگان را انجام می‌دهد.

قبول نشدن نماز و عبادات

در روایات می‌خوانیم: «أَيُّهَا النَّاسُ ادَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ فَمَنْ لَا يَزْكِي لَا صَلَوةَ لَهُ وَ مَنْ لَا صَلَوةَ لَهُ لَا دِينَ لَهُ» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰).

قبولی تمام اعمال، وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات است. امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند نماز و زکات را قرین و مقرون یکدیگر قرار داد و نماز بی‌زکات پذیرفته نیست. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰).

حضرت موسی علیه السلام جوانی را دید که نماز با حالی می‌خواند، به خداوند گفت: چه نماز زیبایی دارد! به او وحی شد نماز او زیباست ولی این جوان بخیل است و زکات نمی‌پردازد و تا زمانی که زکات ندهد، نمازش قبول نیست. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نماز کسی که زکات نمی‌پردازد همچون لباس کهنه در هم پیچیده و به صورت نمازگزار پرتاب می‌شود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۰ و ۳۳).

هم ردیف رباخواران

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مانع الزَّكَاةِ كَأَكْلِ الرَّبَا» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۳). کسی که زکات ندهد همچون رباخوار است. پرداخت نکردن زکات، خیانت، شرك و نوعی سرقت است، در حدیث می‌خوانیم: «ما خان الله احدٌ شيئاً من زكاة ماله الا مشرك بالله» (بحار، ج ۹۶، ص ۲۹). چنانکه سه نوع سارق داریم که یکی از آنان کسی است که زکات نمی‌دهد. (تهذیب، ج ۱۰، ص ۱۵۳).

مصارف زکات

مصرف زکات باید دقیق و به جا و در مواردی که خداوند دستور داده است باشد. در روایات می‌خوانیم: اگر زکات در جای خود مصرف نشود، انسان ضامن است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۴۷).

قرآن بعد از آنکه موارد هشتگانه مصرف زکات را در آیه ۶۰ سوره توبه بیان می‌کند، در پایان می‌فرماید: «فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». در هر يك از کلمات فریضه، علیم و حکیم نکته‌ای نهفته است:

«فَرِيضَةٌ»، یعنی تقسیم زکات واجب است و آن را جدی بگیرید.

«علیم حکیم» یعنی خداوند می‌داند که حل مشکلات فقرا و نابسامانی‌ها در سایه انجام صحیح واجبات الهی و تقسیم صحیح زکات است، بنابراین مصارفی که در قرآن برای زکات آمده عالمانه و حکیمانه است و اگر زکات در جای خود مصرف نشود، برخلاف علم و حکمت است. در برخی روایات آمده است: اگر زکات در جایی مصرف شود که مورد نهی خداوند باشد، پروردگار آن را قبول نخواهد کرد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۴۷).

قرآن درباره تقسیم زکات می‌فرماید: «أَتْمَا الصَّدَقَاتِ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (سوره توبه، آیه ۶۰).

همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درراه‌ماندگان و کارگزاران زکات و جلب دلها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه‌مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است.

با توجه به این آیه، زکات در هشت مورد قابل مصرف است:

اول و دوم: «الفقراء و المساکین» فقرا و مساکین

امام صادق علیه السلام در تفاوت فقیر و مسکین فرمودند: فقیر، نیازمندی است که از دیگران درخواست کمک نمی‌کند، ولی مسکین کسی است که به خاطر فشار فقر، از مردم درخواست کمک می‌کند. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۶۴۰).

شاید دلیل آنکه حضرت درباره فقیر فرمودند: کسی است که سؤال نمی‌کند، آیه ۲۷۳ بقره باشد که می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» تا آنجا که می‌فرماید: «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ اغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» فقرا همان کسانی هستند که به خاطر عفت و سؤال نکردن از دیگران، بی‌خبران آنان را اغنیا می‌پندارند.

ناگفته نماند شرط فقیر و مسکین بودن بیکاری نیست، چه بسا افرادی دارای شغل و کار و سهم یا سهامی باشند، ولی درآمد آنان کفایت مخارج زندگی آنها را نمی‌کند.

قرآن درباره آن کشتی که حضرت خضر آن را سوراخ کرد، می‌فرماید: صاحبان کشتی جمعاً از مساکین کارگر بودند. «وَأَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ» (سوره کهف، آیه ۷۹).

اسلام فقرزدایی را در رأس مصارف زکات قرار داده است. اگر نگاهی به آیات و روایات و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت معصومش‌علیهم‌السلام بیاندازیم، اهمیت مسأله را بهتر و بیشتر درک خواهیم کرد. به چند نمونه توجه کنیم:

قرآن می‌فرماید: در قیامت بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند چه چیز سبب دوزخی شدن شما شد؟ آنان در پاسخ می‌گویند: «و لم نك نطعم المسكين» (سوره مدثر، آیه ۴۴). ما به فکر گرسنگان نبودیم.

حتّی اگر انسان مال و ثروتی ندارد، نمی‌تواند در برابر نیازمندان بی‌تفاوت باشد، بلکه باید دیگران را به كمك کردن تشویق و وادار کند و گرنه مورد توبیخ واقع می‌شود. «و لاتحاصون علی طعام المسكين» (سوره فجر، آیه ۱۸، همچنین حاقّه، ۳۴، ماعون، ۳).

قرآن رسیدگی به گرسنگان و فقرا را، طی کردن گردنه‌های آزمایش می‌داند. (سوره بلد، آیه ۱۱).

توجّه به گرسنگان، اختصاص به گرسنگان مسلمان ندارد، بلکه باید همه مردم جامعه سیر باشند. حضرت ابراهیم پس از بنا کردن خانه کعبه، در دعای خود گفت: «و ارزق اهله من الثمرات من آمن منهم» پروردگارا از مردم مکه هر کس ایمان دارد او را روزی ده. خداوند فرمود: من كفّار گرسنه را نیز رزق می‌دهم. «و من كفّر فامتّعه قليلاً» (سوره بقره، آیه ۱۲۶).

سیر کردن گرسنگان عبادتی است که امامان ما و اهل بیت علیهم السلام شخصاً انجام می‌دادند و برای این کار کسی را نایب نمی‌گرفتند. در تاریخ می‌خوانیم که در کیفر و جریمه كفّار سخاوتمند، تخفیف داده می‌شد. نه تنها انسان‌ها که به حیوانات و گیاهان نیز باید رسیدگی شود تا آنجا که در حدیث می‌خوانیم: سیراب کردن درخت تشنه همچون سیراب کردن مسلمان تشنه است. در اسلام، توجّه به گرسنگان تا آنجا مهم است که اگر گرسنه‌ای نان مردم را سرقت کرد، به عنوان دزدی دستش قطع نمی‌شود.

و اگر شخصی غذای مردم را در انبار خود احتکار نمود و با تذکرات حاکم اسلامی بیدار نشد، حکومت اسلامی می‌تواند با او برخورد انقلابی کرده و گندم را از انبار او خارج کند.

سوّم: «العاملین علیها» کارگزاران زکات

یکی از مصارف زکات، کسانی هستند که برای جمع‌آوری، تقسیم و حفظ اموال زکاتی، تلاش می‌کنند (وافی، ج ۱۰، ص ۱۶۵).

. آری، همان‌گونه که زندگی قاضی باید تأمین شود تا به فکر گرفتن رشوه نیفتد، زندگی دست‌اندرکاران مسأله زکات نیز باید به نحوی تأمین شود و حتّی اگر بی‌نیازند باید سهمی از زکات به آنان پرداخت شود (تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)).

و بدین وسله مورد تشویق و محبت دیگران قرار گیرند تا به خاطر توسعه در زندگی به فکر رفتار ناروا نیفتند.

حضرت علی‌علیه السلام پس از سفارشات‌ای که به کارگزاران مسأله زکات می‌کند، می‌فرماید: اگر به این سفارشات عمل کنید، قطعاً به پاداش بزرگتری خواهید رسید و به کمالی که در شأن شماست نزدیک خواهید شد، زیرا خداوند به اموال زکاتی و به شما کارگزاران امر زکات و به تلاش و دلسوزی که نسبت به حاکم اسلامی و فقرای تحت پوشش او دارید، نگاه لطف و مرحمتی دارد و هر کس که مورد نظر و لطف خداوند قرار بگیرد، در بهشت با ما خواهد بود. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۵۶).

چهارم: «المؤلفة قلوبهم» تألیف قلوب

سهمی از زکات باید در راه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام و دعوت دیگران به دین اسلام از راه ایجاد روابط حسنه و جذب قلوب آنان مصرف شود. از قدیم گفته‌اند هر گردویی گرد است، ولی هر گردی گردو نیست. هر مؤمنی مسلمان هست، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. بسیاری کسانی که مسلمان هستند، یعنی از شرك دورند و در مدار توحید قرار گرفته‌اند، ولی در مرحله ضعیفی از ایمان قرار دارند، اسلام برای آنکه دست این افراد را بگیرد و به مراحل بالاتر ببرد، راه‌هایی را مطرح کرده است؛ از جمله سهمی از زکات برای کمک یا توسعه در زندگی آنان صرف شود تا با این عمل معرفت و شناخت در جان آنان تثبیت شود. کسانی که با اسلام داغ شده‌اند، باید با محبت‌ها پخته شوند، زیرا هر داغی سرد می‌شود، ولی هر پخته‌ای دیگر خام نمی‌شود. کسانی که به اسلام وارد شده‌اند: «یدخلون فی دین الله» (سوره فتح، آیه ۲). با این گونه رفتارها و محبت‌ها، اسلام در درون جان آنان جای گیرد. آری، فرق است میان کسانی که داخل در اسلام شده‌اند با کسانی که اسلام و ایمان در روح آنان داخل شده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «مؤلفة قلوبهم» گروهی هستند که توحید را پذیرفته و از مدار شرك خارج شده‌اند، ولی هنوز معرفت پیامبر صلی الله علیه وآله در قلبشان رسوخ نکرده است. پس باید سهمی از زکات صرف این گونه افراد شود تا محبت و معرفت در آنان تثبیت شود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴۲).

امروزه ابرقدرت‌ها با فرستادن کتاب‌ها، کشیش‌ها، کارشناس‌ها، دعوت‌نامه‌ها، بورسیه‌ها، هیأت‌های علمی و فنی و صدها راه دیگر برای توسعه فکر خود و سلطه‌گری، سایه شوم خود را بر کشورها گسترش داده‌اند، سفرها کردند، کنگره‌ها گرفتند، توطئه‌ها کردند، افرادی را با پول خریدند، به اسم جهانگرد و جب به وجب سرزمین‌های ما را گشتند و به اسم کارشناس فنی، اقتصاد ما و به اسم کارشناس نظامی، قوای مسلح ما را زیر نظر گرفتند و بدتر از همه اینکه از بودجه خود ما علیه

خود ما استفاده کردند، ولی متأسفانه مسلمانان با داشتن ده‌ها فرمان به سیر و سفر، به هجرت و تبلیغ، به فراگیری علوم از شرق و غرب، از گهواره تا گور و از زمین تا ثریا در خواب غفلت فرو رفته‌اند. فراموش نکنیم که حضرت علی علیه السلام در روزهای آخر عمر مبارکشانشان با ناله می‌فرمود، مبادا دیگران در عمل به اسلام از شما جلو بیفتند.

اگر ما امروز با پرداخت حق الهی دل افراد ضعیف را جذب کنیم، تمام توطئه‌ها و تبلیغات و تهاجمات دشمن را خنثی خواهیم کرد.

پنجم: «فی الرقاب» آزادی بردگان

سهمی از زکات برای آزادسازی بردگان است. در طول تاریخ، درگیری، جنگ، قتل و اسارت وجود داشته و آنچه مهم است بررسی سرچشمه‌ها، هدف‌ها و نتایج این نزاع‌ها است. اسلام انگیزه جنگ ابتدایی و جهاد را رفع فتنه و دفع موانع برای دعوت مردم به حق می‌داند و برای همه امور جنگ و از جمله اسیران، برنامه‌ها و آداب بسیار عالی و حکیمانه دارد.

بردگان معمولاً کسانی هستند که در جبهه جنگ با مسلمانان، اسیر شده‌اند که در باره آنان چند طرح را می‌توان تصور کرد:

۱- تمام اسیران را یکجا بکشیم که این کار با عاطفه و عقل و رأفت سازگار نیست.

۲- تمام آنان را یکجا آزاد کنیم. این عمل سبب می‌شود که آنان دوباره تجدید قوا کنند و به جنگ ما بیایند.

۳- آنان را در اردوگاه‌ها نگهداری کنیم. این کار سبب تحمّل هزینه زیاد و باری بر دوش جامعه اسلامی است.

۴- اسرا را در میان مسلمین تقسیم کنیم و پس از مدتی به تدریج آزاد نمائیم که این طرح اسلام و دارای امتیازاتی است. از جمله:

الف: در این طرح هزینه اسرا در میان مسلمین تقسیم می‌شود و فشاری بر نظام وارد نمی‌گردد.
ب: اسرا در میان توده امت اسلامی با برنامه‌های اسلام آشنا می‌شوند و بسیاری از آنان دست از کفر و شرک برمی‌دارند. در تاریخ نام بسیاری از بردگان مسلمان شده که منشأ آثار و برکات و به دست گرفتن مسئولیت‌های حساس شده‌اند، آمده است تا آنجا که مادر شش امام معصوم ما، از کنیزان بوده‌اند و فرزندان بسیاری از بردگان در زمره نوابغ قرار گرفته‌اند.

لذا کفّاره روزه خوردن و یا بسیاری اعمال ناروای دیگر، آزاد کردن بردگان قرار داده شده سهمی از زکات نیز برای خرید بردگان و آزاد کردن آنان اختصاص داده شده است.

ششم: «الغارمین» بدهکاران

سهمی از زکات برای بدهکارانی است که توان پرداخت بدهی خود را ندارند. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «ایما مؤمن او مسلم مات و ترک ذنباً لم یکن فی فساد و لا اسراف فعلی الامام ان یقضه فان لم یقضه فعلیه اثم ذلک» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۵۹).

بر امام و حاکم اسلامی است که بدهی کسانی را که بدهکارند و بدهی آنان به خاطر اسراف و فساد نیست، از سهم زکات پرداخت نماید و در غیر این صورت گناهکار است.

چه بسیاری افراد آبرومندی که به خاطر بدهی، گرفتار وام‌های با بهره (ربا) می‌شوند و هر روز بدهی آنان اضافه می‌گردد و به تدریج ورشکست شده و به فروش خانه و مغازه و ماشین خود مجبور می‌شوند و آبروی چندین ساله آنان یکجا فرو می‌ریزد و فرزندانشان تحقیر می‌شوند. اگر هر يك از احکام الهی درست عمل شود، مشکلات جامعه حل می‌شود. خدای علیم و حکیم، از علم و حکمت بی‌نهایت خود دستور داد تا بخشی از سهم زکات صرف پرداخت بدهی بدهکاران شود. بدهکاری که امروز گیرنده زکات است، همچون پیچ و مهره زنگ زده‌ای است که اگر کمی روغن به آن برسد، دوباره به حرکت درمی‌آید و فعالیت‌های اقتصادی خود را از سر گرفته و چه بسا در فاصله کمی، خودش هم از زکات‌دهندگان شود.

هفتم: «فی سبیل الله» در راه خدا

یکی از مصارف زکات، کارهای عامّ المنفعة است که رنگ الهی داشته باشد، یعنی خداپسندانه و به مصلحت عموم مردم باشد. همچون ساخت مدارس، مساجد، مسکن برای محرومان، درمانگاه، پل و یا کمک به ازدواج جوانان، کمک به زلزله‌زده‌ها، جنگ‌زده‌ها، یا کمک به کتابخانه‌ها، تبلیغات اسلامی، تعظیم شعائر اسلامی، اصلاح و آشتی میان مسلمین، ایجاد اشتغال برای بیکاران، آموزش حرفه و فن برای کسانی که تخصص ندارند و ده‌ها نمونه دیگر. (تحریر الوسيله، امام خمینی (با اضافات)).

یکی از امتیازات دین اسلام آن است که هرگز بن‌بست ندارد و در کنار کارهای مشخص و رسمی، انواع کارهای داوطلبانه و آزاد را نیز قرار داده است:

اگر هفده رکعت نماز واجب و رسمی داریم، بیش از سیصد نوع نماز مستحبی داوطلبانه داریم. اگر سفر حج در ایام مخصوص است، سفر عمره در هر ماه جایز است.

اگر خواندن سوره حمد در نماز واجب است، بعد از آن خواندن بیش از صد سوره دیگر آزاد است. اگر روزه در ماه رمضان رسمی است، در تمام ایام سال (غیر از عید فطر و قربان) روزه گرفتن داوطلبانه و اختیاری است.

اگر خمس و زکات به مقدار معینی واجب شده است، پرداخت انواع صدقات و انفاقات بستگی به اراده پرداخت‌کننده و شرائط دیگر دارد.

اگر در مصرف زکات نامی از بدهکاران، بردگان، فقرا و کارگزاران زکات آمده است، مورد «فی سبیل اللّٰه» دست را باز گذاشته است که هر کار خدایسندانه دیگر را نیز می‌توان انجام داد. ممکن است در زمانی کار خدایسندانه ساختن آب‌انبار باشد و در زمان دیگر لوله‌کشی آب. اگر در زمانی چاپ کتاب راه خداست، ممکن است در شرایط و زمان دیگر کار خدایسندانه امر دیگری باشد. بنابراین عبارت «فی سبیل اللّٰه» هر کار خیری را دربرمی‌گیرد.

هشتم: «ابن السّییل» در راه مانده

«ابن السّییل» یعنی فرزند راه، یعنی کسی که در وطن خود فقیر نیست، ولی در سفر به مناطق دیگر به خاطر تصادف، دزدی، بیماری، گرانی و یا هر امر دیگر نیاز به کمک دارد که اگر مورد حمایت قرار نگیرد، جان یا آبروی او در معرض خطر قرار می‌گیرد و نیاز مالی از يك سو و احساس غربت از سوی دیگر، فشار روحی و روانی خاصی بر او وارد می‌کند. مکتب زنده اسلام که در تمام برنامه‌هایش به مسأله جان و مال و آبرو و شخصیت افراد توجه خاصی دارد، در اینجا نیز با اختصاص سهمی از زکات، هم آبرویشان را حفظ می‌کند و هم دغدغه آنان را برطرف می‌نماید.

آیا مصرف زکات تنها در هشت مورد ذکر شده است؟

در آیه ۵۸ سوره توبه، منافقان پیامبر عزیز را در مورد نحوه مصرف زکات سرزنش کرده و می‌گفتند: چرا زکات جمع‌آوری شده را فقط در موارد خاص مصرف می‌کند. خداوند می‌فرماید: انتقاد و کنایه آنان بر اساس منافع شخصی است، اگر مقداری از زکات به آنان داده شود راضی می‌گردند و اگر داده نشود، عصبانی می‌شوند. «و منهم من یلمزک فی الصدقات فان أعطوا منها رضوا و ان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون»

و در آیه بعد می‌فرماید: اگر این منافقان (به جای انتقاد و انتقام)، به آنچه خدا و رسول به آنان عطا کرده بود، راضی بودند و می‌گفتند خداوند ما را کفایت می‌کند، و در آینده خدا و رسول از فضلش به ما لطف خواهند کرد، برایشان بهتر بود.

سپس آیه ۶۰، با صراحت و قاطعیت مصرف زکات را در هشت مورد منحصر کرده است. ما این آیه را به صورت يك تقسیم ریاضی ترسیم می‌کنیم که جمله صدقات، مقسوم و هشت مورد مصرف، مقسوم علیه باشد و اینک باید شاهد خارج قسمت باشیم که بیانگر چهره نظام اسلامی است.

آری، اگر نظام اسلامی مقداری از اموال اغنیا و پردرآمدها را بگیرد و در مصارف هشت‌گانه‌ای که ذکر شده است مصرف کند، جامعه اسلامی به جامعه‌ای تبدیل می‌شود که در آن زندگی فقرا تأمین شده است، دل‌ها جذب و نیروهای اسیر آزاد شده‌اند، مهره‌های ورشکسته اقتصادی به حرکت درآمده، انواع کارهای عامّ المنفعة و خدایسندانه صورت گرفته و گرفتاران و درراه‌ماندگان نجات یافته‌اند.

در جمله پایانی آیه به دو نکته مهم اشاره می‌شود: یکی این که تقسیم زکات بر هشت گروه از طرف خداوند واجب شده است: «فريضةً من الله» و دیگر جایی برای چانه زدن نیست. دوم اینکه سرچشمه این قانون و این نحوه تقسیم، علم و حکمت الهی است: (و الله علیم حکیم) آری، اگر مبنای قانون، اطلاعات محدود بشری، خواسته‌ها، یافته‌ها، بافته‌ها، عادات و رسوم، شرایط سیاسی و اجتماعی، قبیله‌ای و قومی باشد، جای تردید و اظهارنظر هست که چرا زکات در هشت مورد مصرف شود ولی قانونی که برخاسته از علم و حکمت بی‌نهایت الهی است و مطابق با عقل و فطرت و نیازهای واقعی بشر در تمام عصرها و نسل‌هاست، باید با عشق پذیرفته شود و همان‌گونه که در انجام دستورات پزشک متخصص چون و چرا نمی‌کنیم، باید در انجام فرامین الهی نیز تسلیم باشیم.

اگر گفته شود نیازهای افراد یا جوامع در شرایط مختلف تفاوت دارد، پس آیا بهتر نبود مصرف زکات را خود ما تعیین می‌کردیم؟

در پاسخ می‌گوییم:

در آیه‌ای که مصارف هشت‌گانه زکات مطرح شده است، عبارت «فی سبیل الله» به کار رفته که معنای آن این است که زکات را می‌توان در راه خدا مصرف کرد و راه خدا در هر زمان می‌تواند مصداق و جلوه‌ای داشته باشد. گاهی مصداق راه خدا، تأمین امکانات ازدواج برای افراد بی‌همسر است و گاهی ایجاد شغل برای افراد بیکار، گاهی هم فراهم کردن زمینه برای تحصیل افراد متعهد. بنابراین تأمین نیازهای واقعی فرد و جامعه از هر نوع که باشد، مصداق «فی سبیل الله» به حساب می‌آید.

آیا زکات باید به هشت قسمت مساوی تقسیم شود؟

در آیه شصت سوره توبه برای زکات هشت مصرف نام برده شده که عبارتند از: فقرا، مساکین، دست‌اندرکاران دریافت زکات، هزینه جذب دل‌ها، خرید و آزاد کردن بردگان، کمک به بدهکاران، هزینه کردن در کارهای خدایپسندانه و عام‌المنفعه، کمک به مسافرانی که در راه به مشکلات برمی‌خورند.

در اینجا سؤالی مطرح است و آن اینکه آیا باید زکات در این موارد یکسان هزینه شود؟

پاسخ را از امام صادق علیه السلام می‌شنویم: امام از شخصی به نام عمرو بن عبید می‌پرسد: زکات مال خود را چگونه تقسیم می‌کنی؟ گفت: به هشت جزء مساوی. امام فرمود: ممکن است تعداد يك صنف (مثلاً فقرا) ده هزار نفر، ولی تعداد صنف دیگر چند نفری بیشتر نباشد. گفت: بله، ولی تقسیم من یکسان است. امام فرمود: این عمل تو خلاف راه و روش پیامبر است. پیامبر

اسلام صلی الله علیه وآله در تقسیم زکات، مصلحت‌اندیشی می‌فرمودند. (تفسیر کنزالدقائق، ج ۵،

آری، زکات از بودجه‌های حکومت است و باید دست حاکم اسلامی در نحوه مصرف آن باز باشد.

چرا در جامعه فقیر وجود دارد؟

فقر انواعی دارد: گاهی به خاطر تن‌پروری است. گاهی به دلیل نادانی است. گاهی به جهت حقارت و خودکم‌بینی است. گاهی به طور طبیعی است. گاهی هم انتخابی است. آنجا که ریشه فقر، تن‌پروری، جهل، حقارت، استعمار و استثمار باشد، اسلام به شدت از آن انتقاد کرده است، ولی در جایی که فقر انتخابی باشد، یعنی انسان زندگی ساده و زاهدانه‌ای را انتخاب می‌کند تا گرفتار ثروت‌اندوزی، جمع مال، حفظ مال، بخل و حرص نشود، در نظر اسلام این فقر ارزش است.

آنچه مربوط به بحث زکات می‌شود، فقر طبیعی است. یعنی فرد، تمام تلاش خود را کرده است، اما به دلایل مختلف درآمد او کفاف زندگی را نمی‌دهد و یا اصولاً امکان کار و تلاش ندارد، از کار افتاده است و یا سرپرست خانواده در اثر سانحه یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته و خانواده‌اش درآمدی ندارند. این فقر بر اساس تن‌پروری، جهل، حقارت، استعمار و استثمار نیست. اینجا يك آزمایش الهی برای فقیر و غنی است که فقیر چه مقدار صبر می‌کند و غنی چه مقدار بذل می‌کند. اسلام برای حلّ این نوع فقر دستوراتی از قبیل پرداخت خمس، زکات، انفاق، صدقه و... داده است. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید که نظام دینی، ابتدا جامعه را به دو قطب فقیر و غنی تقسیم کرده و سپس سفارش به انفاق و خمس و زکات می‌نماید، بلکه این امری طبیعی است که بر اساس تفاوت استعدادها، ابتکارات و گاهی مقدرات حکیمانه الهی جامعه به دو گروه تقسیم می‌شود، ولی این تفاوت‌ها با دستورات واجب یا مستحب جبران می‌شود.

به چه کسانی نباید زکات بدهیم؟

در این بحث با توجه به روایات، کسانی که حق گرفتن زکات ندارند، معین شده‌اند، از جمله:
۱- کسانی که می‌توانند بدون مشقت حرفه‌ای بیاموزند و از طریق آن امرار معاش کنند. (تحریر الوسيله، امام خمینی(ره)).
امام باقر علیه السلام فرمود: «ان الصدقة لاتحلّ... لذی مرّة سوي قوی» (وافی، ج ۶، ص ۱۷۴).
افراد تندرست و قوی، نباید زکات بگیرند و نباید به آنها زکات داد.
آری، در جامعه افرادی با این که قدرت بر کار کردن دارند، به خاطر تن‌پروری خود را مشمول زکات می‌پندارند.

۲- به کسی که شارب خمر است، زکات ندهید. (وافی، ج ۶، ص ۱۹۲).

۳- به کسانی که سرسختانه و با علم و آگاهی با مسلمین عناد می‌ورزند و نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام کینه و لجاجت دارند، زکات ندهید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۰).

۴- در روایت می‌خوانیم: به افراد ناصبی نیز زکات ندهید، مگر آن که از زبان او بترسید و از طریق زکات بتوانید دین و آبروی خود را حفظ کنید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۹.) (و همچنین ناهلانی که از طریق شعر و تهمت و امثال آن آبروی دیگران را مخدوش می‌کنند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۰).

۵ - امام رضا علیه السلام فرمود: به کسانی که انحراف آنان نسبت به اهل بیت روشن و شناخته شده است، زکات ندهید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۷).

۶- به کسانی که تحت سرپرستی و واجب النفقه فرد هستند، زکات نمی‌رسد. «و کلّ من هو فی نفقتك فلا تعطه» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۶۷).

۷- به افراد غنی، زکات پرداخت نمی‌شود. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۶۰).

۸ - به صاحبان حرفه زکات نمی‌رسد. (وافی، ج ۶، ص ۱۷۴).

۹- به کسانی که انحراف عقیده دارند، مثلاً واقفیه و هفت امامی هستند، زکات پرداخت نمی‌شود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۷ - ۲۷۹).

البته پرداخت کمی از زکات به گروهی که در راه حق نیستند ولی با حق هم لجاجتی ندارند، بلامانع است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۰).

برای کمک به فقرا، آداب فراوانی ذکر شده است که مراعات آنها ارزش کار را بالا می‌برد، از جمله:
ادب روحی و روانی

پرداخت زکات باید برخاسته از رضایت قلبی و طیب خاطر باشد. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من اعطى زكاة ماله طيبة بها نفسه اعطاه الله بكل حبةٍ منها قصرًا فى الجنة من ذهب...» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲).

هر کس زکات مال خود را عاشقانه بدهد در برابر هر دانه گندم و جوی که می‌پردازد، قصری در بهشت دریافت می‌کند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر پرداخت زکات با رضایت قلبی همراه نباشد، فرد گرفتار پشیمانی و از دست دادن پاداش عمل خواهد شد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۴).

نکته دیگر این که زکات‌دهنده توجّه داشته باشد که هر چه دارد از خداوند است و پرداخت زکات، او را به خودپسندی و غرور که سبب نابودی عمل است نکشاند. قرآن درباره آبادکنندگان مساجد که اهل نماز و زکاتند، می‌فرماید: «فَعَسَىٰ أَوْلَئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (سوره توبه، آیه ۱۸). امید است که از هدایت شدگان باشند. آری، گاهی عبادات انسان، به خاطر غرور و عجب نابود می‌شود و انسان را به کمال مطلوب نمی‌رساند.

ادب اجتماعی

گرچه در ظاهر، زکات به شخص فقیر پرداخت می‌شود، ولی در حقیقت این خداوند است که زکات را دریافت می‌کند. «يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ» (سوره توبه، آیه ۱۰۴).

پیامبر و امام و فقیر، نماینده و دست خدا هستند و لذا باید کمال احترام به آنان گذاشته شود. امام صادق علیه السلام از یکی از یاران خود پرسید: زکات مال خودت را چه می‌کنی؟ گفت: فقرا نزد من می‌آیند و به آنها پرداخت می‌کنم. امام فرمود: این کار تو سبب ذلّت فقرا است و هر کس دوست خدا را ذلیل کند، گویا در کمین جنگ با او نشسته است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۵۱). آری به جای آنکه فقرا برای دریافت زکات به در خانه تو آیند، تو باید زکات را به منزل آنان ببری. در حدیث دیگر می‌خوانیم: اگر گیرنده زکات از این که بفهمد آنچه به او می‌دهید زکات است، رنج می‌برد، زکات را به او بدهید ولی نگویید که این زکات است و مؤمن فقیر را ذلیل نکنید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۵۱).

در حدیث دیگر می‌خوانیم: اگر شخصی احساس کند که بهتر است به جای پرداخت پول به فقرا، برای آنان لباس و جنس دیگری خریداری کند، می‌تواند به جای پرداخت نقدی، لباس و جنس برای

فقرا خریداری کند. «... اشتری لهم ثيابا و طعاما و ادی انّ ذلك خیر لهم لا بأس» (وسائل، ج ۶، ص ۱۱۵).

اسلام برای حفظ آبروی فقیر می‌فرماید: «لا یعطى احدٌ اقلّ من خمسة دراهم» (بحار، ج ۹۶، ص ۷۹).

کمتر از پنج درهم به او ندهید.

امام خمینی قدس سره می‌فرماید: اگر شخصی از گرفتن زکات شرمنده می‌شود، مستحب است هنگام پرداخت در قلب نیت زکات کنید، ولی در عمل آن را به عنوان هدیه پرداخت نمایید. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹۱).

نه تنها هنگام پرداخت زکات باید آبروی مردم را مراعات کرد، بلکه بعد از آن نیز نباید با منت گذاشتن، گیرنده زکات تحقیر شود، چنانکه قرآن می‌فرماید: «لاتبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی» (سوره بقره، آیه ۲۶۴).

منت و آزار، سبب بطلان پاداش می‌شود.

اگر بدانیم که فقیر مأمور الهی است تا مال ما را پاک کند و آن را برای قیامت حمل کند، با او برخورد کریمانه‌ای خواهیم داشت.

در اسلام احترام گذاشتن به فقرا به قدری مهم است که در تاریخ می‌خوانیم: جنس کمی را نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آوردند. حضرت آن مقدار کم را به بعضی از فقرا داد، ولی نگران شد که مبادا در دل دیگر فقرا کدورتی ایجاد شود. نزد سایر فقرا آمد و رسماً عذرخواهی کرد که چون مال کم بود به همه نرسید و فرمود: به کسانی دادم که حساسیت آنان بیشتر بود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۱۲).

ادب زمانی

رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: از اخلاق مؤمنین، سرعت در پرداخت زکات است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۹).

سرعت در پرداخت زکات برکاتی دارد از جمله:

الف: نشانه عشق و علاقه نسبت به انجام تکالیف الهی است.

ب: فقیر در اثر تأخیر پرداخت، آبروی خود را با سؤال و درخواست نمی‌ریزد.

ج: راه را به روی وسوسه‌های شیطان و افراد بخیل یا پیش‌آمد حوادثی که ممکن است مانع پرداخت شوند، می‌بندد.

د: فقرا از اضطراب و دغدغه و دلهره، زودتر نجات می‌یابند.

امام صادق علیه السلام به مناسبت آیه «وَأَتُوا حَقَّ يَوْمِ حَصَادِهِ» (سوره انعام، آیه ۱۴۱). فرمود: قبل از آنکه محصول خود را به خانه ببرید، زکاتش را بدهید که به سخاوت نزدیک‌تر است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۹۵).

پرداخت علنی

نکته دیگر در آداب پرداخت زکات آن است که علاوه بر کمک‌های مخفیانه‌ای که نشانه اخلاص و حفظ آبروی گیرندگان است، باید گاهی از اوقات پرداخت‌ها آشکار باشد تا هم دیگران تشویق شده و کمک کردن به دیگران جزء فرهنگ جامعه شود و هم انسان به بخل و بی‌تفاوتی متهم نشود. امام صادق علیه السلام فرمود: «كَلِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَاعْلَانِهِ أَفْضَلُ مِنْ إِسْرَارِهِ» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴۰).

هر چه را خداوند واجب نموده است، علنی انجام دهید.

بوسیدن دست

حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِذَا نَاولْتُمُ السَّائِلَ فَلْيُرِدَّ الَّذِي نَواهُ يَدُهُ إِلَى فِيهِ فَيُقْبَلْهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَأْخُذُ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِهِ» (محجة البيضاء، ج ۱۲، ص ۹۳).

هر گاه با دست خود به فقیری کمک کردید، همان دست را ببوسید چون در حقیقت خداوند کمک شما را دریافت کرده است.

درخواست دعا از گیرنده

در روایات می‌خوانیم که دعای فقیر در حق کسی که به او کمک می‌کند مستجاب می‌شود، لذا از فقیر تقاضا کنید تا در حق شما دعا کند. (زکات در اندیشه‌ها، ص ۲۲).

پرداخت در مسجد

هنگامی که یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله اموالشان به مقدار نصاب می‌رسید، زکاتشان را به مسجد می‌آوردند و حضرت در همان مکان زکات جمع شده را میان فقرا تقسیم می‌فرمودند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۸۶).

دوری از گناه

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: هر کس زکات مال خود را به مستحق بدهد و نماز را با شرایط و حدود معین شده انجام دهد و بعد از نماز و زکات گناهی که سبب بطلان عملش شود انجام ندهد، در روز قیامت همه به او غبطه می‌خورند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳).

پرداخت از حلال

خداوند پاک و طیب است و جز مال پاک را نمی‌پذیرد. (محرّج البیضاء، ج ۳، ص ۸۹).

گروهی قبل از اسلام آوردن درآمدهای ناحقی داشتند، هنگامی که اسلام آوردند خواستند آن اموال نامشروع را صدقه بدهند که پیامبر اجازه نفرمود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۴).

امام حسین علیه السلام فرمود: صدقه دل‌پسند صدقه‌ای است که انسان با عرق پیشانی و غبار صورت آن را به دست آورد و به فقرا بپردازد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۶).

پرداخت از مال مرغوب

قرآن می‌فرماید: «لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا مما تحبون» (سوره آل‌عمران، آیه ۹۲).
به نیکی نمی‌رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، در راه خدا انفاق کنید.
قرآن از مشرکانی که در تقسیم مال خود بخش‌های ناپسند را سهم خداوند قرار می‌دادند، انتقاد می‌فرماید. «یجعلون لله ما یکرهون» (سوره نحل، آیه ۶۲).

آری این عمل يك نوع بی‌ادبی نسبت به مقام پروردگار است. (محرّج البیضاء، ج ۲، ص ۸۹).

قرآن می‌فرماید: «انفقوا من طیّبات ما کسبتم و ممّا اخرجنا لکم من الأرض و لاتیّموا الخبیث منه»
(سوره بقره، آیه ۲۶۷).

از اجناس دل‌پسندی که به دست آورده‌اید و یا ما برای شما از زمین بیرون آورده‌ایم، به دیگران انفاق کنید و هرگز به فکر انفاق از مال نامرغوب نباشید.
بر اساس روایات، در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله گروهی بدترین نوع خرما (خرمایی بود که هسته آن بزرگ ولی گوشت آن کم بود. (را به فقرا می‌دادند و قرآن با جمله «و لا تیمّموا الخبیث منه» آنان را از این عمل بازداشت. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۴).

برداشت محصول در برابر چشم مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: محصولات کشاورزی خود را شبانه برداشت نکنید، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «وأتوا حقه يوم حصاده» (سوره انعام، آیه ۱۴۱).
یعنی حق محرومان را در روز برداشت بدهید و فرمود: اگر شما محصول خود را شبانه برداشت کنید، فقرا اطلاع پیدا نمی‌کنند و گرسنه می‌مانند و شما از برکات پرداخت زکات محروم می‌مانید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۹۶).

چگونگی پرداخت زکات

آیا بهتر است زکات را مردم با دست خود و مستقیماً به فقرا بدهند یا از طریق حکومت اسلامی و حاکم پرداخت شود؟
شاید از آیات و روایات بتوان استفاده کرد که اصل و قانون آن است که زکات از طریق حاکم اسلامی جمع‌آوری و تقسیم شود زیرا:

۱- خداوند پیامبرش را مأمور گرفتن زکات کرده است، «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (سوره توبه، آیه ۱۰۳).

اگر گرفتن رسول خدا واجب است، پس پرداخت مردم به پیامبر نیز واجب می‌باشد.
در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «أمرتُ أن اخذ الصدقة من اغنياءكم قاردها في فقراءكم» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۳۹).
من مأمورم که از اغنیاء زکات بگیرم و به فقرا بدهم. پس از پیامبر اسلام نیز امامان معصوم علیهم السلام مسئول این بوده‌اند.

شخصی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که زکات فطره برای کیست؟ حضرت فرمود:
برای امام است، گفتم این خبر را نقل کنم؟ فرمود: بله (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۰۳).

۲- پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برای زکات، کارگزارانی تعیین کرده بود که در قرآن از آنان به نام عاملین یاد شده است، این افراد از طرف حضرت مسئول جمع‌آوری زکات بودند. (وسائل، ج ۶، ص ۳).

از جمله: شخصی به نام رافع را به سوی قبیله جهینه، بسر را به سوی قبیله بنی کعب، ولید بن عقبه را به سوی قبیله بنی المصطلق و مردی از بنی سعد را به سوی قبیله بنی سعد فرستاد. (برگرفته از مغازی ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۷۴۰).

۳- حضرت علی علیه السلام نیز افرادی را برای جمع‌آوری زکات می‌فرستاد و در نهج البلاغه حدود ۲۰ دستور برای شیوه برخورد آنان با مردم بیان شده است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۱).

۴- در قرآن می‌خوانیم: بعضی از منافقان به نحوه تقسیم زکات پیامبر صلی الله علیه وآله اعتراض می‌کردند و نیش می‌زدند، اگر جمع‌آوری و تقسیم زکات مربوط به پیامبر نبود، دلیلی برای تحمل این همه نیش نبود. بگذریم که قرآن می‌فرماید: «و منهم من یلمزک فی الصدقات فان أعطوا منها رضوا» (سوره توبه، آیه ۵۸).

«انتقاد و سرزنش این منافقان برخاسته از عقده و منافع شخصی آنهاست و هرگاه کمی از زکات به آنها داده شود، دیگر انتقاد نمی‌کنند».

۵ - سهمی از زکات برای جذب دلها اختصاص داده شده است. «مؤلفه قلوبهم» رسول خدا صلی الله علیه وآله برای جذب رؤسای قبائل چیزهایی به آنها می‌داد و شکی نیست که رئیس قبیله جذب افراد عادی نمی‌شود، ولی جذب رئیس حکومت می‌شود. پس باید زکات نزد حاکم اسلامی جمع‌آوری و با نظارت او تقسیم شود تا بتوان افرادی را به اسلام جذب نمود.

۶- در روایات برای حاکم اسلامی وظایفی تعیین شده است، از جمله اینکه بدهی بدهکاران را بپردازد. «فعلی الامام ان یعطیه» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۵۹).

و در بعضی روایات می‌خوانیم که حاکم باید بخشش‌هایی داشته باشد. «فعلی الامام أن یعطیهم» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۶۵).

بنابراین مکتبی که برای امام و حاکم اسلامی هزینه تعیین می‌کند باید منبع درآمد هم معین نماید. پس زکات باید در دست حاکم اسلامی باشد.

۷- در روایات می‌خوانیم: پنهان کردن زکات از امام، نشانه نفاق است. (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۲۲).

اگر پنهان کردن زکات نشانه نفاق است، پس باید زکات نزد امام المسلمین جمع‌آوری و توسط او تقسیم شود.

۸ - در صدر اسلام افرادی کارشناس و متخصص در تخمین مبلغ زکات بودند و از طرف رسول خدا صلی الله علیه وآله و حضرت علی علیه السلام به مناطق اعزام می‌شدند. اگر پرداخت زکات از وظائف فردی باشد و از وظائف رسمی نظام اسلامی نباشد، نیازی به فرستادن گروه تخمین و ارزیابی از طرف حکومت نبود.

۹- حضرت علی علیه السلام به مخنف بن قیس که مسئول زکات بود، فرمود: «لیس له ان یزل بلادنا و یؤدی صدقة ماله الی عدونا...» هر کس از پیروان ما که زکات مال خود را به کارگزاران شام پرداخت کند، درست نیست، زیرا نیروی سواره و پیاده ما از او حمایت کرده است و سزاوار نیست که افرادی از خدمات ما بهره‌مند شوند، ولی زکات اموالشان را به دشمنان ما بدهند. (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۰۷).

از این حدیث معلوم می‌شود که زکات بودجه حکومت است و باید به حاکم داده شود تا امنیت منطقه را با تدبیر، تأمین کند.

۱۰- حضرت علی علیه السلام در نامه‌های ۲۵، ۲۶ و ۶۷ به مسئول زکات سفارشات می‌کند که نشان می‌دهد باید اختیار زکات به دست حاکم اسلامی باشد، نمونه آن، این که می‌فرماید: زکات را به حاکم اسلامی برسانند تا او تقسیم نماید. زکات را فوری نزد ما آورید، تا بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبرش تقسیم کنیم. حضرت علی علیه السلام به مأمور خود می‌گوید: «ارسلنی الیکم ولیّ اللّٰه و خلیفته حتّٰی أخذ منکم حق اللّٰه فی اموالکم. فهل فی اموالکم من حق فتؤدّوه الی ولیّہ» (نهج البلاغه، نامه ۲۵). به مردم بگو! ای بندگان خدا، ولیّ خدا مرا نزد شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست بگیرم، پس آیا برای خداوند در اموال شما حقی هست تا آن را به ولی خدا برسانم؟ به همین دلیل ابوبکر با گروهی که زکات نمی‌دادند برخورد نظامی کرد و در تاریخ نام آن گروه به اصحاب رده معروف شده است.

۱۱- دلیل پرداخت زکات حل مشکلات فقر است و اگر قدرت حکومت نباشد، بسیاری از مردم زکات نمی‌دهند و فقرا در فقر می‌سوزند. بنابراین باید حاکم اسلامی در مسأله زکات نقش فعال و قهار داشته باشد.

۱۲- اگر قرار باشد هر کس با دست خود زکات مال خود را به افراد مستحق بدهد و نظارت حاکم اسلامی در کار نباشد، افراد زیادی سوء استفاده کرده و از چند نفر زکات می‌گیرند.

۱۳- در تأمین زندگی فقرا از طریق حکومت، ذلت و خواری و تحقیر نیست. ولی اگر فقیر به طور مستقیم از دست افراد کم‌بگیرد، احساس حقارت می‌کند. بنابراین برای حفظ کرامت و آبرو و شخصیت فقرا باید زکات نزد حاکم عادل اسلامی جمع‌آوری و تقسیم شود.

۱۴- امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌نویسد: بهتر است که زکات را در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام به فقیه و حاکم اسلامی بدهند. زیرا او به محل مصرف آن آگاه‌تر است و اگر فقیه و حاکم اسلامی بنابر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات مال خود را به او بپردازند، پیروی از وی هر چند که از او تقلید نکنند، واجب است. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۳).

سؤال: با این همه دلائل، چرا گروهی از بزرگان فقها بر این عقیده‌اند که مردم خودشان زکات مالشان را پردازند؟

پاسخ: شاید دلیل این بزرگان حدیثی باشد که می‌فرماید: «اخرجها من مالك... ثم اعطها كيف شئت» (وسائل، ج ۶، ص ۲۱۳).

زکات را از مال خود خارج کن و هرگونه مصلحت می‌دانی خرج کن. البته ممکن است این روایات در زمان تقیه صادر شده باشد که دست امامان معصوم‌علیهم‌السلام در آن هنگام بسته بوده است و قدرتی برای جمع‌آوری زکات نداشتند و اگر اموالی را جمع‌آوری و تقسیم می‌کردند، کینه و حسادت حاکمان ستمگر را برمی‌انگیختند و برای طرفداران وفاداری که برای رساندن زکات به آن بزرگواران مراجعت می‌کردند، ایجاد زحمت می‌کردند. به همین دلیل امامان معصوم‌علیهم‌السلام برای حفظ جان طرفداران خود، دستور می‌دادند که هر کس زکات مالش را خودش بدهد و هر کس به شما زکات داد، بگیرد و هر کس نداد کاری به او نداشته باشید. ناگفته پیداست که اکثر مراجع تقلید (حفظهم‌الله) به پرداخت‌کنندگان، اجازه پرداخت زکات را می‌دهند.

مقدار دریافت زکات

امکانات نسبی مانع گرفتن زکات نیست، به چند حدیث توجه کنید:

شخصی به امام صادق علیه‌السلام گفت: فلانی منزلی دارد که چهار هزار درهم ارزش دارد، شتری دارد که هر روز دو تا چهار درهم علاوه بر هزینه علف سود دارد، به علاوه همسر و غلام دارد. امام فرمود: «فَتَأْمُرْنِي أَنْ أُمِرَ أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ وَ هِيَ عَزَّةٌ وَ مَسْقُطُ رَأْسِهِ أَوْ يَبِيعَ جَارِيَتَهُ الَّتِي نَقِيَّةُ الْحَرِّ وَ الْبُرْدِ وَ تَصُونُ وَجْهَهُ وَ وَجْهَ عِيَالِهِ أَوْ أُمِرَ أَنْ يَبِيعَ غَلَامَهُ وَ جَمَلَهُ وَ هِيَ مَعِيشَتُهُ وَ قَوْتُهُ؟ يَأْخُذُ الزَّكَاةَ فَهِيَ لَهُ حَلَالٌ وَ لَا يَبِيعُ دَارَهُ وَ لَا غَلَامَهُ وَ لَا جَمَلَهُ» (وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۲).

آیا از من می‌خواهی که او را وادار کنم منزلی که زادگاه و سبب عزت اوست یا غلام و شتری که وسیله زندگی اوست بفروشد؟! هرگز، او می‌تواند زکات بگیرد و لازم نیست خانه و شتر و غلامش را بفروشد.

به امام صادق علیه‌السلام گفتند: عیسی بن اعین به نیازمندی چنین گفت: چون دیدم که تو گوشت و خرما خریدی، پس فقیر نیستی و با اینکه زکات دارم به تو نمی‌دهم. هر چه فقیر عذر آورد که خرید گوشت و خرما دائمی نبوده است، بر عیسی بن اعین اثر نکرد. امام برای مدتی دست مبارکش را بر پیشانی گذاشتند سپس سر بلند کرده و فرمودند: خداوند عنایتی به اموال اغنیا و

سپس توجّهی به اموال فقرا فرمود، پس در اموال اغنیا سهمی که برای فقرا کافی باشد قرار داد. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: از سهم زکات تا صد درهم به فقیر بدهم؟ حضرت فرمود: بله.

پرسید: از سهم زکات تا دویست درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله

پرسید: از سهم زکات تا سیصد درهم بدهم؟ فرمود: بله

پرسید: از سهم زکات تا پانصد درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله آن قدر بده تا او را بی‌نیاز کنی. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰۶.

امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می‌فرماید که: «انّما هی لاقوام لیس لهم فی الامارة نصیب و لا فی العمارة حظّ و لا فی التّجارة مال و لا فی الاجارة معرفة و قدرة ففرض الله فی اموال الأغنیاء ما یقوتهم و یقوم یاودّهم» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۳۶.

زکات برای کسانی است که نه مقام حکومتی دارند و نه ساختمان‌ی و نه ثروت و تجارتی، و نه برای اجیر شدن آشنایی با حرفه‌ای دارند و نه توان بدنی برای کارهای ساده، پس خداوند در اموال اغنیا سهمی را برای این افراد واجب فرموده است، به مقداری که در زندگی فلج نباشند و بتوانند روی پای خود بایستند.

از امام پرسیدند: زندگی شخصی از طریق پدر یا عمو و یا برادرش در حدّ ساده تأمین می‌شود. آیا می‌تواند برای توسعه زندگی زکات بگیرد؟ امام فرمود: مانعی ندارد. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۵۴.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: برای ازدواج کردن می‌توان زکات گرفت. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

در حدیث دیگری آمده است که فقیر می‌تواند به قدری بگیرد که حتّی بتواند صدقه بدهد. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۵.

در بعضی روایات می‌خوانیم: فقیر می‌تواند زکات بگیرد و زندگی خود را تأمین نماید و حتّی اگر حج نرفته است، با آن به مکه نیز برود. (وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

البته باید توجّه داشت که رفتن به مکه در آن زمان از مدینه يك هزینه استثنائی به حساب نمی‌آمده است.

گیرندگان خمس و زکات و انفاقات نیز باید به نکاتی توجه نمایند:

۱- آنچه می‌گیرند در موارد ضروری صرف کنند.

۲- از پرداخت‌کننده تشکر و در حق او دعا کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لعن الله قاطعی سبیل المعروف فیکفره فیمنع صاحبه من ان یصنع ذلك الی غیره» (محجة البیضاء، ج ۲، ص ۹۱).

خدا لعنت کند کسی را که راه خیر را به روی دیگران می‌بندد. از کمک‌کنندگان تشکر نمی‌کند و آنان را با بی‌اعتنایی و کفران خود، از این که به دیگری کمک کنند، دلسرد می‌کند.

۳- نه پرداخت‌کننده را تحقیر کند و نه آنچه را می‌گیرد.

کسانی که مال اندک خود را خالصانه برای کمک به جبهه به رسول‌خداصلی الله علیه وآله می‌دادند، مورد تحقیر بعضی از افراد قرار می‌گرفتند و قرآن این تحقیر را به شدت نکوهش می‌کند. «الَّذین یلمزون المطّوعین من المؤمنین فی الصدقات و الَّذین لایجدون الاّ جُحدَهم فیسخرون منهم سَخِرَ اللهُ منهم و لهم عذاب الیم» (سوره توبه، آیه ۷۹).

۴- اموال شبهه‌ناک را نگیرد.

گاهی اوقات، افرادی برای اهداف نابجا اموالی را به نام هدیه، چشم‌روشنی، عیدی، سوغاتی و غیره به دیگران می‌دهند تا دل آنان را به سوی خود جذب کنند و بستر را برای رسیدن به اهداف خود آماده نمایند. جالب آنکه هیچ مقامی از تیررس و شکار این افراد مصون نیست. این قبیل افراد از بردن هدایایی در دل شب به در خانه حضرت علی علیه السلام نیز دریغ ندارند. (در نهج البلاغه با واژه «طارق» (کسی که شب پیدا می‌شود) از این قبیل افراد نام برده شده است.

۵ - بیش از نیاز خود نگیرد.

۶- ضمن تشکر از پرداخت‌کننده، خدا را سرچشمه لطف بداند و مردم را به عنوان واسطه فیض تلقی کند. (محجة البیضاء، ج ۲، ص ۹۰).

گیرندگانی که اولویت دارند:

والدین و بستگان

در قرآن می‌خوانیم: «قل ما انفقتم من خیر فللوالدین و الأقربین» (سوره بقره، آیه ۲۱۵).

هر چیزی که می‌دهید قبل از هر کس، والدین و بستگان خود را در نظر بگیرید.

حتّی اگر وصیّت می‌کنید، قبل از هر کس برای والدین و بستگان خود وصیّت کنید. «ان ترک خیراً الوصیة للوالدین و الاقریین» (سوره بقره، آیه ۱۸۰).

شعار اسلام این است که «لا صدقة و ذو رحم محتاج» (بحار، ج ۷۷، ص ۵۹).
، اگر بستگان محتاج باشند کمک شما به دیگران ارزش ندارد.
طرفدارن مکتب اهل بیت‌علیهم السلام
از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زکات حق کیست؟ فرمود: طرفداران ما. پرسیدند: اگر زیاد آمد، فرمود: به همان افراد اضافه بدهید و این سؤال را چند بار تکرار کردند، باز امام فرمود: به طرفداران مکتب اهل بیت‌علیهم السلام اضافه بدهید و سؤال را تکرار کردند. امام صادق علیه السلام با کلمه «لا و الله» فرمود: به غیر آنان ندهید، مگر در شرایط حسّاسی که نیاز به ترحم باشد که در این صورت به حدّ اقل اکتفا کنید. سپس امام برای بیان حدّ اقل، انگشت شصت خود را روی چهار انگشت گذاشتند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۷).

البته اکتفا به حدّ اقل در مواردی است که مخالفان در برابر اهل بیت، سرسختی کنند ولی اگر مخالفتشان بر اساس لجاجت نباشد و یا احتمال جذب و گرایش آنان به مکتب اهل بیت وجود داشته باشد، شاید بتوان از باب «مؤلفه قلوبهم» سهم چشم‌گیری از زکات به آنان پرداخت کرد. بنابراین جایگاه اصلی مصرف زکات، طرفداران مکتب اهل بیت هستند و مصرف زکات درباره غیر آنان باید در چهارچوب اصول و نظریه فقها عمل شود.

اهل ایمان و تقوی

در روایات می‌خوانیم، نسبت به مؤمنین تا ۱۰/۰۰۰ (درهم و دینار) بخشیده شود، ولی نسبت به ناهل و فاجر به مقدار حدّ اقل. زیرا مؤمن کمک را در راه اطاعت خدا و فاجر در راه معصیت خدا صرف می‌کند. «لأنّ المؤمن ینفقها فی طاعة الله عزّ و جلّ و الفاجر فی معصية الله عزّ و جلّ» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۶۶).

آری، کمک‌رسانی به افراد متّقی، گامی در توسعه خیر و برکت و صلاح است و کمک‌رسانی به ناهل، گامی در گسترش فساد و تباهی، و انسان باید به وسیله زکات علاوه بر سیر کردن گرسنگان، مکتب حق و راه صلاح را گسترش دهد.
کمک به اهل علم، توسعه فرهنگ است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چگونه مال خودم را به دیگران عطا کنم؟ فرمود: بر اساس فقه، عقل و سابقه هجرت. (وافی، ج ۱۰، ص ۲۰۲).

آبرومندان

قرآن می‌فرماید: «للفقراء الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضرباً في الأرض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس إحافاً» (سوره بقره، آیه ۲۷۳).
(انفاق شما) برای نیازمندی باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته‌اند (و حمایت آنان از آیین خدا آنها را از وطن خویش آواره ساخته و شرکت در میدان‌های جهاد به آنان اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارت بزنند)، نمی‌توانند مسافرتی کنند و از بس اهل صبر و حیا هستند، بی‌خبران آنها را بی‌نیاز می‌پندارند، اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی (که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارند) و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند.
بر همین مبنا در رساله مراجع تقلید می‌خوانیم: مستحب است در پرداخت زکات، کسانی را که اهل سؤال نیستند، بر اهل سؤال مقدم بدارید.

امام صادق علیه السلام فرمود: به فقرایی که در جامعه عزیزتر و دارای منش و جلوه‌ای هستند، گاو و گوسفند و شتر را (به قصد زکات) هدیه کنید، اما به فقرای معمولی درهم و دینار را به عنوان زکات بدهید.

از حضرتش پرسیدند: دلیل این تفاوت چیست؟ فرمود: در جامعه فقرایی هستند که زندگی خوبی داشته‌اند و از گرفتن صدقه خجالت می‌کشند. بنابراین باید در پرداخت، به زیباترین نوع با آنان برخورد شود. «يدفع اليهم اجمل الأمرين عند الناس». (وافی، ج ۱۰، ص ۲۰۵).

نکته مهم و قابل توجه اینجاست که امام با این که فرمود برای افراد با شخصیت گاو و شتر بفرستید، لکن در پایان حدیث، زیبایی کار را به مردم واگذار کرد: «اجمل الامرین عند الناس» زیرا ممکن است در شرایطی و در مناطقی هدیه کردن گاو و گوسفند سبک و اهدای طلا و نقره سنگین‌تر باشد.

بنابراین ملاک در پرداخت زکات، آن است که ما حالات و شرایط گیرنده را با شرایط حاکم بر جامعه و افکار عمومی در نظر بگیریم و هر کدام زیباتر است، همان راه‌دهنده کنیم.

فراموش نمی‌کنم که برای تبلیغ به روستایی رفتم. مردم آن‌جا شیر گاو گوسفند خود را در روز عاشورا در دیگ‌های بزرگی می‌ریختند و شیر روز عاشورا را هدیه امام جماعت و روحانی منطقه می‌کردند. سپس شیرها را ماست و پنیر کرده و بعد از عاشورا به جای پول به او می‌دادند. من که در آن زمان تازه داماد بودم و نیاز به پول داشتم، مجبور شدم طرف‌های پنیر را از روستا به شهر آورده و بفروشم و این خاطره تلخ را بعد از سی سال هنوز فراموش نکرده‌ام. اگر مردم آن منطقه که عاشق امام حسین علیه السلام و مخلص بودند و به قصد خدمت این عمل را انجام می‌دادند، به حدیث فوق توجه می‌کردند و آن نیت خالصانه با رفتاری همراه می‌گشت که گیرنده کمک به دردمند نیفتد، روحانی تازه داماد مجبور به پنیرفروشی نمی‌شد!

کسانی که نیاز بیشتری دارند
رسول خدا صلی الله علیه وآله عطاهاى خود را بر اساس نیاز افراد در نظر می‌گرفتند. «كان النبيّ يعطى العطاء على قدر عيله» (محجة البيضاء، ج ۲، ص ۹۲).

ثروتمندان دیروز

کسانی که در گذشته، خود اهل بذل و بخشش و پرداخت زکات بوده‌اند، ولی امروز محتاج زکات هستند، سزاوار است در اولویّت دریافت زکات قرار گیرند. (محجة البيضاء، ج ۲، ص ۹۱).

اهل منطقه

در روایات می‌خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات بادیه‌نشینان را به بادیه‌نشینان و زکات شهرنشینان را بین شهرنشینان تقسیم می‌فرمود. (بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۰).

امام صادق علیه السلام فرمود: نه صدقه مهاجرین برای اعراب حلال است و نه صدقه اعراب برای مهاجرین. (وافى، ج ۱۰، ص ۲۰۲).
البته این در صورتی است که در منطقه فقیر وجود داشته باشد، اما اگر در منطقه‌ای نیازمند نبود، انتقال زکات به غیر بلامانع است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۸۵).

شیوه دریافت زکات

حضرت علی علیه السلام در نامه بیست و پنجم نهج‌البلاغه دستوراتی به دست اندرکاران دریافت زکات می‌دهد که چون آن دستورات، امروز برای همه کسانی که از طرف دولت اسلامی برای انجام مأموریتی به سراغ مردم می‌روند مفید است، آن نامه را نقل و ترجمه می‌کنم:
۱- انگیزه تو برای گرفتن زکات، انجام فرمان خداوند یکتا باشد، نه امر دیگر. «انطلق على تقوى الله وحده...»

۲- هیچ مسلمانی را مترسان. (فکر نکن چون تو مأمور حکومت هستی باید مردم از تو حساب ببرند و تو متکبرانه و با زُست بر آنان وارد شوی). «لا تروّعَنَّ مسلماً»

۳- در صورت کراهت مردم، حق نداری وارد زمین و مزرعه و باغ آنان شوی. «لا تتجارتنَّ عليه كارهاً»

۴- بیش از حق خدا از آنان نگیر. «لا تأخذنَّ منه اكثر من حقِّ الله»

۵ - هر گاه بر قبیله‌ای وارد شدی، به منزل مردم نرو بلکه کنار چشمه آبی فرود آی. «انزل علی مائهم من غیر ان تخالط اییاتهم»

(مهمان شدن کارمندان آفاتی دارد، از جمله ممکن است به خاطر پذیرایی، قلب کارمند جذب صاحبخانه شود و در گرفتن حق خدا از او سهل‌انگاری کند و ممکن است مردم میزبان را واسطه قرار دهند تا کمتر بگیرد، یا ممکن است میزبان در قبیله خود افتخار و از میزبانی خود سوءاستفاده کند.)
۶- با آرامش و وقار بر مردم وارد شو. (بوق و کاروان و اسکورت و هیأت همراه لازم نیست). «ثم امض الیهم بالسکینه و الوقار»

۷- تو بر مردم وارد شو و بر آنان سلام کن، (نه انتظار سلام از مردم داشته باش و نه انتظار اینکه مردم گرد تو جمع شوند). «تقوم بینهم فتسلم علیهم»

۸ - از احترام به مردم فروگذار مکن. «و لا تخرج الا بالتحیة»

۹- در گرفتن زکات، خدا محوری را فراموش مکن و به مردم بگو: شما بنده خدا هستید، «عباد الله» و من فرستاده و مأمور خدا هستم «ارسلنی الیکم ولیّ الله» و سهمی که می‌دهید حق خداست. «لاخذ منکم حق الله»

۱۰- در گرفتن زکات از مردم پیش‌داوری نکن، بلکه از خود مردم سؤال کن که آیا در مال شما حق خدا هست یا نه؟ اگر هست، حق خدا را به ولی خدا بدهید. «فهل لله فی أموالکم من حق فتؤدوه الی ولیّه»

۱۱- به مردم اعتماد کن و اگر کسی گفت حق خدا در مال من نیست، گفتارش را بپذیر و دوباره به او مراجعه نکن. «فان قال لا، فلا تراجع»

۱۲- چون کسی که زکات می‌دهد به تو لطف می‌کند، «فان انعم لك منعم» همراه او حرکت کن (فانطلق معه) و در مسیر راه او را مترسان، تهدید مکن و سخت نگیر. «من غیر ان تخیفه او توعده او تعسفه او ترهقه»

۱۳- هر چه از طلا و نقره داد بگیر و چانه زن، «فخذ ما اعطاک» اگر شتر و گوسفند دارد چون سهم او بیش از سهم زکات است، بدون اجازه او وارد بر آنها مشو. «فان کان له ماشیة او ابل فلاتدخلها الا باذنه فان اکثرها له»

۱۴- هنگامی که وارد آغل شدی، سخت‌گیری نکن و صاحبش را مرنجان. «لاتدخل علیها دخول متسلط علیہ... و لاتسوءن صاحبها»

۱۵- حیوانات را رن نده و آرامش آنها را نگیر. «لاتنفرن بهیمة و لاتفرعنّها»

۱۶- در تمام مراحل حال مردم را مراعات کن. گله و دام را دو بخش کن. هر بخش را صاحبش اراده کرد، بردارد و شما بخش دیگر را انتخاب کن. بار دوم بخشی که سهم تو است به دو قسمت

تقسیم کن، باز هم هر قسمت را که او خواست بردارد آزاد است و این کار را آن قدر تکرار کن تا سهم زکات در آخرین تقسیم تو روشن شود.

۱۷- پشیمانی مردم را در انتخاب بخشی که برداشته است، بپذیر. «فان استقالک فاقله»

۱۸- حیوان پیر و از کار افتاده، دست و پا شکسته و عیب‌دار را مگیر. () () (از قطب راوندی نقل شده که ظاهر سخن امام این است که اول حیوانات معیوب و پیر را از گله جدا کن، بعد حیوانات سالم را دو بخش و هر بخش را باز به دو بخش تقسیم کن تا آنکه در آخرین بخش سهم زکات روشن شود.) «لاتأخذن عوداً و لا هَرَمَةً و لا مسکورة و لا مهلوسة و لا ذات عوار»

۱۹- سهم خدا را به کسی بسپار که به دین و دلسوزی او نسبت به مال مسلمین اطمینان داری. «لاتأمنن علیها الا من تثق بدینه رافقاً بمال المسلمین»

۲۰- سهمی که جمع‌آوری شده باید به دست ولی مسلمین برسد و او آن را میان فقرا تقسیم کند و کسی که حیوانات زکاتی نزد ما می‌آورد، باید شخصی مهربان و درستکار باشد، درشتی نکند، آنها را به سختی نراند و خسته نکند. «لاتوکل بها الا ناصحاً شفیقاً امیناً حفیظاً غیرمعنّف و لامجحف و ملعب و لا متعب»

۲۱- شتری که به عنوان زکات گرفته می‌شود از بچ‌اش جدا نشود. «لایحول بین ناقة و بین فصیلها»

۲۲- تمام شیر آن را ندوش و مقداری از شیر برای بچ‌اش در پستان باقی بگذار. «و لا یمصر لبنها فیضرّ ذلك بولدها»

۲۳- با سوار شدن بر حیواناتی که به عنوان زکات گرفته شده‌اند، آنها را خسته نکن. «لایجهدنّها رکوباً»

۲۴- در دوشیدن شیر و سوار شدن، عدالت را میان شتران مراعات کن. (مبادا يك شتر را يك ساعت سوار شوی و يك شتر را دو ساعت) «و ليعدل بین صواحباتها»

۲۵- اگر حیوانی در مسیر راه خسته شد، باید به او استراحت داد. «و لیرقّه علی اللاغب»، حیوانی را که پایش سائیده شده و حیوانی که به خاطر درد لنگان و کج می‌رود، با آرامش براند. «و لیستأن بالنقب و الطالع»، در مسیری که حیوانات زکاتی را می‌بری اگر به محل‌های آب رسیدی، آنها را وارد کن. «و لیوردها ما تمرّ من الغدر»، مسیر حیوانات را از جاده‌های سرسبز به مناطق بی‌گیاه تبدیل نکن. «و لایعدل بها عن نبت الأرض الی جواد الطریق»، به حیوانی که خسته شد استراحت ده. «و لیروحها فی الساعات»، و چون به آب و گیاه رسیدند به آنها مهلت بهره‌گیری ده. «و لیمهلها عند النطاف و الاعشاب».

همه این دستورات برای آن است که حیواناتی که سهم فقرا است فریه و پرمغز نزد ما جمع شود و ما آنها را طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله تقسیم کنیم، البته مراعات این دستورات در مأموریتی که داری پاداش تو را بزرگتر و رشد معنوی تو را ان شاء الله بیشتر می‌نماید. در این چند سطر نهج البلاغه، این همه دستور برای انجام يك مأموریت، نشان‌دهنده جامعیت و دقت و لطافت اسلام است.

راستی اگر همین يك نامه را برای اهل توحید بخوانیم، خدامحوری آن همه را جذب می‌کند. اگر برای حقوق‌دانان و کسانی که دم از بشردوستی می‌زنند بخوانیم، باید در برابر این نامه سجده کنند. اگر برای طرفداران حقوق حیوانات بخوانیم، از ادعاهای خود دست برمی‌دارند. زیرا در این نامه، هم خداوند محور همه چیز است و هم به مردم در عالی‌ترین سطح، احترام گذاشته شده است و هم حق حیوانات مراعات شده.

محوریت خدا در کلماتی از قبیل: تقوی الله، عباد الله، ولی الله، حق الله، کتاب الله، سنه رسول الله، امر الله، ان شاء الله، به چشم می‌خورد.

احترام به مردم در جملاتی از قبیل:

۱- نترساندن مردم. «لاترؤعن مسلما»

۲- عدم مزاحمت برای مردم در منزل و باغ و مزرعه. «من غیر ان تخالط ایباتهم»

۳- حضور در میان مردم. «تقوم بینهم»

۴- سلام بر مردم. «فتسلم علیهم»

۵- پرسش از مردم. «فهل لله فی اموالکم»

۶- اعتماد به مردم. «فان قال لا فلاتراجعه»

۷- نرمی با مردم. «من غیر ان تخیفه، توعده، تعسفه، ترهقه»

۸- آزار ندادن مردم. «لاتسوءن صاحبها»

۹- آزادی دادن به مردم. «ثم خیره»

۱۰- پذیرش عذر مردم. «فان استقالک فاقله»

۱۱- اجازه گرفتن از مردم. «لاتدخلها الا باذنه»

به چشم می‌خورد. در این نامه مراعات حقوق حیوانات در عالی‌ترین سطح مطرح است، حیوان را نترسان، تمام شیرش را مدوش، آن را از فرزندش جدا مکن، خسته مکن، به خسته‌ها رفاه بده، در جاده خشک حرکت مده، در بهره‌گیری عدالت داشته باش و امثال آن...

بعد از نگاهی گذرا که به نامه حضرت علی علیه السلام به کارگزاران و دست‌اندرکاران حکومت برای گرفتن زکات داشتیم، به چند حدیث دیگر نیز توجه کنیم:

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می‌کند که فرمود: در گرفتن زکات، خشونت، قهر، کتک، سخت‌گیری، تحمیل بیش از طاقت ممنوع است (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۵).

و در حدیث دیگر از اینکه مردم را وادار به سوگند کنیم که زکات داده‌اند، نهی فرمود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۰۱).

اگر برخورد ما اسلامی باشد (و همان‌گونه که در نامه ۲۵ گذشت) مردم بدانند که حاکم اسلامی به خاطر وظیفه الهی به سراغ مردم رفته یا افرادی را برای گرفتن زکات اعزام می‌کند، انگیزه او سیر کردن فقرا است، راه و روش او کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله است، تمام مردم (جز افراد لجوج و مریض) با آغوش باز این حکم اسلام را خواهند پذیرفت. اگر مردم از نحوه جمع‌آوری و تقسیم آگاه باشند، به پرداخت زکات گرایش بیشتری خواهند داشت. در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات در مسجد جمع‌آوری می‌شد و شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آنها را تقسیم می‌فرمود. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۶).

و بر پرداخت‌کننده صلوات و درود می‌فرستاد (سوره توبه، آیه ۱۰۴) و صلوات او برای آنان آرام‌بخش بود و سنگینی گذشت از مال را از دوش آنان برطرف می‌کرد. اول کسی که زکات خود را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آورد شخصی به نام ابو اوفی بود. حضرت زکات او را گرفت و فرمود: «اللهم صلّ علی ابی اوفی و آل ابی اوفی» (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۶).

خداوند! بر ابی اوفی و خاندان او درود بفرست. اگر هنگام گرفتن زکات، دهنده آن را آزاد بگذاریم که اگر خواست جنس بدهد و اگر نخواست قیمت آن را پرداخت نماید، این آزادی نیز نوعی تشویق عملی است. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۳).

توافق عادلانه

یکی از مسائلی که پرداخت زکات را برای مردم آسان‌تر می‌کند، توافق گیرنده با پرداخت‌کننده است. در حدیث می‌خوانیم: اگر گیرنده زکات آن حیوانی را که مشمول زکات است نیافت، می‌تواند با دهنده زکات توافقی عادلانه داشته باشد، یا شتر بزرگتری بردارد و ارزش اضافه آن را به صاحبش بپردازد و یا حیوان کوچکتری بردارد و صاحبش مبلغی که ما به التفاوت است همراه شتر به گیرنده زکات رد کند. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۷).

تسهیلات در گرفتن زکات

برای تشویق مردم باید ما به سراغ آنان برویم، مثلاً وسیله حمل و نقل گندم و جو و... را به سر زمین ببریم، زیرا تهیه وسیله و حمل محصول برای دولت آسان و برای مردم مشکل است. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا ما مردم را جمع کنیم و زکات مالشان را بگیریم یا اینکه به سراغ مردم برویم؟ فرمود: شما به سراغ آنان بروید. (جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۴).

چه مالی زکات دارد؟

تقریباً تمام فقها در رساله‌های خود فرموده‌اند که زکات مربوط به نه چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، گوسفند، گاو، شتر، طلا و نقره مسکوک، همان چیزهایی که مورد تولید و مصرف عموم مردم آن زمان بوده است. البته فقهای بزرگوار شرایطی را برای مالی که مورد زکات است در رساله‌های خود آورده‌اند. از جمله اینکه طلا و نقره به شکل سکه رایج باشد. گندم و جو، اگر از آبیاری باشد مقدار کمتری زکات می‌پردازد، ولی اگر از طریق دیم به دست آید، زکات بیشتری دارد، گاو و گوسفندی زکات دارد که در چراگاه بچرد و صاحبش برای تأمین علوفه آنها هزینه‌ای نپردازد. تفصیل شرایط در رساله‌های عملیه مطرح شده است و هر کس باید به مرجع تقلید خود مراجعه و به فتوای او عمل کند تا در قیامت حجت داشته باشد.

در کنار نظریه قریب به اتفاق مراجع تقلید، بعضی از علما و دانشمندان نظر دیگری دارند که به آن اشاره می‌کنیم. این افراد می‌گویند: دلیل وجوب زکات فقرزدایی است و تا فقر هست باید زکات از اجناس دیگر نیز گرفته شود تا فقر ریشه‌کن شود و در زکات، تفاوتی میان گندم و جو و سایر اجناس نیست، آنچه مهم است، ریشه‌کنی فقر است.

این افراد شواهدی نیز برای سخن خود می‌آورند از جمله در روایات می‌خوانیم: اگر مشکل فقرا با این موارد حل نمی‌شد، خداوند در مال اغنیا سهم بیشتری برای فقرا قرار می‌داد، پس محور زکات حل مشکل فقرا است و چون امروزه با پرداخت زکات این نه چیز، مشکل حل نمی‌شود، باید از اجناس دیگر نیز زکات گرفته شود.

همچنین در روایات می‌خوانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات را از غیر این نه چیز عفو فرمود. کلمه «عفو» نشان می‌دهد که دامنه زکات در ابتدا گسترده بوده است، ولی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چون با پرداخت زکات نه چیز مشکل فقرا حل می‌شد، حضرت زکات باقی اجناس را عفو کردند و این عفو حکومتی، تنها برای زمان خاصی است و لذا بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، حضرت علی علیه السلام برای اسب‌ها زکات تعیین کرد. بنابراین دست حاکم اسلامی برای کم و زیاد کردن اقلام مشمول زکات باز است و هر گاه تعداد فقرا زیاد شد، حاکم

اسلامی می‌تواند بر چیزی زکات قرار دهد و اگر مشکل فقرا حل شد، می‌تواند زکات جنسی را عفو کند.

ما به همین مقدار اشاره اکتفا و دامنه این بحث را جمع می‌کنیم و بررسی آن را به حوزه‌های علمیه واگذار می‌کنیم و همین قدر می‌گوئیم که:
اولاً: حل مشکل فقر، تنها از راه گرفتن زکات نیست، بلکه راه‌های دیگری نظیر خمس، انفاقات، کفّارات، قرض الحسنه، ایجاد شرکت‌های تعاونی، اشتغال، مضاربه و امثال آن نیز هست.
ثانیاً: باید فرهنگ ساده‌زیستی و زهد و قناعت و صرفه‌جویی و مصرف صحیح در مردم زنده شود تا میلیون‌ها نفر به خیال فقر ناله نزنند و توقع نداشته باشند که با کار کم، نان زیاد بخورند.

گستره زکات

در پایان کتاب به این نکته مهم اشاره می‌کنیم که در اسلام زکات دارای معنای گسترده‌ای است و برای هر چیز زکاتی تبیین شده است، مثلاً:
زکاتِ آبرو، حل مشکلات مردم است، چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: همان‌گونه که ادای زکاتِ مال واجب است، ادای زکاتِ آبرو نیز واجب است.
امام صادق علیه السلام فرمود: بر هر عضوی زکاتی واجب است:
زکات چشم، نگاه با عبرت و چشم‌پوشی از گناهان است.
زکات گوش، شنیدن و گوش دادن به علم و حکمت و قرآن است.
زکات زبان، نصیحت مسلمین و بیدار کردن غافلین و تسبیح خداست.
زکات دست، نوشتن علوم و بخشش مال است.
زکات پا، تلاش و سعی در راه جهاد، تحصیل، اصلاح میان مردم، عیادت و زیارت خویان است.
زکات علم، نشر آن است.
زکات قدرت، انصاف است.
زکات زیبایی، عفت است.
زکات پیروزی، احسان است.
زکات شجاعت، جهاد است.
زکات سلامتی، سعی در اطاعت اوامر و نواهی الهی است.
زکات حکومت، کمک‌رسانی به درماندگان است.
و زکات عقل، تحمّل کردن بی‌خردان است. (غرر الحکم و میزان الحکمة).

زکات در عصر امام زمان علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرهنگ اقتصادی مردم به نحوی است که حرام‌خواری ارزش و غنیمت، ولی پرداخت زکات خسارت شمرده می‌شود. «حتّی تَرَوْنَ الحرام مغنماً و الزّکاة مغرماً» (بحار، ج ۵۲، ص ۲۶۳).

اما در آن روزگار که امام مهدی علیه السلام ظهور کند، ثروتمندان باید حق خدا را بدهند و اگر ممانعت کنند، گرفتار قهر ولیّ الله قرار خواهند گرفت. (وسائل، ج ۶، ص ۱۹). آری دوران ظهور، دوران پایان گرسنگی و فقر است، گرچه به بهای محو ثروتمندان بی‌درد و مرقّه‌هان بی‌تفاوت باشد. در آن روز تبعیض‌ها از بین خواهد رفت و اموال عمومی به طور مساوی در میان مردم تقسیم خواهد شد و در آن روز کسی را که نیازمند به زکات باشد، مشاهده نخواهی کرد. «یُسوی بین النّاس حتّی لا تری محتاجاً الی الزّکاة» (بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰).

«والحمد لله ربّ العالمین»